

## Hayakal al-Nur (Temples of light) in Poetry

### *Alfya al-Hikmat al-Elayia ala Mazhab al-Eshraghieen*

Saeed Anvari\*

Zeynelabidin Hüseyini\*\*

#### Abstract

#### Introduction

In this poem of one thousand couplets (*alfiya*) which was composed in the eighteenth century, the treatise *The Temples of Light* has been poetized. There is a separate commentary on the treatise which shall be introduced in a moment. In the present work, *Alfiya* has been edited and published alone.

#### An introductory discussion of *Alfiya* and the commentary

The author of the treatise is a person named Hassan al-Kurdi who has described himself as the “versifier” (*nāzim*) and Suhrawardi as “the author”. In his commentary on *The Temples of Light*, he has used the commentary by Jalal al-Din Davani (d. 1502 AD) on *The Temples of Light* and the one by Qutb al-Din Shirazi (d.1311 AD) on *The Philosophy of Illumination*. He has also used several philosophical works to supplement his content. He names Suhrawardi as “Abu al-Faraj Muhammad Suhrawardi”. In some of his couplets the author has referred to Quranic verses and used their themes in his poetry.

This *Alfiya* is subsumed under pedagogical poetry, where the form of poetry is utilized to facilitate learning and memorization of various types of knowledge. In Arabic, this kind of poetry is more in the metre *rajaz*, which is why it is called *arjūza*. The first couplet of *Alfiya* is as follows:

---

\* Associate Professor of Islamic Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), saeed.anvari@atu.ac.ir

\*\* Research Assistant, Department of Islamic Philosophy, Faculty of Theology, Istanbul University, Istanbul, Turkey, zeynelabidin.huseyni@istanbul.edu.tr

Date received: 08/07/2021, Date of acceptance: 16/09/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Yā ḥayyu yā qayyūm yā dha-l-qūdra / Ayyid wa-thabbitni bi-nūr al-ḥikma

The treatise is the second book in which one of Suhrawardi's work is poetized. Prior to that, in the fourteenth century, Imad al-Din Arabshahi Yazdi had versified Suhrawardi's *The Lovers's Companion (Munis al-Ushshaq)*.

### Composition's date

As it can be inferred from the introduction to the script, Hassan al-Kurdi lived in Damascus, and he had been writing his commentary from the first day of Ramadan until the Day of Arafa (the ninth day of the month *dhi-l-hajja* according to the Islamic calendar), i.e. in about one hundred days. At the end of his commentary, he has equated, under the *abjad* system, the date of finishing his work (1170 AH/ 1756 AD) with the word "*ghasqā*". The stamp of Ottoman Sultan Selim III's Royal Library has been put on the margin of *Alfiya* and its commentary.

### On the author

In biographical dictionaries, there are different people named Hassan al-Kurdi, but none of them could definitely be said to be the author of the treatise; hence no available information about him.

### A description of the copies

The unique copy of *Alfiya* numbered 2486 and the commentary script numbered 2515 are housed in Turkey's Suleymaniye Library. There are some lacunas in *Alfiya*, but checked against the couplets in the commentary, finally the number of *Alfiya*'s couplets is exactly 1000, and the couplets are completely diacriticized. The text of the commentary is mixed with verses of *Alfiya*, and it has no diacritical marks. From the commentator's introduction, it can be inferred that *Alfiya* and the commentary were written by the same person. Scripting is in *naskh* style and very legible. There are lacunas and errors in both *Alfiya* and the commentary, which have been corrected on the margins.

### Research method

Because of the uniqueness of the script of *Alfiya*, in editing this treatise the method of editing based upon the original copy was employed. Those verses that have repeated themselves as a result of being mixed with the text of the commentary have been used as the second copy, and the differences are reported in the footnotes.

### Conclusion

Publication of the work can make a contribution to research on Suhrawardi and the history of Islamic philosophy and its impacts.

**Keywords:** Alfiyah, Ishraqi, *Hayakal al-Nur* (Temples of light), Suhrawardi, Edition.

## هیاکل النور منظوم

### (الفیه الحکمة الالهیه علی مذهب الإشراقیین)

سعید انواری\*

زین العابدین حسینی\*\*

#### چکیده

در این الفیه (هزار بیت) که در قرن دوازدهم هجری سروده شده است، رساله هیاکل النور سه‌رودی به نظم درآمده است. الفیه حاضر در بحر رجز و به صورت قصیده سروده شده است و بدین جهت می‌توان آن را «ارجوزه» نیز نامید. این رساله دارای شرحی جداگانه است و توسط شخصی به نام «حسن الکردی» سروده و شرح شده است. مطالب شرح وی بیشتر برگرفته از شرح جلال الدین دوانی بر رساله هیاکل النور است و در کنار آن از آثار فلسفی دیگری نیز استفاده شده است. وی در دمشق اقامت داشته است و پس از تالیف الفیه، شرح آن را در سال ۱۱۷۰ قمری (بر اساس حروف ابجد، معادل واژه «غسقی») به پایان رسانده است. چنان که در مقاله نشان داده شده است، برخلاف نظر هلموت ریتز که مؤلف این رساله را حسن بن محمد زیباری کردی دانسته است، مؤلف این رساله را نمی‌توان هیچ یک از کسانی دانست که در کتاب‌های تراجم با عنوان حسن الکردی معرفی شده‌اند. بدین جهت در مورد مؤلف این الفیه و شرح آن اطلاعاتی در دست نداریم. نسخه منحصر به فرد الفیه به شماره ۲۴۸۶ در کتابخانه سلیمانیه ترکیه نگهداری می‌شود. در این مقاله رساله الفیه تصحیح و منتشر شده است. به دلیل منحصر به فرد بودن این نسخه، از شیوه تصحیح بر مبنای

\* دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)، saeed.anvari@atu.ac.ir

\*\* دستیار پژوهشی، گروه فلسفه اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه استانبول، استانبول، ترکیه، zeynelabidin.huseyni@istanbul.edu.tr

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

نسخه اساس استفاده شده است و اشعاری که در شرح الفیه، به صورت مزجی تکرار شده‌اند، به عنوان نسخه دوم در تصحیح مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** الفیه، اشراقی، هیاکل النور، سهروردی، تصحیح، حسن الکردی.

## ۱. مقدمه

در این الفیه (هزار بی‌تی) که در قرن دوازدهم هجری سروده شده است، رساله هیاکل النور سهروردی به نظم درآمده است. این رساله دارای شرحی جداگانه نیز هست که در ادامه معرفی می‌شود. در اینجا این الفیه به تنهایی تصحیح و منتشر شده است.<sup>۱</sup> این الفیه جزو منظومه‌های تعلیمی است که از قالب شعر برای ساده‌تر کردن آموزش و به خاطر سپردن علوم مختلف استفاده می‌کنند. این منظومه‌ها از قرن هفتم هجری رواج یافته‌اند و در علوم مختلف مانند صرف و نحو، طب، عروض و لغت و ... سروده شده‌اند. اینگونه منظومه‌ها در زبان عربی بیشتر به صورت مثنوی و در بحر «رجز» با وجود زحاف (تغییر مختصر در افعال عروضی) در برخی از ابیات آن هستند. بدین جهت آن‌ها را «ارجوزه» نیز می‌نامند. الفیه حاضر نیز در بحر رجز سروده شده است و قالب آن قصیده است. این رساله دومین اثری است که در آن یکی از آثار شیخ اشراق به نظم کشیده شده است. پیش از این در سده هشتم هجری، عمادالدین عربشاه یزدی رساله مونس العشاق سهروردی را به نظم درآورده بود (مایل هروی، ۱۳۶۶).

## ۲. شرح‌های هیاکل النور

تاکنون حدود هجده شرح بر هیاکل النور سهروردی گزارش شده است (Cornelis van Lit, 2018: 542-543؛ کریمی زنجانی، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۶) که برخی از آنها مانند موارد زیر منتشر شده‌اند: شرح فارسی از مؤلفی ناشناس در عهد آل مظفر (حدود ۷۵۰ق)؛<sup>۲</sup> شرح جلال الدین دوانی (شواکل الحور در حدود ۸۷۲ق)؛<sup>۳</sup> شرح غیاث الدین منصور دشتکی (اشراق هیاکل النور در حدود ۸۹۵ق)؛<sup>۴</sup> و شرح قاسم علی اخگر حیدرآبادی به فارسی (نهایة الظهور در حدود ۱۳۶۵ق).<sup>۵</sup>

### ۳. معرفی الفیه و شرح آن

نویسنده این رساله شخصی به نام «حسن کردی» است که از خودش با عنوان ناظم و از سهروردی با عنوان مؤلف یاد کرده است. در ابتدای الفیه چنین آن آمده است:

الفیه الحکمة الإلهية علي مذهب الإشراقيين مما حوتها الهياكل النورية مع زيادات من شرحها وشيء من كتاب الإشراق كتابين للحكيم الفاضل والمحقق الكامل والولي الواصل الشيخ شهاب الدين السهروردي قدس الله سره العزيز ونور ضريحه قد نظمها كاتبها الفقير حسن الكردي، غفرا لله له ولوالديه ولكل المسلمين آمين.

همچنین در آغاز شرح این رساله آمده است:

کتاب شرح الألفية الحکمة لناظمها العبد الفقير ذي الهفوة والتقصير، تراب اقدام الفقراء و خادم نعال السادة الأذباء سفيل الزمان و الأيام غريب البلدان نزيل دمشق الشام حسن الكردي ستر الله عيوبه و غفر ذنوبه و اوراق اشجار آماله و اصلح جميع احواله و افعاله و لاخوانه المؤمنين و لكافة المسلمين و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و على آله اجمعين.

مؤلف در ابتدای شرح الفیه در مورد انگیزه تالیف این رساله می نویسد:

أما بعد، يقول العبد الفقير حسن الكردي - ستر الله عيوبه و غفر ذنوبه - لما تشرفت بملاقاة كتب من الحكم الإلهية لأهل الإشراق التي دونوها بالقاء الكشف و إملاء الأذواق حملني شوق غالب على أن أعمر باطني بأسرارها و أنور صحيفة قلبي بأشعة أنوارها و أقنات بقوت مسائنها و أمشي في الناس بضياء دلالتها، فرأيت حفظ المنظومات أقرب إلى إنضباط من المنشورات و أولى مختصر جليل المعاني فصيح المباني بأن ينظم في سلك الأوزان نظم اللؤلؤ في عقد الخلان الرسالة المسماة بالهياكل النورية للشيخ الإمام شهاب الملة و الدين سلطان المتألهين قدوة المكاشفين ابوالفرج محمد السهروردي - قدس الله روحه و نور ضريحه - فاغتنمت بنظمها أولاً و بحفظها ثانياً و عزمت ثالثاً أن أضع عليها شرحاً يبين معانيها بلسان فصيح و يبرز مقاصدها بتقرير واضح و أسأل الله الكريم أن يمن عليّ بالمرام الثالث أن اسلكه في سمط التحرير كما انعم عليّ بالاولين بالنظم و الضبط في التصوير إنه قريب موجب عليه اتوكل و إليه أئيب.

وی در شرح این رساله از شرح جلال الدین دوانی بر هیاكل النور و شرح قطب الدین شیرازی (متوفی ۷۱۰ق) بر حکمة الاشراق استفاده کرده است. همچنین از مفردات راغب، کشف زمخشری، حکمة الاشراق و المشارع و التلوينات و پرتونامه

شیخ اشراق، شرح اشارات، فصوص الحکم ابن عربی و قوت القلوب ابوطالب مکی نام برده است و به نظرات امام الحرمین جوینی، فخررازی، ابی الحسن اشعری، ابن سینا، افلاطون و صاحب الهدایه اشاره کرده است و از شیخ محمد بن عبدالجبار النقری، اویس قرنی و زردتشت یاد کرده است. وی از سهروردی با عنوان «ابوالفرج محمد سهروردی» نام می‌برد. مؤلف در برخی از ابیات به آیات قرآن کریم اشاره و مضامین آن را در اشعار خود به‌کار برده است. مانند: «لکلّ باب جزؤه المقسوم من...» (برگرفته از الحجر: ۴۴)؛ «شردمة قليلة قد ذهبوا...» (برگرفته از شعراء: ۵۴)؛ «وکلّ شیء فعلوه فی الزیر...» (مطابق با قمر: ۵۲) و ...

#### ۴. زمان تألیف

چنان که از مقدمه نسخه به دست می‌آید، حسن الکردی در دمشق (ناحیه شام) اقامت داشته است. و پس از تألیف الفیه، شرح آن را از اول ماه رمضان تا روز عرفه (نهم ذی الحجّه) یعنی در حدود صد روز نوشته است. وی در انتهای شرح رساله، زمان به‌پایان رساندن آن را معادل واژه «غسقی» (۱۰۰۰+۶۰+۱۰۰+۱۰=۱۱۷۰ قمری) دانسته است (مؤرخاً أضوائها من «غسقی»). این ارجوزه در زمان حکومت سلطان سلیم سوم عثمانی (معادل زمان افشاریه در ایران) و در شهر دمشق سروده و شرح شده است. در حاشیه الفیه و شرح آن نیز مهر کتابخانه سلطنتی سلطان سلیم سوم عثمانی (۱۲۰۳-۱۲۲۲ق) درج شده است.

#### ۵. مؤلف رساله

در کتابهای تراجم افراد مختلفی با نام حسن الکردی وجود دارند، اما با توجه به تاریخ کتابت نسخه، نمی‌توان هیچ یک از این افراد را به طور قطع مؤلف این رساله دانست. بدین جهت در مورد مؤلف این الفیه و شرح آن اطلاعاتی در دست نداریم. برخی از این افراد عبارتند از:

- هلموت ریتز در کتابشناسی خود به این الفیه اشاره کرده است و مؤلف آن را حسن بن محمد زیباری دانسته است (Ritter, 1937: 284). یعنی کسی که حاشیه‌ای بر شرح حصام الدین ابراهیم بر رساله استعاره سمرقندی نگاشته است. ریتز گزارش می‌کند که در این مجموعه، یادداشتی به خط مؤلف با تاریخ ۱۰۱۹ق

وجود دارد. این تاریخ با تاریخ ۱۱۷۰ق که مؤلف به آن اشاره کرده است (شارح و ناظم الفیه یک نفر هستند) و نیز با تاریخ سلطنت سلطان سلیم عثمانی که مهر کتابخانه وی بر این رساله درج شده است، همخوانی ندارد. همچنین با مراجعه به نسخه مشاهده می‌شود که آنچه ریتز آن را تاریخ کتابت در نظر گرفته است، نقشی به صورت (۱۵۹) در انتهای آخرین بیت الفیه است که بنظر می‌رسد نمی‌تواند تاریخ کتابت نسخه باشد.

لازم به ذکر است که حسن بن محمد الزیاری الکردی متوفی ۱۰۷۸ق است (الجبشی، ۱۴۲۷ق: ۶۷/۱). در این صورت می‌توان وی را حسن الکردی (النوردینی) ساکن دمشق دانست که تاریخ وفات وی را ۱۰۷۸ق ذکر کرده‌اند (کحاله، ۱۳۷۶: ۲۷۴/۳). بنابراین بر اساس تاریخ وفات ذکر شده، وی نمی‌تواند مؤلف رساله الفیه باشد.<sup>۷</sup>

- ابی‌العرفان ابراهیم بن حسن الکردی (الکورانى الشافعى)، ساکن مدینه، متوفی ۱۱۰۱ق (بغدادی، بی تا: ۱۰۴/۱).
- حسن بن موسی الکردی، عارف و ادیب، ساکن شام، متوفی ۱۱۴۸ق (تهامی، ۱۳۸۵: ۹۱۱/۱<sup>۸</sup>).
- میرمرتضی بن میرمصطفی ابن میرحسن الکردی، شاگرد نابلسی، ساکن دمشق، متوفی ۱۱۵۵ق (بغدادی، بی تا: ۴۴/۲؛ بغدادی، ۱۹۵۱: ۴۲۵/۲).
- عبدالرحمن بن الملاحسن الکردی (معروف بابن عصبه)، متوفی ۱۱۹۵ق (سرکیس، ۱۴۱۰: ۱۵۵۳/۲؛ جبشی، ۱۴۲۷: ۱۱۰۲/۲ و ۱۳۳۰).

## ۶. مشخصات نسخه‌ها

نسخه منحصر به فرد الفیه به شماره ۲۴۸۶ و نسخه خطی شرح آن در مجموعه‌ای به شماره ۲۵۱۵ در کتابخانه سلیمانیه ترکیه نگهداری می‌شوند که مهر کتابخانه سلطنتی سلطان سلیم سوم عثمانی بر روی هر دوی آنها درج شده است. الفیه در ۷۲ صفحه ۱۵ سطری و شرح آن در ۲۴۰ صفحه ۱۹ سطری نوشته شده است. شرح الفیه در مجموعه‌ای قرار دارد که حاوی رساله «هدایة الحکمة» نوشته اثیرالدین ابهری است. در انتهای هدایه نوشته شده است: «و من أراد الاستقصاء فی الحکمة و الوقوف علی مذهب الحکماء فلیرجع إلی کتابنا المسمى

بزبدة الأسرار». در واقع نویسنده به رساله زبدة الأسرار بر هداية الحكمة اشاره می‌کند که مؤلف آن کمال الدین حسین بن معین میبیدی است. در پایان این مجموعه یک رساله نیمه تمام در دو صفحه آمده است.

## ۷. توصیف نسخه‌ها

از مقدمه شارح به دست می‌آید که الفیه و شرح آن توسط یک نفر نوشته شده است. الفیه دارای افتادگی‌هایی است که با مقایسه آن با ابیات ذکر شده در شرح، در نهایت دقیقاً دارای ۱۰۰۰ بیت با اعراب و حرکت‌گذاری کامل است. شرح آن به صورت مزجی است و فاقد اعراب و حرکت‌گذاری است. کتابت نسخه‌ها با خط نسخ و بسیار خوش خط صورت گرفته است. در شرح، عبارات اشعار با شنگرف نوشته شده است. در مواردی نیز که رنگ کلمات اشعار با شنگرف نوشته نشده است، بالای آنها خط کشیده شده است. در ابتدا و انتهای ابیات الفیه نیز با شنگرف نقطه گذاشته شده است.

کاتب حروف «ج» و «خ» و «ح» و «ع» را در انتهای کلمات به نحوی نوشته است که ممکن است به اشتباه «جی» و «خی» و «حی» و «عی» خوانده شوند.

شیوه کتابت کاتب در الفیه و شرح آن یکسان نیست. به عنوان مثال وی در متن الفیه «الرحمن» و «الثلاثة» و در شرح «الرحمان» و «الثلاثة» کتابت کرده است و یا در شرح هردو صورت «حیوة» و «حیاة» کتابت شده است.

در مواردی نیز مانند: «وقائع» و «سایر» و «حقایق» آنها را همزمان با «ئ» و «ی» نوشته است.

هر دو نسخه الفیه و شرح آن دارای افتادگی‌ها و یا اغلاطی هستند که در حاشیه آنها اصلاح شده‌اند. به عنوان مثال در متن الفیه دو فصل جا به جا شده‌اند و سپس در حاشیه به این اشتباه تذکر داده شده است. همچنین یک فصل کامل افتادگی دارد که در حاشیه درج شده است. با مطابقت الفیه با شرح آن مشخص می‌شود که مؤلف در حین شرح الفیه، برخی از ابیات را اصلاح کرده است که برخی از این اصلاحات را با خط زدن در متن الفیه نیز وارد کرده است. این اختلافها در پاورقی ذکر شده است.

کاتب در چند مورد با چسباندن کاغذ بر روی ابیات، آنها را اصلاح کرده است که نشان می‌دهد این نسخه نسخه نهایی کاتب بوده است؛ اما با وجود این، برخی از ابیات خط خورده‌اند و در حاشیه اصلاح شده‌اند. این احتمال وجود دارد که مسؤلان



کتابخانه سلطنتی سلطان سلیم عثمانی موارد خط خورده و اصلاح شده را بعداً توسط کاغذ پوشانده و بازنویسی کرده‌اند، اما این کار را تا انتها به پایان نرسانده‌اند.

وجود اشتباهاتی در متن الفیه و شرح آن نشان می‌دهد که سطح علمی مؤلف در حکمت اشراق چندان برجسته نیست و یا آنکه این نسخه‌ها، نسخه اصلی مؤلف نیستند و از روی آنها توسط کاتبی که اطلاعات اشراقی خوبی نداشته است، کتابت شده‌اند. در این صورت عبارت: «نظمها کاتبها» در ابتدای آن نیز از روی نسخه اصلی رونویسی شده است.

برخی از این اشتباهات عبارتند از:

(الف) اشتباهات در اصطلاحات تخصصی شیخ اشراق: ضیضة (صحیح: صیصیه، اصطلاح خاص سه‌رودی در مورد بدن)؛ هورخس (صحیح: هورخش)؛ اُسْفَهْدی (صحیح: اِسْفَهْدی)

(ب) اشتباهات دیکته‌ای: مقناطیس (صحیح: مغناطیس)

(ج) اشتباهات در حرکت گذاری: رِفْعَة (صحیح: رَفْعَة)؛ تَناسِخ (صحیح: تَناسُخ)؛ سِرِیان (صحیح: سَرِیان)؛ عُرْضِیَة (صحیح: عَرَضِیَة)؛ جُرْم (صحیح: جِرم)؛ قِسری (صحیح: قَسری)، بُحْت (صحیح: بَحْت) و...

(د) اشتباهات در اعراب: حَقائِق (صحیح: حَقائِق)

## ۸. شیوه تصحیح

به دلیل منحصر به فرد بودن نسخه الفیه در تصحیح این رساله از اشعاری که در شرح الفیه، به صورت مزجی تکرار شده‌اند، به عنوان نسخه دوم (با رمز «ن») استفاده شده است (نسخه الفیه با رمز «اصل» در پاورقی ذکر شده است) و اختلافات آنها در پاورقی گزارش شده است. جهت پرهیز از شلوغ شدن پاورقی‌ها، موارد زیر اصلاح شده و در پاورقی ذکر نشده‌اند:

- کرسی همزه به صورت رسم الخط امروزی در آمده است.
- مواردی مانند فائض (فایض)، دائم (دایم)، یلائم (یلایم) اصلاح شده‌اند.
- مواردی مانند الثلثة (صحیح: الثلاثة) و حیوة و حیوأة (صحیح: حیاة) و الرحمن (صحیح: الرحمان) به صورت رسم الخط امروزی نوشته شده‌اند.

- در مواردی اعراب و حرکت گذاری اصلاح شده است.
- در مواردی که حرکت گذاری گذاشته شده صحیح است، اما معمول نیست (مانند: نُسبَة که به صورت نِسبَة معمول تر است)، حرکت گذاری اصلاح شده است.
- در حرکت گذاری «ی» برای صدای «ی» از «اَ» و برای صدای «ی» از «اِ» استفاده کرده است. در این موارد صدای «اَ» را به صورت «ی» و صدای «اِ» را به صورت «ی» نوشته ایم.
- در مواردی به ضرورت شعری و یا به دلیل شرح مزجی اشعار، اعراب و حرکت های کلمات در شرح با متن اصلی تفاوت دارد که به این موارد در پاورقی اشاره نشده است.
- در مواردی به ضرورت شعری، برخی از کلمات به صورت خاصی نوشته یا اعراب گذاری شده اند. مانند: البار (بجای: الباری)؛ توال (بجای: توالی)؛ تال (به جای: تالی)؛ الشّهوات (بجای: الشّهوات)؛ وهّو (به جای: وهّو)
- در تصحیح اختلافات میان الفیه و شرح آن، مواردی انتخاب شده است که از نظر وزن شعری و مضامین اشراقی صحیح تر هستند.
- کلمات خط خورده و حذف شده در پاورقی ذکر نشده اند؛ اما مصرع ها و ابیات خط خورده و حذف شده در پاورقی ذکر شده اند.
- در مواردی نیز عنوان فصل ها با آنچه در شرح آمده است به نحو جزئی متفاوت است که به این اختلافات اشاره نشده است.

### پی نوشت ها

۱. تصحیح شرح الفیه در دست انجام است.
۲. تصحیح محمد کریمی زنجانی اصل، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۹.
۳. تصحیح احمد تویسرکانی، در ضمن ثلاث رسائل، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۴۱۱ق.
۴. تصحیح علی اوجیبی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۲.
۵. تصحیح محمد کریمی زنجانی اصل، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

هياكل النور منظوم ... (سعيد انوارى و زين العابدين حسینی) ۳۱۷

۶. از «شرح بر شرح العصام علی رساله الاستعارة (حسن بن محمد زيارى)» نسخه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که در سال ۱۰۹۷ق در قرية بيلوه از ناحیه بانه کتابت شده است (نسخه شماره ۱۸۸۵۱/۷). عنوان این کتاب را به صورت «حاشیه علی شرح رساله الاستعارات للسمرقندی» نیز ثبت کرده‌اند (الحبشی، ۱۴۲۷: ۶۷/۱).

۷. بر اساس اطلاعات هلموت ریتز، برخی مؤلف‌هایه را حسن الکردی الزیاری دانسته‌اند (Cornelis van Lit, 2018: 542) که چنان که نشان داده شد، این سخن صحیح نمی‌باشد.

۸. ملاحسن بن موسی بن عبدالله الکردی البانی القادری الدمشقی الشافعی؛ کتاب «شرح حکم الشیخ الاکبر» وی منتشر شده است (تصحیح: احمد فرید المزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۶م). زرکلی در مورد وی می‌نویسد: «حسن بن موسی البانی مولد، الکردی أصلاً، الدمشقی مسکناً و وفاة، فاضل من المتصوفة» (زرکلی، ۱۹۶۹: ۲۳۹/۲).

## کتاب‌نامه

بغدادی، اسماعیل. (بی‌تا)، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت: دار احیاء الکتب العربی.

بغدادی، اسماعیل. (۱۹۵۱م)، هدیه العرفین (اسماء المؤلفین و آثار المصنفین)، تصحیح محمد مهدی خراسانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

تهامی، سید غلامرضا. (۱۳۸۵)، فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، تهران: شرکت سهامی انتشار. حبشی، عبدالله محمد. (۱۴۲۷ق)، جامع الشروح و الحواشی، ابوظبی: هیئة ابوظبی للثقافة و التراث. زرکلی، خیرالدین. (۱۹۶۹م)، الاعلام (ق‌اموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین)، بیروت: بی‌نا.

سرکیس، یوسف لیان. (۴۱۰ق)، معجم المطبوعات العربیة و المعربة (هو شامل لأسماء الکتب المطبوعة فی الاقطار الشرقیة و الغربیة ...)، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

کحالة، عمر رضا. (۱۳۷۶ق)، معجم المؤلفین (تراجم مصنفی الکتب العربیة)، بیروت: دار احیاء التراث العربی. مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۶)، مونس العشاق منظوم، تهران: انتشارات مولی.

کریمی زنجانی اصل، محمد. (۱۳۷۹)، مقدمه بر تصحیح رساله هياكل النور شهاب الدین یحیی سهروردی (متن عربی، ترجمه کهن فارسی، شرح فارسی از عهد آل مظفر)، تهران: نشر قطره.

الکردی، حسن، شرح حکم شیخ الاکبر، تصحیح: احمد فرید المزیدی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.

Cornelis van Lit, L. W, *The Commentary Tradition on Suhrawardi*, Philosophy East and West, Volume 68, Number 2, April 2018.

Ritter, Hellmut, *Philologica IX*, Islam 24, 1937.

- Al-Kurdi, Hassan. 2006. *Sharh Hukm Shaykh al-Akbar*. Edited by Ahmad Farid al-Mazidi. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [in Arabic]
- Baghdadi, Isma'il. 1951. *Hidya al-Arifin (Asma' al-Mu'allifin wa-Athar al-Musannifin)*. Edited by Muhammad Mahdi Khusani. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Baghdadi, Isma'il. n.d. *Izah al-Maknun fi-l-Dhayl ala-Kashf al-Zunun an Asami al-Kutub wa-l-Funun*. Beirut: Dar Ihya' al-Kutub al-Arabi. [in Arabic]
- Cornelis van Lit, L. W. 2018. "The Commentary Tradition on Suhrawardi". *Philosophy East and West Vol. 68, no. 2*.
- Habashi, Abd Allah Muhammad. 2006. *Jami' al-Shuruh wa-l-Hawashi*. Abu Dhabi: Hay'a Abu Dhabi l-Thaqafa wa-l-Turath. [in Arabic]
- Kahala, Umar Rida. 1956. *Mu'jam al-Mu'allifin (Tarajim Musannifi al-Kutub al-Arabiyya)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Karimi Zanjani Asl, Mohammad. 2000. *Muqaddami bar Tashih-i Risali-yi Hayakil al-Nur-i Shahab al-Din Yahya Suhrawardi (Matn-i Arabi, Tarjumi-yi Kuhan-i Farsi, Sharh-i Farsi az Ahd-i Al-i Muzaffar)* [An Introduction to The Edited Treatise The Shape of Light by Shahab al-Din Yahya Suhrawardi (The Arabic Text, Ancient Persian Translation, Persian Commentary from The Muzaffarids' Era)]. Tehran: Qatreh Publications. [in Arabic and Farsi]
- Mayel Heravi, Najib. 1987. *Munis al-Ushshaq-i Manzum [Poetized The Lovers' Companion]*. Tehran: Mawla Publications. [in Farsi]
- Ritter, Hellmut. 1937. "Islam 24" in *Philologica IX*.
- Sarkis, Yusuf Aliyan. 1989. *Mu'jam al-Matbu'at al-Arabiyya wa-l-Mu'arraba (Huwa Shamil li-Asma' al-Kutub al-Matbu'a fi-l-Aqtar al-Sharqiyya wa-l-Gharbiyya ...)*. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. [in Arabic]
- Tahami, Seyyed Gholamreza. 2006. *Farhang-i A'lam-i Tarikh-i Islam [An Index of The History of Islam]*. Tehran: Publishing Joint Stock Company. [in Farsi]
- Zirikli, Khayr al-Din. 1969. *Al-A'lam (Qamus Tarajim li-Ashhar al-Rijal wa-l-Nisa' min-al-Arab wa-l-Musta'ribin wa-l-Mustashriqin)*. Beirut: n.p. [in Arabic]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا حيُّ يا قيُّومُ يا ذا القُدْرَةِ • أَيَدُ وَتَيْتِي نُبُورِ الحِكْمَةِ  
 وَأَحْسِرُ لِلنُّورِ وَأَجْمَلُ مَشْهُي • مَطَالِي رِضَاكَ خَيْرَ الحُلَّةِ  
 فَطَلْتُ نَفْسِي لَتَ ضَانًا عَلَيَّ • نَيْفِي يَرَى هَطْلًا لَطِيفًا لَوَقَعَةَ  
 أَسْرَى جِهَالِي بِطَلْمَاتِ رَجَبَتِ • قَامُوا بِبَابِ مِنْ فَكَاكَ لِأَسْرَةٍ  
 مَوْلَاكَ الحَيْرَ القَضَا حَيْرِي بِهِ • شَرُّ رِغْمِي يَطْفِي حَرُورَ الحُرُوقَةِ  
 تَأْمِجِدِ تَقْتَضِي مَكَارِمًا وَمَا • أَيْتَاءُ نَاسُوتِ مَجَالِ التَّمَنَةِ  
 بَارِكْ لَنَا فِي الذِّكْرِ وَادْفَعْ سَوْنَاءَ • وَوَقُوقِ أَيْهِيَّةَ أَحْسَنُوا فِي الرِّغْبَةِ  
 مَوْصِلِ يَادِي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ • خَيْرِ الوَرَى وَاللَّهِ وَالْأُمَّةِ  
 هَيْكَلِ النُّورِ سَنَارَتِ بَعْقَةَ • حَلَّتْ بِهَا عِنَايَةٌ وَأَسْتَجَلَّتِ  
 قَدْسِ لِي كُلِّ نَيْفِي أَقْبَلْتُ • تَهْدِيكَ وَعَقْلًا هَادِيًا بِالدَّعْوَةِ  
 الهَيْكَلِ الأَوَّلِ فِي أَشْيَاءِ هِيَ كَالْمَلْبَادِي لِلْمَبَاحِثِ الآتِيَةِ  
 بِالْحَبْرِ مِنْ إِشَارَةٍ إِنْ يَقْصِدُ • مَيْتِي لِذَاتِهِ فَجَسْمِ النُّبِيِّ  
 بِالتَّوَلُّدِ فِي عَرَضٍ وَعَمَّا يُرْسَمُ • أَجْسَامُنَا نَايَزَتْ بِالهَيْسَةِ  
 مَشِينًا إِنْ شَارَكَ فِيهَا هُمُرُ • تَفَارِقًا بغيرِهِ عَنِ شِرْكَتِهِ

حَقَائِقُ

۳۶

بُرِّدُ شَدِيدُ الْفَقْرِ لِخُرَاكِهٖ • بِحِمِّهِ يَكَادُ الْفَا صَلَاةٖ •  
• انْقَطَعَتْ وَانْفَصَلَتْ مَمْرُو • قَرَّمَتِ الْاَنْوَارُ مِنْ سَنَا حِمِّهِ •  
• اَدْرَجَتْ اَنْوَارًا سَتَّ مِنْ حِكْمِ • فِي هَذِهِ الْاَلْفَيْتَةِ الْاَنْفِئَةِ •  
• صَبَّتْ يَدَا عِنَايَةٍ فَاَنْسَلَبَتْ • جَاءَتْ بِفَضْلِ اللهِ كَالسَّبَكَةِ •  
• لَكِنْ عَصَاهَا الدَّهْرُ مِنْ اَهْلِيهَا • فَمَا بَعَثَ بَاعُ الْيَهَامِدَتِ •  
• وَغَابَ عَنْ اَنَاقِ مَجْدِ اَنْفَتِ • نَشَى جَاهَهَا عَنِ الْاِضَاوَةِ •  
• لَبِسُوْقَهَا كَاَسَدٍ لَنْ تُشْرِكِي • بِدِرْهَمِ تَقَاعَدَتِ عَنْ نَعْبَةِ •  
• نَعِيْمَتِ سَمَائِهَا تَسْرَتِ • خُومَهَا تَحْتَ رُكَامِ الظُّلْمَةِ •  
• فَاَنْقَطَعَتْ سَحَابُهَا عَنِ وِدْقِ •  
• يَخْرُجُ مِنْ خِلَا لَهَا بِالرَّحْمَةِ •

۱۵۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذى جعل العلم وسيلة للحيات . ورفع ارباب الروايات واهل  
 الدرايات على اهل الجهل والعبادة درجات والحلق بنور الحكمة وليد النور  
 باعلى السموات . والصلوة والسلام على جبيننا محمد سيد السادات وعلى آله و  
 اصحابه ذوى الفضائل الباهرات . وعامد الصفات الزاهرات **اما بعد**  
 يقول العبد الفقير حزن الكرى ستر الله عيوبه وغفر ذنوبه بما تشرفت  
 بملافاة كتب من الحكم الالهية لاهل الاشرق التى دونوها بالعلم الكشف  
 واملاء الاذواق جملنى شوق غالب على ان اعراضنى باسرارها وانور صحيفه  
 قلبي باشتم انوارها واقنات بقوت مسائلتها واشفى الناس بضيائها  
 دلائلها فزانت حفظ المنظومات اقرب الى انصباط من المنثورات واد  
 مخم جليل المعاني فيصبح المباني بان ينظم فى سلكه اللوزان نظم اللؤلؤ فى  
 عقد الخاقان الرسالة السماة بالجهل كل النورية للشيخ الامام شهاب الله والدين  
 سلطان المتأهلين قدوة الكاشفين ابو الفرج محمد السهروردى قدس الله  
 روحه ونور ضريحه فاغنمت بنظمها اولاً وحفظها ثانياً وعزمت ثالثاً ان  
 اضع عليها شرحاً يسير معاً ينهها بلسان فصيح ويبرز مقاصدها بتقدير  
 وضوح واسال الله الكيرع ان يمن على بالمرام الثالث ان اسلكه فى سبيل التفسير  
 كما انعم على بالاولين بالنظم والضبط فى التصوير انه قريب مما يجب عليه التوكل و  
 اليه انيب قال الناظم رحمه الله **يا حي يا قيوم** اقتصر الشيخ الاصل على التوفيق  
 وضم الناظم الى التوفيق اقتداء بالكتاب الجيد فى مواضع الثلثة اولاً

خزانة

رتال جامع علوم انساني

الكريم



«فقلت طوعاً حاناً نعتقنا» «عز رقة الهواء كالسترق»  
«فادركتني منه حتى سعت» «فدادستني من دروس الشفق»  
«وعونا عنان صاحب الكرامه» «فانفتت ينبوعه عن معلق»  
«فانجرت حكمته جاريد» «على نرات من الوقف»  
«فانفسوا مني جلايا حكمتي» «موتوا خاضوا أيها من غسقي»  
قد ابتدئت وشرعت في تسويد هذه الاحكام في غرة شهر رمضان المبارك وختمته  
في تاسع ذي الحجة الحرام فجاء مجد الله الموفق المتان ابتداءً في سيد الشهور ووقع بفضله  
اختتامه في يوم عرفة سيد الايام فمأذلاً منه ان يجعل واهب الفضل والبود  
والخيرات اقلنا وفي النجاة والسعادة آمنا واختامنا فانه للبود الكريم  
والبر الرحيم وصلى الله وسلم على حبيبه وصفية محمد وعلا  
لله واحبابه واهل بيته اجمعين والحمد  
لله رب العالمين اقلوا  
آخر ظاهر وباطن  
وعلى كمال





### بسم الله الرحمن الرحيم

يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ يا ذا القُدْرَةِ      اَيِّدْ وَتَبَتَّنِي بِنُورِ الحِكْمَةِ  
واحْشُرْ اِلَى النُّورِ واجْعَلْ مُنْتَهَى      مَطالِبِي رِضاكُ خَيْرَ الخُلَّةِ  
ظَلَمْتُ نَفْسِي لَسْتَ صَناناً عَلَيَّ      فيضٍ يُرى هَطلاً لَطيفَ الوَقْعَةِ  
أَسْرَى جِهاَلَةٌ بِظُلْماتٍ دَجَّتْ      قامُوا بِبابٍ مِنْ فِكاكِ الأُسْرَةِ  
الْخَيْرُ دابُّكَ<sup>١</sup>، القُضيا يَجْرِي بِهِ      شَرُّ رِضايَ يُطْفِئُ حَرورَ الحِرْقَةِ  
بِالمَجْدِ تَقْتَضِي مِكارِماً وَمَا      اَبْناءُ ناسُوتٍ مَجالِ النِّقْمَةِ  
بارِكْ لَنَا في الذِّكْرِ واذْفَعْ سُوءَنا      وَفَّقْ اَهْياناً أَحْسَنُوا في الرُّغْبَةِ  
وَصَلِّ يا رَبِّي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ      خَيْرِ السُّورَى وَالِإِهِّ وَالْأُمَّةِ  
هياكِلُ النُّورِ اسْتَنارتْ بِقَعَّةٍ<sup>٢</sup>      حَلَّتْ بِها عِنايَةٌ وَأَسْتَجَلَّتْ<sup>٢</sup>  
قَدْسُ إلهي كُلِّ نَفْسٍ أَقْبَلَتْ      تُهْدِي وَعَقلاً هادِياً بِالدَّعْوَةِ

### الهيكل الأول

#### في أشياء هي كالمبادي للمباحث الآتية

بِالحِجْسِ مِنْ إِشارةٍ إِنْ يُقْصَدِ      شَيْءٌ لِذاتِهِ فَجِجْسُ البُنيَّةِ  
بِالطُّولِ في عَرَضٍ وَعُمقٍ يُرْسَمُ      أَجسامُنا، تَمَازِجُ بِالهَيْئَةِ  
شَيْنانٍ إِنْ تَشارِكا فِيما لَهْمُ      تَفارِقاً بِغَيْرِهِ عَن شِرْكَةِ  
حَقائِقِ الأَشياءِ لَمْ يَنفَكْ لَها      لَوازِمُ عَنها بِها قَدْ خُصَّتْ  
والوصْفُ قَدْ يَكُونُ لَازِماً لَها      كَأرْبَعٍ وَصَفَتْ بِالزَّواجِيَةِ  
وقَدْ يَكُونُ مُمكِناً وَقَدْ أَتَى      مُمْتَبِعاً ثَبوتُهُ لَمْ يَنْعَثْ  
وَحُكْمُ جُزءٍ لا يَجْرِي وَهَمُنْما      لا تَحْتَوِي جِهاَتُهُ مِنْ سِئَةِ  
إِلَيْهِ لَمْ يُشَرِّ بِحِجْسٍ لا يُرى      يُمْناءُ عَن يُسْراهِ بِالْكُلِّيَّةِ  
فَمَاحِوَتْ جِهاَتُهُ يَنْقَسِمُ      إِذْ مَلاً المَكانَ بِالبَداهَةِ

<sup>١</sup> . اصل: ودأبك الخير.

<sup>٢</sup> . ن: - استنارت بقعة ... وأستجلت.

## الهيكل الثاني

### في بيان النفس واثبات تجردها

ما أنت غافلٌ عن النفس<sup>٣</sup> اعترى  
فالكُلُّ لم يدرك بلا جزءٍ فلو  
عن ذاتك المنسي لها جزءٌ به  
فالذات عالٍ لست هذا الجسمَ قَطُّ<sup>٤</sup>  
أيضاً متى تغدُّ بنيةٌ ترى  
إن لم تحلَّ تلك تكبرُ غايةً  
لو كنت هذا الجسمَ قد تبدلت  
أيضاً ترى تحلُّ لم تستشعر<sup>٥</sup>  
لو كنت هذه لأدركت الذي  
أيضاً وما أدركت شيئاً حكمه<sup>٦</sup>  
فما لديك لازمٌ تطيقه  
إن لم يطابق لم تكن أدركته  
كمثل حيوانيةٍ لاحظتها  
فلم تكن بذاتٍ مقدارٍ كذا  
فغير ذي المقدار لم يحلَّ بما  
فالنفس غير الجسم تعلو رتبةً  
بل أحدي صمدي تلك لم  
تبرأت عن كل صوب لم تُشر

بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْكَ سَهُوَ الْغَفْلَةِ  
فُرِضْتَ هَذَا لَمْ تَكُنْ ذَا خُبْرَةٍ  
يُنْسَى جَمِيعُ الْكُلِّ ذَاتُ الْجِنَّةِ  
هَذَا طَرِيقٌ كَانَ أَوْلَى حُجَّةِ  
تَحَلُّ عَنْ تَوَالِي تِلْكَ الطُّعْمَةِ  
نَشُوًا عَلَى نَشْوِ نُمُو الْأَكْلَةِ  
ذَاتُكَ لَا دَائِمَةَ الْمُدْرِكَةِ<sup>٦</sup>  
بِمَا تَحَلَّلْتَ بِأَيْدِي الصَّنْعَةِ  
إِنْحَلَّ مِنْهَا دَائِمًا بِالْقُدْرَةِ  
تَحْصِيلُ صُورَةٍ لَهُ مَلْحُوظَةٍ  
بِمَا تَرَى أَدْرَكَتَهُ مِنْ صُورَةٍ  
بَلِ الْمَعَانِي قَابِلَاتُ الشَّرْكَةِ  
مُطَابِقًا لِلْفَيْلِ وَالْبَعُوضَةِ  
مَحَلُّهَا مِنْ نَفْسِكَ النَّاطِقَةِ  
ذَاتٌ تَقْدَرَتْ كَذِي الْجِسْمِيَّةِ  
وَلَا لِجِسْمٍ أَسْرَ جِسْمَانِيَّةِ  
تُقَسَّمُ بِهِمْ فِي كَمَالِ الرُّبُوبَةِ  
فَارِقِ نِزَاعَ السُّوْهِمِ لِلْعَقْلِيَّةِ

<sup>٣</sup> ن: الذات.

<sup>٤</sup> ن: - فالذات عال ... قط.

<sup>٥</sup> ن: توالى.

<sup>٦</sup> ن: عن دوام ادراكية (- لا دائمة المدركة).

<sup>٧</sup> اصل: لم تشعر.

<sup>٨</sup> ن: حكمة.

<sup>٩</sup> ن: من.

لِحَايَظٍ مَا قِيلَ أَعْمَى حَايَظٌ      وَلَا بَصِيرٌ بِلِذَاتِ الرُّؤْيَا  
فَالْحَقُّ وَالنَّفْسُ كَذَا الْعُقُولُ لَمْ      تَكُنْ بِجِسْمٍ بَارِعِي التَّرَاهَا  
لَمْ تَدْخُلِ الْعَالَمَ لَمْ تَخْرُجْ كَذَا      لَمْ تَتَّصِلْ فِي مُقْتَضَى الْفَضْلِيَّةِ  
وَتِلْكَ مِنْ شُؤُونِ أَجْسَامٍ وَمَا      فِي الْجِسْمِ جِسْمَانِيَّةٌ قَدْ حَلَّتْ

### فصل في تعريف النفس

فَالنَّفْسُ جَوْهَرٌ تَبَرَّى أَنْ يُرَى      بِالْحِسِّ مَحْسُوساً وَبِالإِشَارَةِ  
مِنْ شَأْنِهِ تَدْبِيرُ جِسْمٍ حَلَّتْهُ      وَعَاقِلٌ لِذَاتِهِ الزَّكَايَةِ  
كَذَلِكَ الإِدْرَاكُ لِالأَشْيَاءِ فِي      حُكْمٍ لَهَا مِنْ صُورَةٍ<sup>١٠</sup> مَعْقُولَةٍ  
فَكَيْفَ لِلإِنْسَانِ فِي النَّفْسِ ادَّعَى      تَجَسُّماً كَانَتْ بِكُلِّ الرَّفْعَةِ  
إِذَا أَتَتْ طَرْباً تَكَادُ اسْتَدْرَجَتْ      بِدَعْوَةِ الشُّوقِ إِلَى الأَوْجِيَّةِ  
وَلَيْسَ مِنْ أَطْوَارِ جِسْمٍ تَرَكُّهُ      نَاسُوتُهُ يَرْقَى إِلَى العُلُويَّةِ

### فصل في بيان قوي النفس الظاهرة والباطنة

لَهَا قُوى آلَاتُ إِدْرَاكِ بِهَا      ظَاهِرَةٌ مِنَ الحَوَاسِّ الخَمْسَةِ  
لَمَسٌ وَذَوْقٌ ثُمَّ شَمٌّ سَمِعُهَا      وَأَخْتَهَا الأَخْرَى مِنَ البَاصِرَةِ  
كَذَا وَبَاطِنِيَّةٌ خَمْسٌ قُوى      كَالْحِسِّ ذَا مُشْتَرِكٍ لِلجُمْلَةِ  
كَالْحَوْضِ صُبَّتْ خَمْسٌ أَنهَارٍ بِهِ      تِلْكَ الحَوَاسِّ الخَمْسُ فِيهِ<sup>١١</sup> صُبَّتْ  
يَرَى عَيَاناً فِي مَنْامٍ لَا عَلَى      وَجْهِ تَخْيِيلٍ صِحَاحِ الرُّؤْيَا  
مِنْهَا الخِيَالُ مَخْزَنُ المُشْتَرِكِ      يَبْقَى بِهِ الأَشْيَاءُ بَعْدَ الغَيْبَةِ  
وَمَا بِهِ التَّرْكِيبُ وَالتَّفْصِيلُ قَدْ      أُسْتَبْطِطَ مِنْهَا قُوى الفِكْرِيَّةِ<sup>١٢</sup>  
وَالوَهْمُ مِنْهَا كَانَ سُلْطَانُ القُوى      وَوَدْرِكُ مَعَانِي الجُرَيْئَةِ  
مُنَازَعٌ لِلعَقْلِ حَتَّى مِنْ عَلَى      مِثَّتْ بِلَيْلٍ خَافَهُ مِنْ وَحْشَةِ  
مُخَالَفٍ لِلعَقْلِ فِي غَيْرِ التِّي      حَسَّتْ بِأَحَدِي آلَةِ جَسِّيَّةِ  
حَتَّى مِنْ أَقْتَمُوا قَضِيَّاتٍ لَهُ      قَدْ أَنْكَرُوا كُلاًَّ<sup>١٣</sup> سِوَى المَحْسُوسَةِ

<sup>١٠</sup> . ن: صور.

<sup>١١</sup> . ن: فيها.

<sup>١٢</sup> . ن: من قوّة فكريّة (- منها قوى الفكريّة).

فَمَا دَرَوْا عُقُولُهُمْ بَلْ وَهْمُهُمْ  
بَلْ لَمْ يُحَسِّ مِنْ كُلِّ جِسْمٍ مَا عَدَا  
أُخْرَى الْقُوَى حَافِظَةً قَدْ يُذَكَّرُ  
وَكُلُّ حَاسِنَةٍ مِنَ الْبَاطِنَةِ<sup>١٤</sup>  
تَخْتَلُّ تِلْكَ بِاخْتِلَالِ الْمَوْضِعِ  
بِأَنْتَ بِهَا تَغَايِرٌ بَيْنَ الْقُوَى  
جَمِيعُ هَذِهِ الْقُوَى فِي الْجِسْمِ مِنْ  
وَنَفْسُهُمْ فِي زَعْمِهِمْ مَا حُسَّتْ  
سَاطِحٌ وَظَاهِرٌ بِإِلَّا تَحْيِيَّةً  
بِهَا وَقَانَعٌ مِنَ الْجُزْئِيَّةِ  
بِمَوْضِعٍ مِنَ الدِّمَاغِ اخْتَصَّتْ  
وَالْبَاقِ<sup>١٥</sup> مَعَ الْمُخْتَلَّةِ  
مَعَ اخْتِصَاصِ الْكُلِّ فِي مَحَلَّةِ  
ظَلَّ الْقُوَى فِي النَّفْسِ بِالذَّائِيَّةِ

### فصل في بيان القوى الحيوانية

كَذَلِكَ الْحَيَوَانُ قَدْ كَانَتْ لَهُ  
وَتِلْكَ<sup>١٦</sup> ذَاتُ الشُّعْبَيْنِ إِحْدِيهُمَا  
مَجْبُولَةٌ لِجَلْبِ مَا يُلَائِمُ  
مَخْلُوقَةً لِدَفْعِ مَا يُنَافِرُ  
قُوَى بِهَا اهْتَدَى إِلَى الشُّوقِيَّةِ  
تَدَعُوا إِلَى الشَّهَوَاتِ شَهَوَاتِيَّةِ  
أُخْرِيَهُمَا دَعَتْ لِعَضْبَانِيَّةِ  
وَقُوَّةِ إِيَّاهُ قَدْ حَرَكْتَ

### فصل في بيان أن حامل جميع القوى هو الروح الحيواني

وَحَامِلُ الْجَمِيعِ أَقْسَامِ الْقُوَى  
جِرْمٌ بُخَارِيٌّ صَفَى مُنْتَشِئًا  
مُنْبَعِثٌ مِنْ جَانِبِ الْيَسَارِ مِنْ  
إِبْتِثٌ فِي الْأَبْدَانِ بَعْدَ الْكَسْبِ مِنْ  
لَوْ لَا لَطَافَةٌ بِهِ لَمْ يَسْرِ فِي  
مَتَى ابْتَلَى عَضْوًا يَبْلُوَى سُدَّةً  
يَمْتُ بِهَذَا الْعَضْوِ مَا بَقِيَ بِهِ  
وَهُوَ مَطِيَّةُ النَّفْسِ اسْتَقْدَرَتْ  
تَصَرَّفَتْ أَبْدَانًا بِهِ<sup>١٧</sup> إِذَا  
رُوحَ الْحَيَاةِ عَيْشٌ حَيَوَانِيَّةِ  
مِنْ لُطْفِ أَخْلَاطِ عَلَا كَالصَّفْوَةِ  
قَلْبِيهِ بِحِكْمَةٍ قَدْ دَقَّقَتْ  
سُلْطَانِ نَفْسِهِ قُوَى التُّورِيَّةِ  
جَمِيعِهِ عِرْقًا وَعَصَبَ الْبُنْيَةِ  
رَدَّتْ عَنِ السَّرِيانِ كَرْبُ الْعَلَّةِ  
رُوحَ الْحَيَاةِ اسْتَحْوَلَتْ كَالْمِيَّةِ  
بِهِ تَصَرَّفَتْ عَزِيْزَ النُّصْرَةِ  
بَقِيَ عَلَى اعْتِدَالِهِ مِنْ صِحَّةِ

<sup>١٣</sup> . ن: الكل.

<sup>١٤</sup> . ن: الباطنة.

<sup>١٥</sup> . «والباقي» به ضرورت شعری به صورت «والباقي» نوشته شده است (م).

<sup>١٦</sup> . ن: فتلك.

إِذَا تَوَلَّى عَن مِزَاجِ سَالِمٍ      فَنَت مَعَ التَّصَرُّفِ النَّفْسِيَّةِ  
رُوحُ الْحَيَاةِ وَالَّذِي نَحْيِي بِهِ      غَيْرُ الْإِلَهِيِّ الَّذِي فِي الْحِكْمَةِ  
يُعْنَى بِهِ اللَّطِيفَةُ النَّاطِقَةُ      نُورٌ مِنَ الْأَنْوَارِ إِشْرَاقِيَّةِ  
مِن بَارِي الْأَنْفَاسِ ذِي الْمَشَارِقِ      إِشْرَاقِيَّةً أَيْضاً<sup>١٨</sup> إِلَيْهِ آلتِ

فصل في الرد علي من توهم أن النفس الناطقة هو البارى تعالى

وعلى من توهم أنها جزء منه وعلى من زعم أنها قديمة

لَمَّا تَقَطَّنَتْ جَمَاعَةٌ طَعَّوْا      أَنْ لَمْ تَكُنْ جِسْمًا بِبَلَا جِسْمِيَّةِ<sup>١٩</sup>  
تَوَهَّمُوهَا الْبَارِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا      إِلَهْنَا إِلَّا إِلَهُ الْوَحْدَةِ  
أَمَّا النَّفُوسُ اسْتَكْثَرَتْ تَعَدَّدَتْ      أَشْخَاصُهَا فِي غَايَةِ مِنْ كَثْرَةِ  
لَوْ كَانَ زَيْدٌ نَفْسَ عَمْرٍو، نَفْسُهُ      لِأَدْرَكَتْ مَا أَدْرَكَتْ بِالشَّرْكَةِ  
وَاطَّلَعَتْ كُلُّ مِنَ النَّاسِ عَلَى      مَا اطَّلَعَ الْكُلُّ بِذَا<sup>٢٠</sup> الْحَيْثِيَّةِ  
كَيْفَ قُوَى جِسْمِيَّةً اسْتَأْسَرَتْ      إِلَهْنَا الْخَلَّاقَ رَبَّ الْعِزَّةِ  
وَسَخَّرَتْ إِيَّاهُ مَرَهُونَ الْقَضَا      أَسِيرَ شَهَوَاتِ قَرِينِ الذَّلَّةِ  
وَفِرْقَةٌ تَوَهَّمُوا جُزْءًا<sup>٢١</sup> لَهُ      زَاغُوا وَمَا جِسْمٌ فَفِي تَجْزِيَةِ  
وَفِرْقَةٌ قَدْ زَعَمُوا بِالْقَدَمِ<sup>٢٢</sup>      وَمَا دَرَوْا لَوْ تِلْكَ مِنْ قَدِيمَةِ  
فَمَا دَعَاهَا فَارَقَتْ عَن قُدْسِهَا      تَنَزَّلَتْ عَن أُوجِهَا التَّوْرِيَّةِ  
تَعَلَّقَتْ بِعَالَمِ الْمَوْتِ بِمَا      عُثِّتْ عَلَيْهَا غَيْهَبٌ مِنْ ظُلْمَةِ  
وَمَا الَّذِي يعلو<sup>٢٣</sup> قَدِيمًا يَهْرُ      مُجَسِّدًا إِيَّاهُ بِالشَّخْصِيَّةِ  
مُسَخَّرَ الْأَطْفَالِ مَقْهُورًا لَهُمْ      مُنْجَذِبًا إِلَى حَضِيضِ السُّفْلَةِ  
وَكَيْفَ إِنْ تَمَايَزَتْ فِي الْأَزْلِ      وَنوعُهَا مُتَّفَقٌ فِي الْجُمْلَةِ

<sup>١٧</sup> . ن: - به.

<sup>١٨</sup> . ن: - أيضاً.

<sup>١٩</sup> . ن: بلا جسمانية.

<sup>٢٠</sup> . مخفف «بهذا» است (م).

<sup>٢١</sup> . اصل: جزاء.

<sup>٢٢</sup> . اصل: قديمة.

<sup>٢٣</sup> . اصل: يعلو.

ولا مكان لا محل لا هنا  
من قبل ابدان بها تمايزت  
كمالها اكتساب هيئة لها  
ولم يصح يقسم يجزى الواحد<sup>٢٤</sup>  
لما لظت فتيلة من نارها  
فلا تعجب من حصول النفس إذ  
فعل ولا انفعالها بالمرّة  
ولا لها ما اكتسبت من هيئة  
بعد انفصال الجسم عند الموتة  
بل تلك من محدثة مخلوقة  
من غير نقصان بها من شعلة  
تسلسلت من غير نقص العلة

### الهيكل الثالث

في مسأئل من علم ما بعد الطبيعة يتوقف إثبات الواجب

عُدَّتْ جِهَاتُ الْعَقْلِ وَاجِبٌ أَتَى  
فَالْمُقْتَضَى بِذَاتِهِ وَجُودَهُ  
وَالْمُقْتَضَى لِذَاتِهِ أَنْعِدَامُهُ  
وَمَا اسْتَوَتْ حَالَتُهُ فَمُمْكِنٌ  
وَلَمْ يَجِبْ مِنْ ذَاتِهِ ذَا الْمُمْكِنِ  
بَلْ يَقْتَضِي مُرْجِحاً وَمُخْرِجاً  
وَمَا بِهِ وَجُودٌ غَيْرِ سَبَبٍ  
وَكُلُّ مَا تُوقَّفَتْ عَلَيْهِ قَدْ  
إِرَادَةٌ أَوْ وَقْتَهُ مَكَانَهُ  
أَوْ قَابِلَ الْمَحِلِّ أَوْ مُطْلَقَهُ  
لَوْ لَمْ تَجِدْ عَلَى تَمَامِ سَبَباً  
وَإِنْ تَجِدْ مَا يَنْبَغِي وَارْتَفَعَتْ  
وَمُمْكِنٌ مُمْتَنِعٌ بِالْمَرَّةِ  
فَوَاجِبٌ حَمَماً وَبِالضَّرُورَةِ  
مُمْتَنِعٌ وَجُودُهُ بِالْجَهَةِ  
مُمْتَنِعٌ أَوْ وَاجِبٌ<sup>٢٥</sup> مِنْ عِلَّةٍ  
إِذْ لَوْ كَذَا لَوَاجِبٌ بِالرُّتْبَةِ  
عَنْ عَدَمِ آيَةِ الْكَيْنُونَةِ  
فَإِنْ يَكُنْ<sup>٢٦</sup> يَجِبُ بِلا تَسْوِفَةٍ  
تَسَبَّبَتْ تَقْوَى لِمَدْخَلِيَّةٍ  
أَوْ مَا مُعَاوِنٍ أَخُو الْإِعَانَةِ<sup>٢٧</sup>  
أَوْ كَوْنِ أَجْزَاءٍ أَوْ الشَّرْطِيَّةِ  
لِيَنْتَفِي سَبَبُ التَّقْيِصَةِ<sup>٢٨</sup>  
مَوَانِعُ يَجِبُ مُطِيعُ الْقُدْرَةِ

<sup>٢٤</sup> . ن: واحدة فتقسم - يقسم يجزى الواحد).

<sup>٢٥</sup> . ن: وممكن - أو واجب).

<sup>٢٦</sup> . ن: يجد.

<sup>٢٧</sup> . ن: - أخو إعاونة.

<sup>٢٨</sup> . ن: الناقصة.

## الهيكل الرابع

### في مباحث من الالهيات وفيه فصول

#### الفصل الأول في توحيد الباري<sup>٢٩</sup>

وفي الوجود واجبٌ مَكُونٌ      إذ لو خلى عنه سوى مَحْصُورَةٌ  
في مُمَكِنٌ وُجُودُهُ لَمْ يَوْجَدْ      شَيْءٌ مُكُونٌ لِنَفْسِي الْعَلَّةُ  
إِذْ مُمَكِنٌ لَمْ يَسْتَقِلْ بِنَفْسِهِ      حَتَّى تَوَلَّى أَمْرًا إِبْجَادِيَّةً  
فَلَمْ يَجِدْ شَيْءٌ وَلَمْ يَوْجَدْ وَلَا      كَوْنٌ لَهُ رَسْمٌ مَعَ الشَّيْئَةِ  
وَلَمْ يَصِحَّ شَيْئَانِ كَانَا وَاجِبِي      وُجُودِهِمْ لِاتِّزَامِ الشَّرْكَةِ  
فِي كَوْنِهِمْ وَاجِبِي الوجودِ أَنْ      يَكُونَ مِنْ بَيْنَهُمَا مِنْ جِهَةٍ  
بِهَا تَقَرَّرَ قَا كَفَصَلٍ لَهُمَا      مُشْتَخَّصًا إِيَّاهُمَا بِالصُّورَةِ  
فَاحْتِاجَ وَاحِدٌ أَوْ الْإِثْنَانِ فِي      تَشْخِصِهِ<sup>٣٠</sup> إِلَى سِمَا فَا رِقَةٍ  
فَكُلُّ مَوْقُوفٍ عَلَى شَيْءٍ فَلَا      شَكَّ يَكُونُ مُمَكِنًا بِالْجِهَةِ  
وَلَمْ يَكُنْ شَيْئَانِ لَا فَا رِقَةٍ      بَيْنَهُمَا مُتَّحِدًا مَاهِيَّةً

#### فصل في بيان حقيقة الباري تعالى

فَرُبْنَا لَهُ حَقِيقَةٌ عَلَتْ      هُوَ الوجودُ الْبَحْتُ فِي نَزَاهَةِ  
ذَلِكَ عَيْنُ الذَّاتِ فِي الْبَارِي وَفِي      سِوَاهُ زَائِدٌ عَنِ الْحَقِيقَةِ  
فَلَمْ يَجْزِ عُمُومُهَا مُحْتَاجَةً      إِلَى مُخْصَصٍ مُزِيلٍ الشُّبُهَةِ  
فَيَقْتَضِي شَيْءٌ عَلَى وُجُودِهِ      إِلَيْهِمَا تَنَحُّلٌ إِنْ حُلَّتْ  
فَلَمْ يَكُنْ حَقِيقَةُ اللَّهِ<sup>٣١</sup> سِوَى      أَمْرٍ مُشْتَخَّصٍ عَدِيمِ الْكَثْرَةِ  
لَا قَابِلٌ لِشَرْكَةٍ مِنْ حَيْثُ هُوَ      بَلْ أَحَدٌ فِي ذَاتِهِ الْعَلِيَّةُ

#### فصل في بيان الماهيات الممكنة

وَبَعْدَ تَقْرِيرِ حَقِيقَةِ لَهُ      كَانَتْ مَهَيَّاتٌ بِهَا قَدْ بَدَتْ  
مِمَّا سِوَاهُ مُمَكِنَاتٌ إِذْ لَهَا      نَحْوُ تَحَقُّقِي مِنَ الْوَاجِبَةِ

<sup>٢٩</sup> . (ح) : + عن وجوه الكثرة.

<sup>٣٠</sup> . ن : - في تشخيصه.

<sup>٣١</sup> . ن : الباري.

تَابِعَةٌ لَهَا اعْتِبَارَاتٌ فَقَطُّ  
فَمَنْ رَأَى الْمَوْجُودَ نَسَبِيًّا يَرَى  
فَهُوَ بِهَذَا الْوَجْهِ مَحْمُولٌ عَلَى  
فَصِدْقُ حَمَلِهِ عَلَى وَاجِبِهِ  
وَفِي سِوَاهُ مَا أُضِلَّ فِي حَمَلِهِ<sup>٣٢</sup>  
كَمَا وَجُودُهُ مَعَ التَّشْخِصِ  
كَذَا سِوَاهُمَا صِفَاتُهُ وَمَا  
هُوَ يَسْبِقُهُ بِسَيْطَةٍ مُتَمَازَةً  
إِنْ قِيلَ مَوْجُودٌ فَيُعْنَى ذَاتُهُ  
خَارِجَةً وَهُوَ الْوُجُودُ عَيْنُهُ  
إِنْ قِيلَ عَالِمٌ يَكُنُّ يُعْنَى بِهِ  
إِنْ قِيلَ عِلْمٌ مَبْدَأٌ انْكَشَفَ فِيهَا  
فَلَيْسَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا ذَاتُهُ  
بِجُمْلَةِ الْأَسْمَاءِ فِيمَا اخْتَلَفَتْ  
صِرْفُ الْوُجُودِ كُلَّمَا فَرَضْتَهُ  
فَهُوَ هُوَ الْحَقُّ الْعَلِيِّ وَالَّذِي  
فَبَانَ مِنْ هَذَا لَهُ تَوْحُّدٌ  
فَالْعَقْلُ إِنْ لَاحَظَهُ بِوَجْهِ مَا  
يَكُونُ مِثْلَهُ مُغَايِرًا لَهُ

### فصل آخر في بيان الماهيات الممكنة بطريق آخر ابلغ من السابق

وَمَا مَضَى قَضِيَّةٌ لَيْسَتْ تَتِمُّ  
أَمْرًا نَرَاهُ وَاحِدًا فِي ذَاتِهِ  
ذَوُوا<sup>٣٤</sup> الْبَصَائِرِ السَّلِيمَةِ النَّهْيِ  
فِي بَادِي الْأَنْظَارِ فِي مَصْرَفِهَا

إِلَّا بِكَوْنِ الْحَضْرَةِ الْحَقِيقَةِ  
بَلْ يَدْعِي الْحَكِيمُ بِالْبَدَاهَةِ  
رَأَوْا حَقَائِقَ التَّسْبِيحِ لِلْجُمْلَةِ  
إِشْتَرَكْتُ فِي أَمْرِهَا التَّسْبِيحِ

<sup>٣٢</sup> . ن: له (- أصلاً في حمله).

<sup>٣٣</sup> . شتيته: پراکنده، مختلف (م).

<sup>٣٤</sup> . ن: ذووا.



فَبَعْدَ أَنْ تَوَعَّلُوا فِي نَظَرٍ  
وَاجِبُهُ الْوُجُودُ قَائِمًا بِهِ  
لَيْسَ لَهُ مُؤَوِّثٌ فِي ذَاتِهِ  
مَوْصُوفَةٌ بِذَلِكَ الْمَعْنَى الَّذِي  
بَلِ الَّذِي يَصِيرُ بِالِإِضَافَةِ  
كَوْنًا لِكُلِّ بَاعْتِبَارٍ عَارِضٍ<sup>٣٥</sup>  
أَي لَمْ يَحُلْ شَيْءٌ مِنَ الْحَقَائِقِ  
كَمِثَلِ مَوْجُودٍ تَوَسُّطٍ يُرَى  
أَمْرٌ جَرَى ذَا مَبْدَأٍ وَمُنْتَهَى  
كَوْنًا لِكُلِّ مِنْ حُدُودِهِ الَّتِي

بَدَا لَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْحَقِيقَةِ  
مُسْتَغْنِيًا فِي عَظَمِ الْجَلَالَةِ  
صَارَتْ بِهِ حَقَائِقُ الْكَوْنِيَّةِ  
إِلَيْهِ قَدْ أُضِيفَ بِالْمَجَازَةِ  
إِلَى مُشَخَّصَاتِهَا الْجُزْئِيَّةِ  
وَالْحَقِّ<sup>٣٦</sup> خَالٍ عَنِ جَمِيعِ النَّسَبَةِ  
بِذَاتِهِ الْعَلِيَّةِ الْخَلِيَّةِ  
حَرَكَةً مِنْ قَاطِعِ الْمَسَافَةِ  
ثُمَّ الَّذِي يَصِيرُ بِالِإِضَافَةِ  
بِغَايَتِي مَسَافَةً قَدْ حُدَّتْ

#### فصل في توحيد الباري تعالى بطريقة أهل الإشراق وذوقهم

قَدْ أَشْرَقَتْ صُدُورُ قَوْمٍ وَانْجَلَتْ  
فَأَدْرَكُوا أَسْرَارَ أَكْوَانٍ بِمَا  
قَالُوا بِذَوْقِهِمْ مُعَايِنًا لَهُمْ  
لَيْسَتْ لَهَا تَعَدُّدٌ أَصْلًا سِوَى  
لِكَيْفِهَا تَفَاوُتَتْ بِالشَّدَّةِ  
فَعَايَنَهُ الْكَمَالَ وَاجِبِيَّةً  
وَغَايَةَ التَّقْصَانِ أَدْنَى مَنْزِلِ  
نُورٍ بَعَارِضٍ جَلَّى مُفْتَقِرًا  
فَكَوْنٌ وَحَدَّةٌ لَهُ فَتَابَتْ  
فَمَاعَتَرُوا بِالنُّورِ إِلَّا ظَاهِرًا  
وَأَظْهَرَ الْجَمِيعَ مَفْهُومًا نَفْسِي<sup>٣٧</sup>  
ذَلِكَ حَقِيقَةً لَقَدْ تُدْرِكُهَا<sup>٣٨</sup>

عُبُونُهُمْ بِنُورِهَا الْكَشْفِيَّةِ  
لَهُمْ ضِيَاءُ الْحِكْمَةِ الذُّوقِيَّةِ  
حَقِيقَةُ النُّورِ وَجُودُ الْجُمْلَةِ  
أَمْرٌ عَلَيْهِ كِسْوَةٌ مِنْ وَحْدَةٍ  
وَالصَّغْفِ وَالْكَمَالِ وَالتَّقْبِصَةِ  
حَقِيقَةُ الْحَقِّ الْعَلِيِّ الرَّتَبَةِ  
قَدْ حُصِّنَ بِالمَنَاهِلِ الْكَوْنِيَّةِ  
إِلَى مَحَلِّ قَامٍ بِالمَحْسُوسَةِ  
تَفْسِيرَ ذَاتِ النُّورِ بِالبَدَاهَةِ  
بِذَاتِهِ عَيْنِيَّةَ الْحَقِيقَةِ  
تَعَدُّدًا حَيْثِيَّةَ الْهُورِيَّةِ  
بِالنُّظَرَةِ الْأُولَى مِنَ التَّنَاطُرَةِ

<sup>٣٥</sup> . ن: العارض.

<sup>٣٦</sup> . ن: فالحق.

<sup>٣٧</sup> . اصل: نفت.

لَوْ لَمْ يَكُنْ يُدْرَى كَذَا لَأَحْتَاجَ فِي  
 لَا شَكَّ فِي مَفْهُومِهِ مُشْتَرِكٌ  
 أَمَّا اِخْتِلَافُهُ<sup>٣٩</sup> كَمَا لَوْ لَمْ يَكُنْ  
 لِكُونَ نُورٍ زَادَ لَمْ يَزِدْ عَلَى  
 كَزَادِ الْخَطِّ عَلَى نَاقِصِهِ  
 وَكَوْنُ غَايَةِ الْكَمَالِ ثَابِتًا  
 فَهُوَ كَمَالُ التَّوَرِّقِ قَدْ فَاقَ السُّوْيَ  
 إِلَيْهِ يَنْتَهِي السُّوْيَ طَرًّا بِمَا  
 ثُمَّ الَّذِي انْتَهَى بِهِ الْجَمِيعُ مِنْ  
 قَدْ كَانَ وَاجِبًا يَكُونُ أَشْرَفًا  
 فَإِنْ يَكُنْ تَعَدُّدٌ فِي الْوَاجِبِ  
 فَلَمْ يَكُنْ قَطْعًا لَهُ تَعَدُّدٌ  
 أَوْ وَاحِدٌ لَهُ كَمَالٌ زَائِدٌ  
 لَمْ يَكُنِ النَّاقِصُ بِالْوَاجِبِ فِي

ظُهُورِهِ فَلَيْسَ بِالنُّورِ  
 فِي بَادِيِ الْأَنْظَارِ بَيْنَ الْجُمْلَةِ  
 نَقْصٌ أَوْ الضَّعْفُ بِحَسَبِ الرُّتْبَةِ  
 نَاقِصٌ إِلَّا وَبِالنُّورِ  
 فَلَمْ يُمْضِ إِلَّا مِنَ الزِّيَادَةِ<sup>٤١</sup>  
 لِلوَاجِبِ<sup>٤٢</sup> بِالْإِنْصَارَةِ  
 أَشْرَفِ مَوْجُودٍ فَبِالْبِدَاهَةِ  
 لَهُ كَمَالُ السَّطْوَةِ الْعَلِيَّةِ  
 أَنْوَارِهِ دَعَى عَلَى سِلْسِلَةِ  
 لِكُونَ ذَاكَ عِلَّةَ الْبَرِيَّةِ<sup>٤٣</sup>  
 لِيَقْتَضِيَ كُلَّ كَمَالِ الْعِزَّةِ  
 فَهَذِهِ خُلْفٌ عَلَى بَيِّنَةٍ<sup>٤٤</sup>  
 فَاقَ بِهِ مِنْ عِزَّةِ الْمَرْيَةِ  
 مَا يَقْتَضِي شَأْنَ مَزِيدِ السَّطْوَةِ

### فصل في تنزيه واجب الوجود عما لا يليق بشأنه العلي

وَكثْرَةُ الْأَجْسَامِ وَالْهَيْئَاتِ لَا  
 فِتْلِكَ لَيْسَتْ وَاجِبِ الْوُجُودِ فِي  
 مُحْتَاجَةً إِلَى مُرَجِّحٍ لَهَا  
 مِنْ ذَاتِهِ مِنْ غَيْرِ دَخْلِ الْوَاسِطِ

تَخْفَى تَعَالَى اللَّهُ عَنِ ذِي<sup>٤٥</sup> الْكثْرَةِ  
 ذَوَاتِهَا بَلْ مُمَكِّنَاتِ الْفِطْرَةِ  
 يَكُونُ وَاجِبًا عَلَى الضَّرُورَةِ  
 أَوْ يَنْتَهِي إِلَيْهِ بِالْآخِرَةِ

<sup>٣٨</sup> . ن: ندرکها.

<sup>٣٩</sup> . ن: اختلافها.

<sup>٤٠</sup> . ن: لها.

<sup>٤١</sup> . ن: من الزيادة.

<sup>٤٢</sup> . اصل: للواجبية.

<sup>٤٣</sup> . ن: - لكون ذلك علة البرية.

<sup>٤٤</sup> . ن: بالبداهة (- على بيينة).

<sup>٤٥</sup> . اصل: ذا.

فَمِنْ هُنَا يَنْتَظِمُ الْبُرْهَانُ فِي إِثْبَاتِ ذَاتِ الْوَاجِبِ الْجَلِيلَةِ

### فصلٌ في تنزيه الواجب الوجود عن التركيب من الأجزاء

وَكُلُّ مَا يُوَجِّبُ مِنْ تَكْتُرٍ مُمْتَرِعٌ عَلَيْهِ بِالْكُلِّيَّةِ  
تَجَسُّمًا أَوْ غَيْرَهُ تَرَكُّبًا مِنْ عِدَّةِ الْأَجْزَاءِ فِي الْخَارِجَةِ  
كَذَا وَذَهْنًا صُورًا مَعْقُولَةً لَمْ تَأْتِهِ فِي مَنْصَبِ الدَّهْنِيَّةِ  
فَوَاجِبُ الْوُجُودِ لَا يَرَكُّبُ حَتَّى يُرَى مَعْلُولٌ جُزْءَ الْعِلَّةِ  
كَذَلِكَ الْأَجْزَاءُ لَيْسَتْ<sup>٤٦</sup> تَجِبُ إِذْ لَيْسَ وَاجِبَانِ مِنْ مُمَكِّنَةٍ

### فصلٌ في تنزيه الواجب عن الصفات الزائدة على الذات

وَمَا هِيَ الصِّفَاتُ لَيْسَتْ تَجِبُ إِذْ لَوَأْتَتْ وَاجِبَةً مَا احتاجت  
إِلَى مَحَلٍّ قُوِّمَتْ تِلْكَ بِهِ قِيَامَ أَعْرَاضٍ بِذِي الْكَيْفِيَّةِ  
فَذَاتُهُ تَنَزَّهَتْ عَنِ كُلِّ مَا يُغَايِرُ الذَّاتَ فَتَقَدَّ تَعَالَتْ  
عَنِ الصِّفَاتِ اللَّائِيَّةِ<sup>٤٧</sup> قَدْ تَغَايَرَتْ لِلذَّاتِ قَدْ كَانَتْ مِنَ الزِّيَادَةِ  
فَوَاجِبُ الْوُجُودِ جَلَّتْ ذَاتُهُ عَنِ أَنْ يَكُونَ مِنْ مَحَلِّ الصِّفَةِ  
أَوْ كَانَ قَدْ يُوَجِّدُهَا فِي ذَاتِهِ حَتَّى يَكُونَ<sup>٤٨</sup> مِنْ مَحَلِّ الْكَثْرَةِ  
وَهُوَ الْحَقِيقِيُّ مِنَ الْبَسَائِطِ لَا كَثْرَةَ فِي ذَاتِهِ وَالصِّفَةِ  
لَمْ يَتَأَثَّرْ عَنِ كَمَالِ الذَّاتِ أَنْ يُوَجِّدَ مِنْ مُخْتَلِفَاتِ الْجِهَةِ  
فَوَاجِبُ الْوُجُودِ وَاحِدٌ وَمِنْ كُلِّ الْوُجُودِ فِي كَمَالِ الْوَحْدَةِ  
لَهُ مِنَ الْمُقَابِلِينَ الْأَشْرَفُ فَلَيْسَ مَسْلُوبَ الْكَمَالِ الَّتِي  
صِفَاتُهُ الْعَلِيَّةُ الْجَلِيلَةُ بَلْ تِلْكَ عَيْنُ ذَاتِ وَحْدَانِيَّةِ  
وَكَيفَ يُعْطَى قَاصِرٌ كَمَالَهُ مِنْ كُلِّ مَا سِوَاهُ مِنْ مَعْلُولَةٍ  
تَفْصِيلُهُ جَمِيعُ أَثَارِ بَدَتْ مِمَّنْ سِوَاهُ مِنْ صِفَاتٍ عُدَّتْ  
تَرْتَبَتْ فِي حَقِّهِ جَلَّ عَلا مِنْ ذَاتِهِ الْبَحْتِ بِدُونِ الصِّفَةِ  
فَالْعِلْمُ فَيُنَاصِفُهُ زَائِدَةٌ مَنَابِهِ الْأَشْيَاءَ مِنْ مَكْشُوفَةٍ

<sup>٤٦</sup> . ن: ليس.

<sup>٤٧</sup> . «اللآتي» است كه به ضرورت شعري «اللآة» خوانده می شود (م).

<sup>٤٨</sup> . ن: تكون.

فَذَاكَ فِينَا صِفَةً حَقِيقَةً      فِي حَقِّهِ مُجَرَّدُ الْإِضَافَةِ  
 صِفَاتُهُ جَمِيعُهَا رَاجِعَةٌ      إِلَى إِضَافَاتٍ فَقَطْ صَارِيحَةٌ  
 فَمَا نَقِينَا عَنْهُ لَمْ يَكُنْ سِوَى      صِفَاتِنَا الْحَقِيقَةِ الْمَعْهُودَةِ  
 إِسْتَلْزَمَتْ فِي وَاحِدٍ يَكُونُ فِي      قِيَامِهَا بِهِ مَعَ الْمَعْيَةِ  
 يَصِيرُ قَابِلًا وَفَاعِلًا بِمَا      تَخَالَفَتْ جِهَاتُهُ بِالنَّسَبَةِ  
 دُونَ الْإِضَافَةِ<sup>٤٩</sup> وَالسَّلْبِيَّةِ      وَالْإِعْتَابِيَّةِ صِرْفِ الْمَحْضَةِ  
 فَذَاتُهُ مِنْ حَيْثُ كَانَتْ سَبَبًا      لِإِنْكَشَافِ الْمَخْزَنِ الْكُونِيَّةِ  
 عِلْمٌ وَحَيْثُ مَبْدَأُ التَّأثيرِ فِي      مُمَكِّنَةٍ فَقُدْرَةٌ تَجَلَّتْ  
 وَحَيْثُ كَوْنُهَا لِعِلْمِهِ الَّذِي      لَيْسَ مُغَايِرًا لِذَاتِ الْوَحْدَةِ  
 أَحَاطَ بِالأَصْلِحِ مِنْ نِظَامِهِ      مُخَصِّصًا فَضِيَّةَ الْمَشِيَّةِ<sup>٥٠</sup>  
 لِوَاحِدٍ مِنْ طَرَفِي مُمَكِّنِهِ      إِرَادَةً قَدْ أَوْجَدَتْ مَا اخْتَارَتْ  
 فَهَذِهِ صِفَاتُهُ إِضَافَةٌ      عَيْنٌ لِذَاتٍ قَدْ عَرَتْ عَنْ كَثْرَةٍ<sup>٥١</sup>  
 أَمَّا صِفَاتُهُ ذَوَاتُ السَّلْبِ مِنْ      نُعُوتِهِ الْعُلْيَا كَقُدُوسِيَّةِ  
 عِبَارَةٌ عَنْ سَلْبِهِ النِّقَاصِ<sup>٥٢</sup>      عَنْ ذَاتِهِ التَّزْيِينِ النَّقِيَّةِ  
 إِذَا عَتَبَارِيَّتُهَا كَكُونِهِ      حَقِيقَةً أَوْ قِيلَ بِالشَّيْئَةِ

### فصل آخر في توضيح المقام علي وجه أبلغ من السابق

مِنْ هُنَا تَبَيَّنَتْ أَنْ لَمْ يَجْزِ      أَنْ يَلْحَقَ<sup>٥٣</sup> الْكُلُّ مِنَ الْإِضَافَةِ  
 إِخْتَلَفَتْ تَوْجِبُ فِي الْوَاجِبِ مِنْ      مُخْتَلِفَاتٍ حَيْثِيَّاتٍ كَثُرَتْ  
 بَلْ لَمْ يَكُنْ لَهُ سِوَى إِضَافَةٍ      جَمِيعُهَا لَهَا مِنَ التَّابِعَةِ  
 فَتِلْكَ مَبْدِئِيَّةٌ تُصَحِّحُ      تِلْكَ الْإِضَافَاتِ الَّتِي تَجَمَّتْ  
 وَلَا سُلوْبٌ فِيهِ إِلَّا وَاحِدٌ      سِوَاةٍ تَابِعٌ لَهُ بِالْمَرَّةِ  
 وَذَلِكَ الْإِمْكَانُ أَنْ قَدْ سُلِبَتْ      فَسَلْبٌ غَيْرُهَا مِنَ الدَّاخِلَةِ

<sup>٤٩</sup> . ن: الاضافة.

<sup>٥٠</sup> . ن: المشيئة.

<sup>٥١</sup> . ن: - عين لذات قد عرت عن كثرة.

<sup>٥٢</sup> . ن: سالب النقص (- سلبه النقصا).

<sup>٥٣</sup> . ن: تلحق.

ومثله سلب الجمادية عن  
كسلبه عن حجر أو مدر  
فدأته قد يقتضي من حيث هو  
وسلب إمكانية مستلزم  
فالحق لا ضد له لا يُسب  
له الجلال والكمال والعلو  
ذو الشرف الأعظم والجلّي في  
فلم يكن بالعرض المحجج  
ولا بجوهر يُشاركه التي  
فاحتاج في تخصيصه إياه عن  
دلت عليه الكون باختلافها  
شكلاً ومقداراً وأعراضاً وما  
والنسق والنظام والحضيض من  
لواقتضت جسمية هيئاتها

زِيدِ فَسَلْبُ الْغَيْرِ مِنْ لَازِمَةٍ  
أَوْ نَحْوِهَا<sup>٥٤</sup> بِدَيْهَةِ السَّلْبِيَّةِ  
مَسْلُوبِ إِمْكَانِيَّةٍ زَانِعَةٍ  
لِسَلْبِ مَا لَيْسَ مِنَ اللَّائِقَةِ  
إِلَى مَحَلِّ شَيْمَةِ الْجِسْمِيَّةِ  
أَتَمُّ أَعْلَى جُمْلَةِ الْبَرِيَّةِ  
ضِيَاءِ نَوْرِهِ الْأَشَدِّ الشُّعَّةِ  
إِلَى مُقْسَمٍ بِحَامِلِيَّةِ  
حَلَّتْ بِهَا نُعُوتٌ جَوْهَرِيَّةٌ  
سِوَاهُ تَمْيِيزاً لَهُ عَنِ شِرْكَةِ  
لَوْ لَا بِتَخْصِيصٍ لَهُ مَا خُصَّتْ  
سِوَاهُ مِنْ مَرَاتِبٍ كُلِّيَّةِ  
عَالَمٍ كَوْنٍ مِنْ نَرَى السُّفْلِيَّةِ  
مَا اخْتَلَفَتْ وَاتَّفَقَتْ بِالْهَيْئَةِ

### فصل في اثبات الواجب بطريق آخر

وهو النظر في النفس الناطقة وطلب علتها<sup>٥٥</sup>

والنفس ذات النطق من ظاهرة  
نور لها<sup>٥٦</sup> قيامها بنفسها  
ومر في هيكلها الثاني بدت  
مرجح يوجد لها ومحدث  
لم يوجد الأجسام شيئاً أشرفاً  
مُرَجِّحٌ نَوْرٌ مُجَرَّدٌ لَهُ  
إِنْ كَانَ وَاجِبَ الْوُجُودِ<sup>٥٧</sup> ذَلِكَكُمْ

لِذَاتِهَا حَقّاً وَمِنْ دَرَاكَةِ  
أَي لَمْ تَقُمْ بِغَيْرِهَا بِالْمَرَّةِ  
حَادِثَةً لَا بُدَّ لِلْحَادِثَةِ  
لِنَفْسِهَا الْمَكْتُومَةِ الْمَعْدُومَةِ  
مِنْهَا فَلَا بُدَّ عَلَى الْمُحْدَثَةِ  
قُوَّةٌ إِحْدَاثٍ إِلَى الْعَيْنِيَّةِ  
عَيْنُ الْمُرَادِ أَوْ سِوَى وَسِطَةِ

<sup>٥٤</sup> . ن: نحوه.

<sup>٥٥</sup> . (ح): + هذا الفصل مقدّم على الفصل الذي قبله تأخر سهواً (در تصحيح اصلاح شد).

<sup>٥٦</sup> . ن: - لها.

فَيَنْتَهِي<sup>٥٨</sup> إِلَى جَنَابِ الْوَاجِبِ      الْحَيِّ وَالْقَيُّومِ رَبِّ الْفِطْرَةِ  
فَالنَّفْسُ حَيٌّ قَائِمٌ دَلَّتْ عَلَى      ذَاتِ الْمُفِيضِ الْحَيِّ بِالذَّاتِيَّةِ  
وَالنَّفْسُ أَقْصَى وَصْلَةٍ تَهْدِي إِلَى      إِثْبَاتِ مُنْشِي جُمْلَةِ الْخَلِيقَةِ  
مَعْرِفَةَ النَّفْسِ كَمِرْقَاةٍ إِلَى      مَعْرِفَةِ الْحَقِّ عَلَيْهِ دَلَّتْ

### فصل في بيان التور العارض

تَشَارَكَ الْأَجْسَامُ فِي الْجِسْمِيَّةِ      تَفَاوَتْ بِرُبُوبَةِ اسْتِنَارَةِ  
فَالنُّورُ قَدْ يَعْضُضُ أَجْسَامًا وَمَا      عَيْنٌ لَهَا وَلَا بِجُزْءِ الْجُمَّةِ  
نُورِيَّةُ الْأَجْسَامِ فِي ظُهُورِهَا      إِذِ الْمُرَادُ مِنْهُ بِالنُّورِيَّةِ  
مَا لَا يَزِيدُهُ ظُهُورُهُ عَلَى      ذَاتِ لَهْ تَكْوَرَتْ ظَاهِرَةَ  
وَعَارِضُ التُّورِ لِمَا يَمْتَبِعُ      قِيَامُهُ بِنَفْسِهِ الْعَارِضَةِ  
لَهُ وَجُودٌ قَائِمٌ بِغَيْرِهِ      أَي نَاعَتْ بِالذَّاتِ لِلْمَوْضُوعَةِ  
فَلَيْسَ ظَاهِرًا لِدَاتِهِ وَمَا      بِمُدْرِكٍ لَهَا مَعَ التُّورِيَّةِ  
لَوْ قَامَ بِالنَّفْسِ لَكَانَ كَوْنُهُ      نُورًا لِنَفْسِهِ وَمِنْ مُدْرِكَةِ

### فصل في كون واجب الوجود نور الأنوار

#### وظهوره لذاته واحتجابه لشدة ظهوره

قَيُّومٌ نَاجِلٌ جَلَّ جَلَالُهُ الْعَلِيِّ      لَظْهَرُ لِدَاتِهِ الْبَدِيهَةِ  
نُورٌ تَجَلَّى مِنْهُ أَنْوَارُ الْوَرَى      مُجَرَّدٌ عَنِ جُمْلَةِ الْعَلَاقَةِ  
مُحْتَجِبٌ لِشِدَّةِ الظُّهُورِ مِنْ      بُرُوقِهِ أَعْمَى قُوَى الْبَاصِرَةِ

### فصل في كون الأجسام صادرة عن الأنوار بمنزلة الأظلال لها

وَجُمْلَةُ الْأَجْسَامِ مِنْ أَنْوَاعِهَا      عَنِ شَعَّةِ الْأَنْوَارِ بِالصَّادِرَةِ  
فَتِلْكَ كَالْأَظْلَالِ فِي ثُبُوتِهَا      قَدْ أُثْبِتَتْ أَنْوَاظُهَا مِنْ ظُلْمَةِ  
بَلْ تِلْكَ فِي أَنْفُسِهَا وَشَأْنِهَا      مِنْ نَقْصِ نُورٍ مِثْلَ كَوْنِ الظُّلَّةِ  
حِيلَ بِهَا مِنْ<sup>٥٩</sup> نُورِهَا تَسْتَرَّتْ      عَنِ شَمْسِهَا الْمُئَيَّرَةِ الْمُضْيِيَّةِ

<sup>٥٧</sup> . اصل: الوجوب.

<sup>٥٨</sup> . اصل: فينتهي.

فَالكَوْنُ نُورٌ كُلُّهُ أَنْوَارُهُ      عَارِضَةً نُورٌ عَلَيَّ نُورِيَّةً  
يَهْدِي لِنُورٍ مَنْ يَشَاءُ وَاصْطَفَى<sup>٦٠</sup>      مُقْتَبِسَ الْأَشْجَعَةِ الْمُشْرِقَةِ

### فصلٌ أن أول ما صدر عن الواجب نور مجرد واحد

الوَاحِدُ الْمُقَدَّسُ الْمُنَزَّهَ      مِنْ كُلِّ وَجْهِ مِنْ وُجُوهِ الْكَثْرَةِ  
مُسْتَعْنِي الذَّاتِ عَنِ إِخْتِلَافِ مَا      هِيَ الدَّوَاعِي مِنْ قُوَى مُوجِبَةٍ  
لِكَثْرَةِ قَدِ حُوجِّتْ إِلَى الَّتِي      أَسْبَابُهَا كَانَتْ مِنَ الدَّاعِيَةِ  
كَجُمْلَةِ الْأَجْسَامِ فِي وُجُودِهَا      إِلَى قُوَى الْأَسْبَابِ مِنْ مُحْتَاجَةٍ  
لَا بُدَّ فِعْلُهُ يَكُونُ وَاحِدًا      لَا كَثْرَةَ فِيهِ بِكُلِّ الْجَهَةِ  
إِذِ اقْتِضَاءُ وَاحِدِ الشَّيْئِينَ قَدْ      يُخَالِفُ الْآخَرَ فِي الْقَضِيَّةِ  
لَا شَكَّ مُقْتَضٍ لِشَيْئَيْنِ بِإِلا      وَاسِطَةٍ ذُو كَثْرَةٍ فِي الْحِكْمَةِ  
أَوَّلُ شَيْءٍ وَاجِبٍ بِالْأَوَّلِ      لَيْسَ لِكَثْرَةِ بِقَابِلِيَّةِ  
وَلَا بِجِسْمٍ ذِي اخْتِلَافِ الْهَيْئَةِ      وَلَا بِهَيْئَةٍ فَقَدْ أُحْوجِّتْ  
إِلَى مَحَلٍّ قُوَّتٌ<sup>٦١</sup> بِهِ وَلَا      نَفْسٌ فَتَحْتَاجُ إِلَى ذِي الْبُنْيَةِ  
بَلْ جَوْهَرٌ قِيَامُهُ بِذَاتِهِ      وَمُدْرِكٌ لِنَفْسِهِ الْقُدْسِيَّةِ  
وَلِلَّتِي سَاوَتْهُ مِنْ أَنْوَارِهِ      تَجَرَّدَتْ كَانَتْ مِنَ الْقَاهِرَةِ  
أَوَّلِ إِبْدَاعٍ بَدَأَ<sup>٦٢</sup> وَأَشْرَفُ      مِنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ مِنَ الْكَائِنَةِ  
وَمُنْتَهَى عَالَمٍ إِمْكَانٍ بِهِ      مُتَّصِلٌ سِلْسِلَةَ الْعِلِّيَّةِ  
وَلَيْسَ مَوْجُودٌ وَرَأَاهُ سِوَى      مِنْ نُورٍ أَنْوَارٍ بِدِيعِ الْبَدْءِ  
وَمُمْكِنٌ فِي نَفْسِهِ وَوَاجِبٌ      بِالْأَوَّلِ اسْتِكَانَ مِنْ مَقْضِيَّةِ  
فَيَقْتَضِي بِنَسَبَةٍ لِالْأَوَّلِ      مُشَاهِدًا جَلَالَهُ بِالنَّشْأَةِ  
جَوْهَرَةً أُخْرَى مِنَ الْقُدْسِيَّةِ      كَثِيرَةً الْأَنْوَارِ بِاسْتِفَاضَةِ<sup>٦٣</sup>  
وَحَيْثُ مُمَكِّنٌ لِنَقْصٍ يَقْتَضِي      جَرْمًا سَمَاوِيًّا مِنَ الْعُلُويَّةِ

<sup>٥٩</sup> . ن: عن.

<sup>٦٠</sup> . ن: واصطفا.

<sup>٦١</sup> . ن: قامت.

<sup>٦٢</sup> . اصل: بدى.

<sup>٦٣</sup> . ن: - كثيرة الأنوار باستفاضة.

وهكذا الثاني إلى أن كثرت جواهر في جرمها البسيطة  
من تسع أفلاك طباق فوقنا وعالم العناصر التحيية

### فصل في أن الفعّال هو الأول دون الوسائط

جواهر العقول والقدسية وإن تكن تلك من الفعّالة  
لكين وسائط لوجود الأول في فعلها ليست بمستقلة  
فربنا الباري بها الفعّال لا سواه وحده من الواسطة  
كما نرى نوراً قوياً لم يكن يُمكنُ ذي الجلاله الواجبه  
مستقلاً<sup>٦٤</sup> فيها كذلك الحال في فلم تُمكن تلك من أن تستقل  
وكيف لا وهو وراء عالم من المجرّدات ذات القوّة  
بماله من الكمال الأبلغ عزّ الإلهية ليس<sup>٦٥</sup> انتهت  
فكل شأن فيه<sup>٦٦</sup> من شؤنه بل كل شأن شأنه بالوحدة  
وكيف لا وجملته الوسائط جزءاً لأنوار له كلمعة

### فصل في أن الشقاوة والشر

#### في عالم الحسّ والمثال من حركات العوالي

إن الشقا والشر قد لزمنا في الحسّ والمثال عطني عتمة  
من دورة العوال جاء أفتنة حاقا ولا قيا بذى البليّة  
وظلمة مع الحراك التزمت على المدبرات والقاهرة  
من جهة الفقر عن النورية دعّت لظلمات وللحرارة  
والشر من وسائط القواهر ومين مدبراتها الفقيرة  
ونور<sup>٦٧</sup> أنوار الورى مقدّس عن هيبة وعن جهات الظلمة  
فلم يكن شرّ عليه صادر ومثله العقول من قدسية

<sup>٦٤</sup> .ن: مستعلاً.

<sup>٦٥</sup> .ن: ليست.

<sup>٦٦</sup> .ن: + شأن.

<sup>٦٧</sup> .ن: فنور.



وَالْفَقْرُ وَالظُّلْمَاتُ لِلْمَعْلُولَةِ لِوَاوِزْمٍ كِلَاوِزِمِ الْمَاهِيَةِ

### فصل في تقسيم الموجودات الصادرة عن نور الأنوار

عَوَالِمُ الْإِمْكَانِ قُلُوبٌ ثَلَاثَةٌ وَعَالَمُ الْعَقْلِ سَنَا الثَّلَاثَةِ  
فَجَوْهَرٌ لَيْسَ لَهُ تَصَرُّفٌ فِي الْجِسْمِ لَا يَقْصَدُ بِالإِشَارَةِ  
وَعَالَمُ النَّفْسِ مِنَ النَّاطِقَةِ لَيْسَتْ بِجِرْمٍ أَوْ بِجِرْمَانِيَّةٍ  
لَهَا تَصَرُّفٌ لِأَجْسَامٍ وَلَا تُقْصَدُ بِالإِشَارَةِ الْحَسِّيَّةِ  
نَوَاطِقُ النَّفُوسِ قِسْمَانِ ذُووَا<sup>٦٨</sup> تَصَرُّفٍ فِي الْعَالَمِ الْعُلُويَّةِ  
وَذُو تَصَرُّفٍ لِنُوعِ الْإِنْسَانِ مِنْ نُفُوسِنَا النَّاطِقَةِ الْإِنْسَانِيَّةِ  
وَعَالَمِ الْجِسْمِ كَذَا مُنْقَسِمٌ إِلَى أَثَرِيٍّ وَعُضْصَرِيَّةٍ

### فصل في رب نوع الإنسان ومفيض نفوسهم على أبدانهم وغيره

مِنْ جُمْلَةِ الْأَنْوَارِ فِي الْقَاهِرَةِ عَقْلٌ أَبُونَا رَبُّ نَوْعِ الصُّورَةِ  
مُفِيضٌ نَفْسِنَا<sup>٦٩</sup> عَلَى أَبدَانِنَا مُكَمَّلٌ أَجْسَادَنَا بِالْقُوَّةِ  
تَغْذِيَّةً وَنَحْوَهَا تَنْمِيَّةً وَبِالْكَمَالَاتِ الَّتِي كَالزِّيَانَةِ  
وَذَلِكَ رُوحُ الْقُدُسِ عَنِ أَرْجَاسِهِ مِنْ ظُلْمَةٍ وَمِنْ هَيُولَانِيَّةٍ  
وَهُوَ الَّذِي سَمَّاهُ أَهْلُ الْحِكْمَةِ بِعَقْلِهِ الْفَعَّالِ غَرَّ النَّسَبَةِ  
لِكُلِّ نَوْعٍ مِنْ سِوَى الْإِنْسَانِ مِنْ رَبِّ لَهُ التَّسْدِيرُ بِالتَّرْبِيَّةِ  
وَذُو عِنَايَةٍ لَهُ غَاذٌ كَذَا مِنْهُمْ مُؤَلِّدٌ لِذِي التَّامِيَّةِ  
فَكُلُّ فِعْلٍ لَهُ وَكُلُّ الْهَيْئَةِ مِنْ رَبِّهِ حَتَّى رَأَوْا بِالْحِكْمَةِ  
أَلْوَانَ أَرِيَاشٍ<sup>٧٠</sup> الطَّوَاوِيسِ الَّتِي فِيهَا وَمِنْ أَنْوَاعِهَا الْعَجِيَّةِ  
كُلُّ أَتَى<sup>٧١</sup> مِنْ رَبِّ نَوْعِ زَانِهِ<sup>٧٢</sup> كَذَلِكَ الْمِسْكُ مَعَ الرَّائِحَةِ  
تَكُونُ مِنْ رَبِّ لَهُ لِنَوْعِهِ ظِلًّا لِهَيْئَةِ مِنَ التَّوْرِيَّةِ

<sup>٦٨</sup> . ن: ذووا.

<sup>٦٩</sup> . ن: نفسها.

<sup>٧٠</sup> . ارياش: يرها (م).

<sup>٧١</sup> . ن: - أتى.

<sup>٧٢</sup> . ن: زانه.

## فصل في أن العقول أنوار مجردة

### وبيان العقل الأول وتكثر العقول بالإشراقات وذكر الوسائط

كُلُّ الْعُقُولِ فِي ذَوَاتِهَا بَدَتْ أَنْوَارَ نَوْرِ اللَّهِ قَدْ أَنْزَلَتْ  
تَجَرَّدَتْ عَنِ الْعَلَائِقِ الَّتِي أَفَاضَهَا ذُو ذَوْلَةِ الْعِنَايَةِ  
جَلَّتْ إِلَهِيَّةَ مَحْضِ حِكْمَةٍ بِالْغَيْةِ قَوَاهِرِ اللَّطَمَةِ  
أَوَّلُ مَا بِهِ الْوَجُودُ يَنْتَهِي<sup>٧٣</sup> أَلْعَقْلُ أَوَّلًا بِسَبْقِ الْخِلْقَةِ  
عَلَيْهِ قَدْ أَشْرَقَ نُورُ رَبِّهِ فَصَارَ بِالإِشْرَاقِ مِنْ أَهْلِيَّةِ  
صُدُورِ عَقْلِ عَنْهُ بِاعْتِبَارِ مَا قَدْ شَاهَدَ الأَوَّلُ مُعْطِي القُوَّةِ  
تَكَثَّرَتْ قَوَاهِرُ الْعُقُولِ مِنْ تَكَثُّرِ الإِشْرَاقِ بِالنُّورِيَّةِ  
فَالْعَقْلُ مِنْ عَقْلِ إِلَى أَنْ عَجَزَتْ عَنْ حَصْرِهَا الأَوْهَامُ فِي أَنْ أَحْصَتْ  
وَسَائِطُ الْجُودِ الَّتِي عُذَّتْ بِهَا وَإِنْ تَكُنْ أَقْرَبَنَا بِالْعَلَّةِ<sup>٧٤</sup>  
لِكِنَّهَا أَبْعَدُهَا<sup>٧٥</sup> أَقْرَبُهَا مِنْ جِهَةِ الظُّهُورِ بَيْنَ الشَّدَّةِ  
وَأَقْرَبُ الْجَمِيعِ مِنْ تَمَامِهِ نُورٌ لِأَنْوَارٍ<sup>٧٦</sup> أَتَتْ أَضَاءَتْ<sup>٧٧</sup>  
فَإِنَّهُ التَّمَامُ الَّذِي لَا يَعْتَرِي نَقْصٌ بِهِ مِنْ ظُلْمَةٍ أَوْ كُذْرَةٍ  
فَالأَوَّلُ الْعَلِيُّ فِي أَعْلَى عُلُوِّ وَفِي الدُّنُوِّ الأَوْلَوِيِّ القُرْبَةِ  
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ الْبَعِيدُ الأَبْعَدُ مِنْ جِهَةِ الْعُلُوِّ أَعْلَى الرُّتْبَةِ  
وَمَنْ هُوَ الْقَرِيبُ حَقَّ الْقُرْبَةِ مِنْ جِهَةِ النُّورِيَّةِ التَّافِئَةِ  
بِلا تَتَاهٍ قَدْ تَعَالَى ذَاتُهُ عَنِ انْحِصَارِهِ بِقَبْضِ الْجِهَةِ

### فصل في أن فعله تعالى أزلي بمعنى أنه لا يعطل عن جوده وفيضه

وَرَبَّنَا أفعالُهُ قَدِيمَةٌ لَيْسَ مُعْطَلًا عَنِ العاطِلَةِ إِذَا وَجَدْنَا الحَقَّ مُوجِبًا لِمَا سِوَاهُ قَدْ جَلَّ عَلَى الدَّيْمُومَةِ

<sup>٧٣</sup> . ن: لينتهي.

<sup>٧٤</sup> . ن: بالعلة.

<sup>٧٥</sup> . ن: - ها.

<sup>٧٦</sup> . ن: انوار.

<sup>٧٧</sup> . بيت فوق در حاشیه آمده است و در متن، بیت زیر نوشته شده و روی آن خط خورده است:

وَأَقْرَبُ الْجَمِيعِ نُورُ النُّورِ قَدْ أَتَتْ بِهِ الْجَمِيعُ أَنْ أَضَاءَتْ.

مُرَجَّحاً يَدُومُ فِي تَرْجِيحِهِ  
مِنْ كُلِّ مُمَكِّنَاتٍ أَكْوَانٍ عَلَيَّ  
لَا وَقْتٌ<sup>٧٨</sup> لَا شَرْطٌ تَوَقَّفْتُ بِهِ  
أَوْ آلِيَّةٍ أَوْ نَحْوِهَا أَفْعَالُنَا  
إِذْ قَبْلُ كُلِّ الْمُمَكِّنَاتِ لَمْ تَكُنْ  
فَالأَوَّلُ الْحَقُّ تَعَالَى شَأْنُهُ  
يُرِيدُ شَيْئاً لَمْ يُرِدْ مِنْ قَبْلِهِ  
فَرُبُّنَا لَيْسَ بِمَسْمُوقٍ لَهٗ  
نَفْسِي الزَّمَانِ مُثَبَّتٌ لِأَزَلٍ  
لَمَّا عَلِمْتَ الصُّوَاءَ وَالشُّعَاعَ مِنْ  
فَلَا تَعَجَّبْ مِنْ حَكِيمٍ مُتَقِينٍ  
إِلَى الْوَرَى قِيَاضُ جُودِهِ عَلَيَّ  
مَاذَا يَضُرُّ الشَّمْسَ لَو دَامَ لَهَا  
فِي نُورِهَا بِمُسْتَفِيضٍ جُودِهَا

### الهيكل الخامس

#### في إثبات سلسلة الحوادث إلى غير النهاية

#### وإسنادها إلى حركة متصلة سرمدية

وَكُلُّ حَادِثٍ قَدْ اسْتَدْعَى لَهُ  
وَالسَّبَبُ الْحَادِثُ أَيْضاً عَائِدٌ  
وَهَكَذَا فَيَقْتَضِي تَسْلُسُلاً  
بِحَيْثُ لَمْ يَكُنْ لَهَا مُبْتَدَأٌ  
فِيهِ الْكَلَامُ فِي حُدُوثِهِ فَلَا  
فَيَقْتَضِي مُبْتَدَأً تَجَدَّدَتْ  
إِلَيْهِ يَنْتَهِي تَسْلُسُلاً بِهِ  
فَالوَاجِبُ التَّجَدُّدُ الَّذِي بَقِيَ

مِنْ سَبَبٍ يُبْدِي مِنَ اللَّازِمَةِ  
إِلَيْهِ حُكْمُ الْآنِ فِي الْمَقَالَةِ  
تَعاقَبَتْ تِلْكَ بِإِلَاقَةِ  
وَالْمُبْتَدَأُ الْحَادِثُ بِالْفَرْضِيَّةِ  
مُبْتَدَأٌ فَمَا مِنْ اسْتِحَالَةٍ  
فِيهِ حَادِثٌ مِنَ الذَّاتِيَّةِ  
تَعاقَبَتْ حَادِثُ الْكَوْنِيَّةِ  
بِسَرْمَدِيٍّ دَوْرَةَ الْعَالِيَّةِ

وَهِيَ الَّتِي تَكُونُ فِي عَالَمِنَا  
 إِذْ عَالَمُ الْعُنْصُرِ فِي مَوَادِّهَا  
 فَلَمْ يُغَيِّرْ رَبُّنَا الْفَعَالَ قَطُّ  
 فَلَمْ يَكُنْ مِنْ سَبَبِ الْحَوَادِثِ  
 فَيَقْتَضِي إِذْ قَدِمَ الْحَرَكَاتِ  
 لَوْ لَا حَرَكَاتٌ مِنَ الْأَفْلَاكِ مَا  
 تَحَرَّكَ الْأَفْلَاكِ لَيْسَتْ مِنْ قُوَى  
 إِذْ قَاصِدُ الطَّبَعِ الَّذِي لَمْ يَكُ مَنْ  
 وَكَانَتْ الْأَفْلَاكُ فِي سَيْرِ لَهَا  
 فَلَمْ تَدُزْ إِلَّا وَبِالْإِرَادَةِ  
 مِنْ سَبَبِ الْحُدُوثِ لِلْمُحَدَّثَةِ  
 قَابِلَةٌ لِلصُّوَرِ الْحَادِثَةِ  
 فِي ذَاتِهِ الْأَوَّلِ بِالذِّمُومَةِ  
 مُحَدَّثَةٌ إِلَيْهِ مِنْ مُسْنَدَةِ  
 مَعْلُومَةٍ لِلْعِلْمَةِ الْقَدِيمَةِ  
 صَحَّتْ مِنَ الْحَادِثَةِ الْمَعْلُومَةِ  
 دَارَتْ بِهَا كَانَتْ مِنَ الطَّبِيعَةِ  
 يُجَاوِزُ الْمَطْلُوبَ بِالْإِرَادَةِ  
 تُفَارِقُ الْكُلَّ<sup>٧٩</sup> مِنَ الْمَنْقُوطَةِ  
 دُونَ الطَّبِيعِيَّةِ وَالْقَسْرِيَّةِ

#### فصل في بيان المباشر القريب لتحريك الفلك

مَحَرَّكَ الْأَفْلَاكِ ذَاتَهَا فَفِي  
 تَحَرُّكَةٍ مِنْ إختيَارِهَا وَفِي  
 كَانَتْ لَهَا<sup>٨٠</sup> مِنْ نَفْسِهَا الْخَارِجَةِ  
 ذَلِكَ إِنْ أَخَذَتْ جِرْمَ الْفَلَكِ  
 حَرَكَاتِهَا تَحْرِيكَ نَفْسٍ قَسْرَةً  
 تَحْرِيكُهَا الْمُفَاضِلَةَ الْجِرْمِيَّةَ  
 تَحَرُّكُ الْجِرْمِ كَمَا أَفِيضَتْ  
 تَحَرُّكُ الْإِفَاضِلَةِ الْقَسْرِيَّةِ  
 شَيْئاً وَنَفْسَهُ كَذَا عَنْ حِدَةٍ  
 وَإِنْ مَعاً قَتْلِكَ مِنْ إِرَادَةِ

#### فصل في تعريف الأفلاك وما لها من الأحوال

فَكَانَتْ الْأَفْلَاكُ أَحْيَاءً<sup>٨١</sup> كَذَا  
 إِلَى نُمُورٍ أَوْ إِلَى تَوْلِيدِهَا  
 وَمَا لَهَا مُزَاجٌ فَلَا<sup>٨٢</sup> لَهَا  
 إِلَى إِنْتِقَامٍ عَنْ مُزَاجِمْ لَهَا  
 لَيْسَتْ تَحَرَّكَتْ مِنَ السُّفْلِيَّةِ  
 مُدْرِكَةٌ لَيْسَتْ لَهَا<sup>٨٢</sup> مِنْ حَاجَةِ  
 وَلَا لَهَا دَاعِيَةٌ لِلشَّهْوَةِ  
 مِنْ غَضَبٍ ثَارَ بِهَا فَمَا لَتْ  
 أَوْ دَفَعَتْ عَنْهَا ضِرَى الْإِسَاءَةِ  
 أَجْرَامِهَا السَّافِلَةَ الْفَاسِدَةَ

<sup>٧٩</sup> . ن: تجاوزت كلاً (- تفارق الكل).

<sup>٨٠</sup> . ن: - لها.

<sup>٨١</sup> . (ح): السماء حيوان مطيع لله عز وجل.

<sup>٨٢</sup> . ن: - لها.

<sup>٨٣</sup> . اصل: ولا.

إِذِ الْأَخْسُ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَلِي  
 ثُمَّ إِذَا طَهُرَتْ عَنْ شَوَاغِلِ  
 وَقَدْ تَأَمَّلْتَ جَلَالَ الْكِبْرِيَا  
 وَجَدْتَ فِي الْمُرْتَاضَةِ الزَّكَايَةِ  
 هُنَاكَ قَدْ قَضَيْتِ أَوْطَاراً سَنَتْ  
 فَمَا تَظُنُّنَ بِالْعَوَالِي فِي الَّتِي  
 دَائِمَةً أَشْكَالُهَا ثَابِتَةٌ  
 لَا شَاغِلٌ لَهَا فَلَا يَنْقَطِعُ  
 وَلَا نَوَالُهُ مِنَ الْأُمْدَادِ مِنْ  
 فَمَا تَحَرَّكَتْ لِدَاعِي سَهْوَةٍ  
 بَلْ لِيَتَالَ لَذَّةَ الْمَعْشُوقِ قَدْ  
 لَوْلَمْ يَكُنْ مَطْلُوبُهَا مُؤَبَّدًا  
 لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْعَالِي ضِيَاءٌ  
 يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْحَقِّ مِنْ  
 يَنَالُهُ مِنْ بَرَكَاتِهِ لَهُ  
 فَيَسْتَعِدُّ مُطْرِبًا قَدْ نَالَ مِنْ  
 دَوَامِ إِشْرَاقَاتِهَا تَجَدُّدًا  
 كَذَلِكَ الْحُكْمُ بِعَكْسٍ مُسْتَوِي  
 لَوْلَا حَرَكَاتُهُ مَعَ الْإِشْرَاقِ لَمْ  
 مِنْ قَدَرٍ مُنْتَهِيًا فَيُوضُّهُ  
 إِذْ لَا تَعْيُورُ لِذَاتِ الْأَوَّلِ  
 تَغْيِيرُ الْمَعْلُولِ وَالْإِثْبَاتِ فِي

تَحَرُّكَةً<sup>٨٤</sup> الْأَشْرَفِ مِنْ كَرَامَةٍ  
 لَوَائِثَةِ الْأَبْدَانِ بِالرِّيَاضَةِ  
 بِاسِطٍ نَوْرِ فَاَنْضِ الْإِضَاءَةَ  
 بُرُوقِ أَنْوَارِ لَهَا مُضِيئَةً  
 مُشَاهِدِ الشُّوَارِقِ السَّانِحَةِ<sup>٨٥</sup>  
 لَهَا سَنًا كَرِيمَةً بِالْهَيْئَةِ  
 أَجْرَامُهَا لَيْسَتْ مِنَ الْفَيْئَةِ  
 عَنْهَا شَوَارِقُ مِنَ التَّوْرِيَةِ  
 لَطَائِفِ أَنْوَارِهَا الْبَارِقَةِ  
 وَلَا لِدَاعِي غَضَبٍ لِلتَّقَمَّةِ  
 أَذَقَهَا أَنْسَتْ جَمِيعَ اللَّذَّةِ  
 لِأَنْصَرَمَتْ دَوْرَانُهَا مَا بَقِيَ  
 مَعْشُوقُهُ أَمَدًا بِالْوَسَاطَةِ  
 لَدُنْهُ فِي شُهُودِ ذِي الْجَلَالَةِ  
 مِنْ كُلِّ إِشْرَاقٍ نَمَا حَرَكَاتِ  
 إِشْرَاقِهِ<sup>٨٦</sup> نَوْعًا مِنَ الزِّيَادَةِ  
 مِنْ حَرَكَاتٍ جُدَّدَتْ<sup>٨٧</sup> وَمُدَّتْ  
 فَمِنْهُمْ مَا<sup>٨٨</sup> تَنَاسَلُ الْحَادِثَةِ  
 يَحْصِلُ لِحُجُودِ اللَّهِ غَيْرُ الْقَلَّةِ  
 مِنْ حَادِثَاتِ الْكُونِ بَعْدَ انْتَفَتِ  
 لِأَوْجِبَتْ مُغْيِرًا عَنْ عِلَّةِ  
 عِلَّتِهِ بِحَالِهَا اسْتِحَالَتِ

<sup>٨٤</sup> . ن: تحريكة.

<sup>٨٥</sup> . ن: - سنت مشاهد الشوارق السانحة.

<sup>٨٦</sup> . اصل: اشراقها.

<sup>٨٧</sup> . ن: حُدَّتْ.

<sup>٨٨</sup> . (ح): وهي الأجرام العلوية والسفلية فقط.

فَدَامَ جُودُ الْحَقِّ مِنْ دَوَامِهِ  
بِوَجْهِهِ أَذْوَمَ لِعُشْقِ الْعُلَى  
مِنْ حَرَكَاتِهَا لُزُومُ النَّفْعِ فِي  
بِالْعَرَضِ الثَّانِي كَمَثَلِ الذِّكْرِ  
ثُمَّ اقْتَضَى الْمَحَبَّةُ الْمُفْضِيَّةُ  
فَدَوْرَةُ الْأَفْلَاكِ لَيْسَتْ تُوجِدُ  
لِكِنَّهَا تَحْصَلُ اسْتِعْدَادُهَا<sup>٩١</sup>  
إِذَا أَبَى الْفَاعِلُ أَنْ تَعَيَّرَا  
تَجَدُّدُ اسْتِعْدَادِ قَابِلٍ لَهُ  
لَمْ يَتَحَرَّكَ عَنْ مُقَابِلٍ لَهُ  
فَبَانَ مِنْ كُلِّ بَنُوعٍ هَيْئَةً  
فَالشَّخْصُ مَا غَيَّرَ ذَاتًا بَلْ أَتَى  
فَالْحَقُّ رَابِطُ الثَّبَاتِ بِالثَّبَاتِ  
وَهُوَ الَّذِي فِي رِبْطِهِ جَلَّ عَلَا  
حَتَّى يَدُومَ الْخَيْرُ وَالْفَيْضُ عَلَى  
إِذْ جُودُهُ لَيْسَ بِأَبْتَرٍ وَلَا

دَامَتْ حُدُوثُ الْكُلِّ وَاسْتَمَرَّتْ  
مِنْ الْإِلَهِيِّينَ وَالْقُدْسِيَّةِ<sup>٨٩</sup>  
سَائِلَةَ الْعَالَمِ الْكُلِّيَّةِ  
وَرُوحِهِ اجْتِمَاعًا<sup>٩٠</sup> مِنْ أَلْفَةِ  
إِلَى تَنَاسُلٍ مِنَ الْعَرَضِيَّةِ  
شَيْئًا فَظَنَنْتُ تِلْكَ مِنْ خَالِقَةِ  
فَالْحَقُّ يُعْطِيهَا<sup>٩٢</sup> عَلَى لِيَاقَةِ  
فَالشَّيْءُ فِي تَجَدُّدِ الصُّورَةِ  
كَمَثَلِ شَخْصٍ نَفْسِهِ الْمَفْرُوضَةِ  
مِنْ الْمَرَايَا اخْتَلَفَتْ بِالْجَلْوَةِ  
مِنْ الصَّنْفِ وَالصَّغْرِ وَالْكُدُورَةِ  
تَغْيِيرٌ مِنْهَا<sup>٩٣</sup> وَقَدْ غَيَّرَتْ  
وَالْحُدُوثُ بِالْحُدُوثِ اشْتَبَهَتْ<sup>٩٤</sup>  
مَبْدَأُهَا الْعَالِي وَأَقْصَى الْغَايَةِ  
ذَرَاتِهِ الْحَادِثَةَ الْمَوْجُودَةَ  
بِنَاقِصٍ مُنْقَطِعِ السَّلْسِلَةِ

### فصل في تعريف الجود والغني وبيانهما

الجودُ حَدهُ إفادَةُ لِمَا  
لَا عَرَضُ لَهُ وَفِي صَنْعِهِ  
وَذُو الْجَلَالِ الْمَلِكُ الْمُطَّلَقُ مَا  
يَكُونُ يَنْبَغِي بِإِثَابَةِ  
بَلْ ذَاتُهُ قِيَاضَةٌ لِلرَّحْمَةِ  
سِوَاهُ كُلِّ جُمْلَةٍ الْمَمْلُوكَةِ

<sup>٨٩</sup> . ن: - والقدسية.

<sup>٩٠</sup> . اصل، ن: اجتماعا.

<sup>٩١</sup> . ن: استعداده.

<sup>٩٢</sup> . ن: يعطيه.

<sup>٩٣</sup> . ن: - منها.

<sup>٩٤</sup> . (ح): تفصيله أنّ الموجود من الحركة أمر وحدانيّ الذات مستمرّ وهو شخص واحد يلزمه اختلاف انساب بالقياس إلى الحدود المفروضة في المسافة فهو أمر دائم باعتبار ذاته حادث باعتبار تلك النسب العارضة له بحسب الفرض. فمن حيث الذات الثابتة استندت إلى العقل الثابت ومن حيث النسب المتعاقبة عليها استند إليها الحوادث (شرحه).

فَفَاعِلٌ جَادٌ لِيَبْعِي عَوْضاً  
ذَاكَ فَفَقِيرُ النَّفْسِ قَدْ يَسْتَحْصِلُ  
أَمَّا الْغَنِيُّ الْكَامِلُ الذَّاتِ الَّذِي  
ثُمَّ الْغَنِيُّ الْمُطْلَقُ الْأَعْلَى الْقَوِي  
مِنْ ذَاتِهِ بَلْ عَيْنُهَا بَلْ كَلَّمَا  
وَذَلِكَ الْغَنِيُّ نَوْرُ الْكُلِّ إِذْ  
مِنْ نَوْرِهِ أَوْ نَوْرِ نَوْرِهِ الْجَلِيِّ

### فصل في أن أتم من هذا الوجود محال

هَذَا الْوُجُودُ الْمُتَقَنُّ الْمُنْتَظَمُ  
مِنْهُ بَدَى أَصْلاً وَرَبُّنَا الْعَلِيِّ  
أَبْجَادٌ مَا أَحْسُّ تَارِكاً لِمَا  
بَلْ يَفْتَضِي الْأَشْرَفَ فَالْأَشْرَفَ فِي  
كَمَا نَرَى أَشْرَفَ عَكْسِ النَّوْرِ مِنْ  
وَهَكَذَا إِلَى أَحْسُّ الْكُلِّ مِنْ  
أَتَمُّ مِنْ ذَلِكَ مِنْ مَحَالِهِ  
لَمْ يَلْزِمِ التَّقْصَانُ مِنْ ذَلِكَ فِي  
مِنْ الْمَحَالِ حَيْثُ لَمْ يَدْخُلْ إِلَى  
فَإِنَّ هَذَا الْكَوْنَ وَالنَّظَامَ مِنْ  
فَمَا عَدَا ذَلِكَ شَرٌّ لَمْ يَكُنْ  
قَدْ انْطَوَى كُلُّ مِنَ الْإِشْكَالِ مِنْ  
مِنْ زَائِعٍ مُطَوَّلٍ حَدِيثُهُ  
مَنْ ظَنَّ بِالْعَالِي لَهُ الْبِنْفَاتُ  
وَوَظَنَّ أَنْ لَيْسَ لِرَبِّ الْعِزَّةِ  
مِنْ عَالَمٍ آخَرَ فِي الْكَوْنِ وَأَنْ

لَمْ يُتَصَوَّرَ مَا أَتَمَّ الْخِلْقَةَ  
لَا يَفْتَضِي فِي ذَاتِهِ الْمُتَقِنَةَ  
أَشْرَفُ أَكْمَلٍ وَفِي مُمَكِّنَةٍ  
فِيُوضِيهِ السَّوَابِقَةَ الْكَامِلَةَ  
عَكْسٍ لِعَكْسِهِ مِنَ الْإِنَارَةِ  
مَا بَرَزَ مَتَّصِلٌ بِالظُّلْمَةِ  
لَمْ يَدْخُلِ الْمَحَالُ تَحْتَ الْقُدْرَةِ  
مَنْ قَادِرٌ بَلْ هُجْنَةُ التَّقْصِيَّةِ<sup>٩٥</sup>  
طَاعَةَ قَادِرٍ مُطِيعِ الْقُدْرَةِ  
أَتَمَّ أَيْجَادٍ وَأَقْصَى غَايَةَ  
بِصَادِرِ الْحَقِّ وَخَيْرٍ مَحْضَةٍ<sup>٩٦</sup>  
مُخَيَّلَاتٍ طَوْلَتْ زَانِغَةَ  
فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ ادَّعَاءَ الْحِكْمَةِ  
إِلَى سَوَافِلِ<sup>٩٧</sup> بِأَيْجَادِيَّةِ  
وَرَاءَ تِلْكَ الْخِذْرَةَ الْمُظْلَمَةَ  
لَيْسَتْ وَرَاءَ هَذِهِ الْجِسْمِيَّةِ

<sup>٩٥</sup> . ن: النقيصة.

<sup>٩٦</sup> . اصل: المحضه.

<sup>٩٧</sup> . ن: سوافل.

مَوْجُودَةٌ مِنْ جُمْلَةِ الْخَلِيقَةِ      نَاطِقَةٌ<sup>٩٨</sup> أَوْ تِلْكَ مِنْ صَامِتَةٍ  
وَلَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ لَوْ أَنْ وَقَعَتْ      عَلَى خِلَافٍ مَا عَلَيْهِ اخْتَلَّتْ  
تِلْكَ النَّظَامُ اسْتَكْبَرَتْ سُورُهَا      فَوْقَ التِّي فِي الْآنِ مِنْ نَازِلَةٍ<sup>٩٩</sup>  
وَلَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ      أَقْصَى نِظَامٍ خَيْرٌ مَا اسْتِكَانَتْ  
وَأَنَّ عَالَمًا يُصَانُ عَنْ بَلَا      عَاهَاتِهِ غَيْرَ لِيَتْلِكَ الْخِدْرَةَ  
مِنْ عَالَمِ الْمِثَالِ أَوْ مَا فَوْقَهُ      مَرْجِعِ أَنْفُسٍ مِنَ الطَّاهِرَةِ

### فصل في بيان حال الأفلاك من وجه آخر من عجائبها

وَلَيْسَتْ الْعَوَالِ مِنْ قُدْسِيَّةٍ      أَنْ تَهْتِكَ الْأَسْتَارَ هَتِكَ الْحُرْمَةِ  
أَوْ تَغْرِسَ الْمِلَّةَ ظُلْمَانِيَّةً      أَوْ تَرْفُضَ الْأَيْتَامَ عَنْ حَضَانَةِ  
أَوْ رَفَهَتْ لِجَاهِلٍ أَوْ عَذَّبَتْ      ذَا الْعِلْمِ أَوْ أَعْوَتْ نُفُوسًا رَكَتْ  
بَلْ شُغِلْهُمْ شُهُودُ نُورِ الْأَوَّلِ      فَذَاتُهُ جَلَّتْ وَقَدْ<sup>١٠٠</sup> تَعَالَتْ  
مِنْ كُلِّ مَشْهَدٍ مِنَ الْعِلَّةِ أَوْ      مَعْلُولَةٍ أَوْ جُمْلَةِ الصَّادِرَةِ  
وَيَلْزَمُ الْأَفْلَاكَ مِنْ دَوْرَانِهَا      تَصَرُّرٌ صَرُورَةً لَوَاعِدَاتِ  
إِلَى مَنَافِعٍ لَهُمْ تَصَرَّرَتْ      عَوَالِمٌ مِمَّا بِهِمْ أَضَرَّتْ  
كُلِّيَّةُ الْخَيْرَاتِ قَدْ تَوَارَدَتْ      فِي ضِمْنِهَا شَرٌّ مِنَ الْجُرَيْيَةِ  
فَالنَّارُ وَالْمَاءُ مَدَارَ الْعَالَمِ      قَدْ أَحْرَقَتْ مَسَاجِدَ الْعِبَادَةِ  
وَأَغْرَقَ الْمَاءُ خِيَارَ الْأُمَّةِ      وَخَرَّبَ الْمِدْرَارُ مِنْ أُبْنِيَّةِ  
دَلَّتْ عَلَى أَكْمَلِهَا وَضَعًا يُرَى      إِنْ لَمْ تَكُنْ تَحَرَّكَتْ وَمُذَّتْ  
لِلسَّافِلِينَ لَمْ تَكُنْ مَقْصُودَةً      بِالذَّاتِ لِلْعَوَالِ<sup>١٠١</sup> حَتَّى ظَنَّتْ  
نُقْصَانُهَا نَقْصُ الْعَوَالِي بَعْدَتْ      ذَاتًا وَفِعْلًا عَنْ سِوَى الْفَضِيلَةِ  
كَذَا وَلَا نَقْصٌ لِمَا تَقْصُودُهُ      بِالذَّاتِ أَصْلًا وَالتِّي تَرَأَتْ  
نَقْصًا فَلَيْسَ النَقْصُ فِي الْحَقِيقَةِ      بَلْ أَكْمَلُ لَيْسَتْ مِنَ النَّاقِصَةِ  
بَلْ تِلْكَ قَدْ تَحَرَّكَتْ جَرِيَانُهَا      فِي اللَّهِ تَرْتَمِي بِخَيْرِ الرِّمِيَةِ

<sup>٩٨</sup>. ن: خاطفة.

<sup>٩٩</sup>. ن: النازلة.

<sup>١٠٠</sup>. ن: - قد.

<sup>١٠١</sup>. ن: للعوالي.



أضواء قَيَوْمِيَّةٍ أَنوارها  
وفي المواقِفِ الإلهيَّةِ قَد  
فَلَمْ تُمَكِّنْ أَنْ رَمَتْ مِنْ نَظَرَةِ  
فَضلاً عَنِ التِّفَاتِهَا إِلَى السَّوَى  
جَرَتْ كَذَا<sup>١٠٤</sup> عَالِيَةً عَالِمَةً  
إِذْ لَمْ يَكُنْ<sup>١٠٥</sup> عُلُومُهَا مَوْقُوفَةً  
كُلُّ النُّورِ بِمُدْرِكٍ لَهُمْ وَهُمْ  
كَمِثْلِ مَنْ بِحَالَةٍ اسْتِغْرَاقِهِ  
لَهُ شُعُورٌ عَالِمٌ بِنَفْسِهِ  
فَلَمْ يَكُنْ<sup>١٠٨</sup> يَعْرِزُّبُ عَنْ عُلُومِهَا

### فصل في ثبات الأجرام السماوية

#### وعدم تركيبها من العناصر وأمنها من الفساد

دَلَّتْ عَلَى ثَبَاتِ أَجْرَامِ العُلَى  
وَأَمْنِهَا مِنَ الفَسَادِ كَوْنُهَا  
لَوْ رُكِبَتْ تَحَلَّلَتْ مَا حُرِّكَتْ  
وَالْحَرُّ طَبْعاً صَاعِداً لِخِفَّةِ  
إِلَى نُزُولِ<sup>١٠٩</sup> الرِّطْبِ قَابِلٌ لِأَنَّ  
مُتَّصِلاً مُنْفَصِلاً وَالْيَابِسُ  
وَلَيْسَتْ الأَفلاكُ أَنْ تَنَحَّرِفَا  
إِلَى جِهَاتِ الفُوقِ أَوْ تَحْتِيَّةِ<sup>١١١</sup>

وَكُونِهَا لَيْسَتْ بِعُنْصُرِيَّةٍ  
وَاجِبَةَ الدَّوَامِ بِالتَّحَرُّكِ  
فَغَيْرُ عُنْصُرِيَّةٍ بِالتَّبَيُّنِ  
وَالْبَارِدُ المَيَّالُ مِنْ ثَقِيلَةٍ  
تَشَكَّلَتْ وَالعَكْسُ بِالسُّهُولَةِ  
كَالرَّطْبِ فِي المَذْكُورِ بِالصُّعُوبَةِ  
وَلَا تَحَرُّكَتْ عَلَى اسْتِقامَةٍ  
بَلْ تَلِكُ فِي وَسْطِ عُلَى الرِّكِيْزَةِ

<sup>١٠٢</sup> . ن: الهيئة.

<sup>١٠٣</sup> . ن: به.

<sup>١٠٤</sup> . ن: - كذا.

<sup>١٠٥</sup> . ن: تكن.

<sup>١٠٦</sup> . ن: راه.

<sup>١٠٧</sup> . ن: - بنفسه ولو غريق اللذة المعشوقة.

<sup>١٠٨</sup> . ن: تكد.

<sup>١٠٩</sup> . اصل، ن: النزول.

فَهِيَ الَّتِي لَيْسَتْ مِنَ الثَّقِيلَةِ      وَلَا مِنَ الْحَرِّ فَبِالْخَفِيفَةِ  
 وَلَا بِرَطْبِيَّةٍ وَلَا يَابِسَةٍ      فَتِلْكَ<sup>١١١</sup> مِنْ طَبِيعَةِ خَامِسَةِ  
 لَوْلَا إِحَاطَةُ السَّمَاءِ بِالأَرْضِ لَمْ      يَرْجِعُ شُمُسُهَا لَدِي أَنْ غَابَتْ  
 لِلْمَشْرِقِ الْمَطْلِعِ<sup>١١٢</sup> إِلَّا بَعْدَ أَنْ      تَنَّتْ نَهَارَهَا بِطُولِ الْمُدَّةِ

### فصل في بيان شكل السموات وحياتها ونطقها وعشقها لمبدئها

فَجُمَلَةُ الأَفلاكِ كَانَتْ شِكْلِهَا      كُرِّيَّةً لِمَا عَلَى اسْتِدَارَةِ  
 دَارَتْ وَلَمْ تَبْقَ لَهَا مِنْ فُرْجَةٍ      فَاسْتَلَزَمَ القَوْلُ بِشِكْلِ الكُرَّةِ  
 أَحِيطَ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ كَمَا      تُرَى طِبَاقُ البَصَلِ الْمُطْبَقَةِ  
 وَحَيَّةٌ نَاطِقَةٌ عَاشِقَةٌ      إِلَى مَبَادِيهَا ضِيَا القُدْسِيَّةِ  
 مُطِيعَةٌ لِمُبْدِعِ أَبْدَعِهَا      وَفِي الأَثِيرِ لَمْ يَكُنْ مِنْ مَيَّةِ

### فصل في تفصيل الموجودات بنحو من الإجمال والإشارة إلى مراتبها

أَوَّلُ نَسَبَةٍ لَهَا ثُبُوتُهَا      فِي الكَوْنِ نَسَبَةٌ بِأَوْلَانِيَّةِ  
 نَسَبَةُ هَذَا الجَوْهَرِ القَائِمِ قَدْ      يَكُونُ مَنَسُوباً لِمُبْدِي الخِلْقَةِ  
 فَتِلْكَ أُمُّ النِّسَبِ اللَّاتِي بَدَتْ      أَشْرَفُهَا عَاشِقَةُ المَحَبَّةِ  
 لِالأَوَّلِ الأَوَّلِ قَاهِرٌ لَهُ      وَغَالِبٌ بِنُورِ قَاهِرِيَّةِ  
 قَهْرًا بِمُعْجِزٍ عَنِ اكْتِنَاهِهِ      بِهِ وَبِالتَّوَرِّ وَبِالإِحَاطَةِ  
 فَاشْتَمَلَتْ تِلْكَ عَلَى مَحَبَّةِ      مِنْ طَرَفِ كَانِ لِمَعْلُولِيَّةِ  
 وَقَهْرِهِ مِنْ طَرَفِ العِلِّيَّةِ      أَشْرَفُ أَطْرَافِهِمَا لِلْعَلَّةِ  
 تِلْكَ سَرَتْ فِي جُمَلَةِ العَوَالِمِ      فَأَرْدُوجَتْ أَقْسَامُ كُلِّ النِّشَاةِ  
 فَانْقَسَمَ الجَوَاهِرُ المَوْجُودَةُ      إِلَى ذَوِي جِسْمٍ مِنَ المَقْهُورَةِ  
 وَغَيْرِ جِسْمٍ كَانِ مِنْ قَاهِرَةٍ      مَا لَيْسَ بِالجِسْمِ لِجِسْمَانِيَّةِ  
 مَعشُوقُهُ المَحْبُوبُ مِنْهُ اللَّذَّةُ      أَحْسُ أَطْرَافِ لِذِي الجِسْمِيَّةِ  
 كَذَلِكَ مُفَارِقُ الجَوَاهِرِ      إِلَى العَوَالِي قَاهِرَاتِ القُوَّةِ

<sup>١١١</sup> . ن: والتحتية (- أو تحتية).

<sup>١١١</sup> . ن: بل تلك (- فتلك).

<sup>١١٢</sup> . ن: ليلاً إلى المشرق (- للمشرق المطلع).

والتأزلات انفعَلت مَقهورَةً  
وانقسم الأجسامُ أيضاً إلى  
فالواحدُ الفَعَالُ ذو قَهْرٍ عَلا  
بل الأثيريُّ إلى ما قَاتِدُ  
ذو شَرَفٍ كالمُشْتَرِي والزُّهْرَةَ  
كَمِثْلِ مَرِيخٍ<sup>١١٣</sup> ومِثْلِ الرُّحْلِ  
واحدَةً كالعقلِ مِنْ فَعَالَةٍ  
ثانيهما كالتنفسِ مِنْ مُنْفَعِلٍ  
بل إنقسامِ الجِسمِ قَد سَرَتْ إلى  
بل اليمينِ واليسارِ والوَرَى  
بل الذكورِ والإناثِ جَمَلَةً  
مَعَ التَّواقِصِ التي تَكُونُتُ  
هي النِّكاحُ السَّارِ<sup>١١٦</sup> في جَميعِها  
جَميعُ ما قَد دُكِرَتْ ظِلُّ لِمَا  
فَتِلْكَ أُمَّ أَوْلَدَتْ كُلَّ الوَرَى

مِنْ النُّفوسِ حَقَّ نَفْسَانِيَّةٍ  
فَسَمِيَ أَثِيرِيٌّ وَعُنْصُورِيَّةٍ  
ثانيهما مُنْفَعِلُ السَّجِيَّةِ  
يُؤْمِنُ السَّعَادَاتِ عَلَى البرِيَّةِ  
وقَائِدُ القَهْرِ عَلَى النُّحُوسَةِ  
بَل تَبْرِيها فَخَرِي العُلُويَّةِ  
فِيأَصَّةٌ<sup>١١٤</sup> بِفِيضِها السَّمْسِيَّةِ  
وَمُسْتَتِيرٌ قَابِلُ اسْتِفاضَةِ  
عُلُويَّةٍ وَضِدَّها قَد عَمَّتْ  
وَمَشْرِقٍ وَمَغْرِبٍ بِالجِهَةِ<sup>١١٥</sup>  
فَأَزْدُوجِ الكُلِّ مِنْ الكَامِلَةِ  
تَأْتِيها بِالنَّسَبَةِ السَّابِقَةِ  
مِنْ الذَّراريِ وَالِدِ الذَّرِيَّةِ<sup>١١٧</sup>  
مَرَّتْ مِنْ النُّسَبَةِ كَالْحَمِيرَةِ  
أَصْلُ خَمِيرَةٍ لِتِلْكَ النُّشُوءِ

#### فصلٌ في ذكر الكواكب من الشمس والقمر وغيرهما

لَمَّا عَلِمْتَ النُّورَ أَشْرَفَ الوَرَى<sup>١١٨</sup>  
أشْرَفُها القِدِّيسُ بِالبداهَةِ  
وَمَتَّبِعُ الفَيْضِ مِنْ الحَيَاةِ ذُو  
قَلْبِ السَّماءِ والرَّيْسَةِ التَّسِي

فَأشْرَفَ الأجسامِ بِالتَّورِيَّةِ  
أَبُ المَواليِدِ مِنْ الثَّلَاثَةِ  
مُلْكٌ لَهْ تَصَرَّفُ المَلَاكَةِ  
فَاعَلَيْتُ النَّهَارِ وَالظَّهْمِرَةَ<sup>١١٩</sup>

<sup>١١٣</sup> . ن: المريخ.

<sup>١١٤</sup> . ن: قياضة.

<sup>١١٥</sup> . ن: - بالجهة.

<sup>١١٦</sup> . ن: السارى.

<sup>١١٧</sup> . ن: - والذرية.

<sup>١١٨</sup> . ن: النورى.

هُورُزَخْشٌ<sup>۱۲۰</sup> شَدِيدَةٌ لَا تُغْلَبُ قَاهِرَةٌ لِلغَسَقِ اللَّيْلِيةِ  
ذاتُ القُوَى صَاحِبَةُ العَجَائِبِ مِنْ هَيْئَةٍ عَظِيمَةٍ قَد مَحَت  
جَمِيعَ أنوارِ العُلَى مَحَوًّا بِمَا لَهَا مِنْ الأشْعَةِ القَاهِرَةِ  
وَقَد أَضَاءَتْ جُمْلَةَ الأَجْرَامِ مِنْ ضِيائِهَا لَيْسَتْ مِنْ الأَخِرَةِ<sup>۱۲۱</sup>  
مِنْهَا مِنْ الأنوارِ شَيْئاً بَل تُرى<sup>۱۲۲</sup> مِنْ نورِها الكَوَاكِبُ اسْتَفَادَتْ  
تِلْكَ مِثَالُ اللّهِ أَعْلَى أَعْظَمِ فَتَقَهَّرُ الأنوارُ بِالإنارةِ  
كَمَا مَحَتْ سُبُحاتُ وَجهِ اللّهِ ما سِوَاهُ مِنْ أنوارِهِ اللَّامِعَةِ  
والوَجْهَةَ الكُبْرَى لِهَذَا سابِقاً قَبْلَةَ أَنْ صَحَّتْ قَبْلَةَ تِبَاعَةِ  
فَسُمِّيَتْ بِنَبْتِ شَمْسٍ جُمِلَتْ كَأَنَّها عَنها مِنْ التَّابِتَةِ<sup>۱۲۳</sup>  
مِنْ بَعْدِها أَصْحابُها السَّيَّارَةُ كَذَا ثَوَّبَتْ مَعَ السَّيَّارَةَ  
لَا سِمْما رَأْسِ<sup>۱۲۴</sup> الصَّيَّاءِ النَّيِّرِ جُنْحِ اللَّياليِ مِنْ كَمالِ البَهْجَةِ  
صَاحِبِ خَيْرَاتٍ وَمِصباحِ الدُّجى تَبَارَكَ المُنْشِئُ لِتِلْكَ الصَّنْعَةِ

#### الهيكل السادس

#### في إثبات بقاء النفس بعد خراب البدن واللذة والألم

إِعْلَمْ بِأَنَّ النَفْسَ لَا تَبْطُلُ مِنْ بَطْلانِ أَيْدانِ لَهَا خُرْبَتْ  
لِأَنَّها لَيْسَتْ لَهَا<sup>۱۲۵</sup> مَحَلُّها بَلْ مِنْ ذَوَاتِ تِلْكَ لا ناعِمَةَ  
فَلا لَهَا ضِدُّ ولا مُزاحِمٌ إِذْ خُصِّصَ بِنِزالِ المَحَلَّةِ  
مَبْدَأُها العَقْلُ بِمَدائِمِ فَقَدِ دَامَتْ بِهِ فِي أَيْدٍ فَلَيْسَتْ  
لَهَا عَلاقَةٌ مَعَ الجِسمِ سِوَى عَلاقَةٍ عارِضَةٍ شُوقِيَّةِ  
ما بَطَلَتْ إِذْ بَطَلَتْ جِوَاهِرُ غَنِيَّةٍ عَنِ جُمْلَةِ العَلاقَةِ

<sup>۱۱۹</sup> . این بیت و بیت بعد در اصل الفیه جا به جا نوشته شده اند و بر اساس شرح اصلاح شده اند.

<sup>۱۲۰</sup> . اصل، ن: هورخس.

<sup>۱۲۱</sup> . ن: الآخذة.

<sup>۱۲۲</sup> . ن: یرى.

<sup>۱۲۳</sup> . ن: نابتة.

<sup>۱۲۴</sup> . ن: وسیمارایس (- لا سیمارأس).

<sup>۱۲۵</sup> . ن: - لها.

فَاعْلَمْ لَذَاذَةَ الْقُوَى قَدْ تَبَعَتْ  
 أَوْ أَلَمْ يَنْفِيهَا فُكُلُ مَا  
 أَوْ أَلَمْ تَنَالَهُ بِحَسَبِ مَا  
 لِلشَّمِّ مَا تَعَلَّقَتْ بِهِ لَهُ  
 وَالذُّوقِ مَا يَقْبَلُهُ مِنْ طَيِّبِ مَا  
 وَاللَّمْسِ مَا خُصَّ بِهِ مِنْ كُلِّ مَا  
 وَقِسْ عَلَيْهَا مَا بَقِيَ مِنْ قُوَّةِ  
 قَابِلَةٍ لِلذَّذَةِ مُنْشِطَةٍ  
 أَوْ أَلَمْ قَدْ حَلَّ فِي وُجُودِهِ  
 فَالْجَوْهَرُ الْعَاقِلُ إِذْ كَمَالُهُ  
 فِي الْحَقِّ مِمَّا جَلَّ مِنْ صِفَاتِهِ  
 مَعْرِفَةُ الْمَبْدَاءِ وَالْمَعَادِ مِنْ  
 كَذَلِكَ الْآفَاتِ مِنْ مُهْلِكَةٍ  
 وَيَقْضُهُ فِيمَا خِلَافَ الْكُلِّ مِنْ  
 فَمِنْهُمَا لَذْتُهُ وَالْأَلَمُ  
 قَدْ يَصِلُ اللَّذِيذُ وَالكَرِيهُ مِنْ  
 أَوْ أَلَمْ نَكْرَهُهُ يُؤَلِّمُنَا  
 كَسَاكْتَهُ تَابِعَةً لِسُدَّةِ  
 لِإِنْسِاطِ الرُّوحِ مِنْ أُبْحَرَةٍ  
 فَالْنَفْسُ مَا دَامَتْ مِنَ الْأَسْرَى وَمِنْ  
 مَقْهُورَةٍ تَحْتَ ظِلَامِ الْبَدَنِ  
 وَمَا تَلَذَّذَتْ مِنَ الْكَمَالِ مِنْ  
 لِسْكَرِهَا النَّاشِي مِنَ الطَّبِيعَةِ  
 أَيْ شَجَرَ الْمَنْهِي عَنهُ أَدَمُ

كَمَالِ إدْرَاكِيَّةٍ كَامِلَةٍ  
 نَرَاهُ قَابِلًا لِتِلْكَ اللَّذَّةِ  
 يُخْصُّهُ مِنْ قَابِلَاتِ الْقُوَّةِ  
 مِنْ طَيِّبِ مَشْمُومٍ مِنَ الرَّائِحَةِ  
 ذَاقَ<sup>۱۲۶</sup> مِنَ الْأَطْعَمَةِ اللَّذِيذَةِ<sup>۱۲۷</sup>  
 لَأَنْتَ مِنَ الْمَلَامِسِ النَّعِيمَةِ  
 ظَاهِرَةً أَوْ تِلْكَ مِنَ بَاطِنَةِ  
 طَابَتْ بِهَا الْأَنْفُسُ مِنْ لِيَاقَةِ  
 مُسْتَكْرَأٍ طَبَعًا مِنَ الْكَرِيهِةِ  
 فِي كَوْنِهِ مُنْتَمِسٌ الْمَعْرِفَةِ  
 وَالْكَوْنِ وَالنَّظَامِ بَلْ بِالْجُمْلَةِ  
 حَالِهِمَا مِنْ جُمْلَةِ الْوَارِدَةِ  
 مِنْ شَرِّهِ وَمِثْلِهِ التَّابِعَةِ  
 جِهَالَةٍ فِي شَرِّهِ مَوْبِقَةٍ<sup>۱۲۸</sup>  
 دُونَ السُّوَى مِنْ بَاقِيَاتِ الْحُلَّةِ  
 دُونَ حُصُولِ اللَّذَّةِ الْوَاصِلَةِ  
 كَمَنْ بِهِ مِنْ عِلَّةٍ مُذْهِلَةٍ  
 أَوْ سَكْرَةٍ غَالِيَةٍ مَوْجِبَةٍ  
 فَمَا تَأَلَّمَتْ<sup>۱۲۹</sup> بِهِ مِنْ ضَرْبَةٍ  
 مَقْفُوصَةِ الْجِسْمِ بِنَاسُوتِيَّةٍ<sup>۱۳۰</sup>  
 مَا أَتَلَّمَتْ بِجُمْلَةِ الرَّذِيلَةِ  
 بِضَاعَةِ الْفَضَائِلِ الْعَقْلِيَّةِ  
 وَهِيَ الَّتِي كَانَتْ مِنَ الْمَنْهِيَّةِ  
 قَدْ غَرَّةٌ دَلَّاهُمَا بِالشُّهُوَةِ

<sup>۱۲۶</sup> . ن: يذوق.

<sup>۱۲۷</sup> . ن: اطعمة لذیذة.

<sup>۱۲۸</sup> . این مصرع در حاشیه ذکر شده است و در متن «ما ذُكِرَتْ أَنَّهُمَا بِنِسْبَةِ» نوشته شده است که روى آن خط خورده است.

<sup>۱۲۹</sup> . ن: تألما.

<sup>۱۳۰</sup> . ن: بالناسوتیة.

### فصل في نفوس الأشقياء بعد مفارقة الأبدان

فَهِيَ مَتَى إِنَّ فَارَقَتْ عَن بَدَنِ  
 داحِضَةً حُجَّتُهُمْ وَقَدْ رَأَوْا  
 بَقِيَتْ بِظُلْمَةٍ وَشَوْقِهَا إِلَى  
 بَيْنَ أَمَانِيٍّ وَمَا قَضَوْا بِهِ  
 لَا عَيْنَهَا بِاصِرَةٌ وَلَا لَهَا  
 مَحْرُومَةٌ عَن نُّورِ قُدْسِ فَاتَهَا  
 كَانَتْ حَيَارَى تَحْتَ ظِلْمَاتِ نُفْيِ  
 أَفْرَاعِهَا غَمًّا بِغَمِّهَا لَهَا  
 بَقِيَتْ بِهَا خَالِدَةً آيَسَةً  
 ذَاهِبَةً الْحَسْرَةَ قَدْ طَالَتْ وَمِنَ

قَدْ عُدَّتْ نُفُوسُ أَهْلِ الشَّقْوَةِ  
 أَنْفُسَهُمْ فِي هَيْئَةٍ رَدِيَّةٍ  
 عَالَمٍ حَسَّ عِنْدَهَا قَدْ حِيلَتْ  
 لَذَاتِهِمْ فِي الْعَالَمِ الْحِسِّيَّةِ  
 أَذُنٌ تُحَسُّهَا مِنْ السَّمَاعَةِ  
 أَيْضاً ضِيَاءَ الْحِسِّ بِالْكُلِّيَّةِ  
 عَنْهَا كَيْلًا التَّوْرِينَ قَدْ تَوَالَتْ  
 هَمٌّ وَخَوْفٌ<sup>١٣١</sup> لِأَزِمَاتِ الظُّلْمَةِ  
 فِي صُحْبَةِ الْمُؤَذِيَةِ اللَّدِيغَةِ  
 كَاسِدَةً رِيحاً وَمِنَ خَاسِرَةٍ

### فصل في صالحات النفوس بعد المفارقة

وَالصَّالِحَاتُ الْفَاضِلَاتُ السَّعِي قَدْ  
 عَيْنٌ وَلَا أَذُنٌ وَعَعَتْ شُهُودَ مَا  
 غَرَقِي مِنَ التَّلَاطُلِ وَاتَّصَلَتْ بِهَا  
 تَحَصَّصَتْ رُبِّيَّةَ أَمَلِكِ فَلَا  
 سَعَادَةً فَرَجَعَتْ فِي زُلْفَةٍ<sup>١٣٢</sup>  
 عَلَى تَفَانِينَ رُؤُسِ الظُّلْمَةِ  
 فِيهَا قُورَى الْإِنْسَانِ رَبِّ التَّنُوعِ فِي  
 حَتَّى يَرَى<sup>١٣٤</sup> تَرَقَى إِلَى كَمَالِهَا  
 عَلَى الْهَيْكَلِ الْمُنْجِي عَن بَلَا  
 مَبْدَأِهَا الْأَوَّلِ فِي خَلَاصِهِمْ  
 وَصَاحِبِ الْمُطْلَسَمِ الْفَاضِلِ مِنْ  
 جَارِ لِمَوْلَاةِ الْكَرِيمِ وَالَّذِي

تَتَّأَلُ فِي الْجَوَارِ مَا لَا زَأَتْ  
 لِلَّهِ أَنْوَاراً مِنْ الْأَشْعَةِ  
 يَبْحِرُ أَنْوَارِ مِنَ الْعَالِيَةِ  
 تَقْنَى عَنِ اللَّذَاتِ قَدْ أُبْدَتْ  
 إِلَى أَبِيهَا قَائِمًا بِالسَّطْوَةِ  
 هَيْكَلِ<sup>١٣٣</sup> الْإِنْسَانِيَّةِ الْمَسْتَوْرَةِ  
 إِصْلَاحِهَا بِأَزْفَقِ التَّرْيِيَةِ  
 وَهَوِ الْمُقْبِضِ لِلنَّفُوسِ الْحَيَّةِ  
 مَضْمُونَةٍ إِذْ نُوْدِيَتْ بِالرَّفْعَةِ  
 وَقَاصِبِمْ أَصْنَافِهَا ذُو مِرَّةٍ  
 أَحْسَنَ تَقْوِيمِ طَرِيفِ الْهَيْئَةِ  
 أَقْرَبُ أَرْبَابِ لِرَبِّ الْعِزَّةِ

<sup>١٣١</sup> . ن: خوف وهم (- هم وخوف).

<sup>١٣٢</sup> . ن: - في زلفة.

<sup>١٣٣</sup> . ن: الهيكل.

<sup>١٣٤</sup> . ن: يرا.

مُتَوَجِّحٌ بِتَبَاجٍ قُرْبِ فِي الْعُلَى  
لَهُمْ وَجَرَّادٌ بِأَيْدِي الشُّوَكَةِ  
رُوحٌ مُقَدَّسٌ مِنْ الْجَادِبَةِ  
وَعَنْ أَبِيهَا أَبْدَأُ مَا أَنْفَكْتُ

### فصل في الفرق بين اللذة العقلية والحسية

كَمَا قُوَى الْحِسِّ مَعَ النَّفْسِ الَّتِي  
لَا نِسْبَةَ تَقَارِبَتْ بَيْنَهُمَا  
وَلَا لِنُورِ اللَّهِ وَالْقُدْسِيَّةِ  
كَذَلِكَ لَا نِسْبَةَ تَقَارِبَتْ  
فَاللَّذَّةُ الْعَقْلِيَّةُ الثَّابِتَةُ  
وَهُوَ تَعَالَى عَاشِقٌ لِذَاتِهِ  
غَيْرِيَّةٌ فِي مَحْضَرِ الْجَلَالَةِ  
لِذَاتِهِ وَغَيْرِهِ طَرَأَ فَنِي  
وَبَعْدَهُ لَذَّةُ أَهْلِ الْقُرْبَةِ  
إِذْ<sup>١٣٥</sup> فَارَقَتْ عَنْ ظِلْمَةِ الْهَيْكَلِ  
بِالْجَبْرُوتِ الْمَلَكُوتِ اتَّصَلَتْ  
مَا لَا يُنَاسِبُ انْكِشَافَ الْجُبْثِ  
مَنْ أَنْكَرَ اللَّذَاتِ رُوحَانِيَّةً  
عَنِ الْجَمَاعِ كَانَ فِي جَهَالَةٍ

### الهيكل السابع

#### في النبوات والمعجزات والكرامات والمقامات

نَوَاطِقُ النَّفُوسِ مِنْ جَوَاهِرِ  
أَشْغَلَتْ عَنْ عَالَمِهَا تِلْكَ الْقُوَى  
مَتَى زَكَّتْ قُوَّةُ الْفَضَائِلِ  
وَوَالَبَتْ عَسْكَرَ رُوحَانِيَّتِهَا  
وَأَدْبَتْ بِمَقَرِّعِ الرِّيَاضَةِ  
وَقَلَّلَتْ أَقْوَاتِهَا وَجَوَّعَتْ  
مُقَدَّسَاتِ الْمَلَكُوتِ انْهَوَتْ  
رَهِينَةَ الْأَجْسَامِ مِنْ مَسْجُونَةٍ  
ضَعِيفَةً عَنْهَا قُوَى الرِّذَالَةِ  
عَلَى بُغَاةٍ مِنْ طُغَاةِ الشَّهْوَةِ<sup>١٣٦</sup>  
وَعُلَّقَتْ عَنْهَا بُيُوبُ الرَّاحَةِ  
أَحْشَاءُهَا تَقْتَنَاتُ بِالْمَعْرِفَةِ

<sup>١٣٥</sup> . ن: قد.

<sup>١٣٦</sup> . ن: الشهوات.

وَطَيَّرْتُ أَجْفَانَهَا وَسُنَّتَهَا  
تَخَلَّصْتُ بَعْضاً مِنَ الْأَخْيَانِ عَنِ  
فَأَنْزِلَةَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً  
وَاصِلَةً إِلَى أَبِيهَا صِلَةً  
مِنْ رَبِّهَا نَوْعاً بِهِ فَاتَّصَلْتُ  
عَالِمَةً بِمَا جَرَى مِنْهَا وَمَا<sup>١٣٧</sup>  
يَبْدُوا لَهَا الْمَاضِي مَعَ الْآتِي تَرَى  
فَأَنْتَشَشْتُ فَوْجاً وَفَوْجاً أَبْداً  
كَمَثَلِ مِرَاةٍ تَنْتَشَشْتُ بِهَا  
وَأْتَفَقْتُ أَنْ شَاهَدْتُ نَفْسُ رَكَتُ  
عَنِ مُتَخَيَّلَاتِهَا بِمَا لَهَا  
فَأَنْعَكَسَتْ تِلْكَ إِلَى حَوَاسِبِهَا  
فَأَنْعَكَسَتْ مِنْ عَالَمِ الْحِسِّ لَهَا  
إِلَى حِمَى تَخْيِيلٍ فَشَاهَدْتُ  
نَاجَتْ وَكَلِمَتْ كَمَا أَتَى النَّبِيُّ  
أَوْ سَمِعَتْ أَلْفَاظَهَا مَنْطُوقَةً  
أَوْ أَنْجَلَى الْعَيْنِيُّ مِنْ أَمْرِ لَهَا  
أَوْ أَنْ<sup>١٣٨</sup> تَرَءَى شَبَحاً<sup>١٣٩</sup> كَأَنَّهُ  
ذَوْ شَبَحٍ مُفَارِقٍ يَمْتَشِعُ  
مُجَرِّداً عَنِ لَازِمِ الْجِسْمِيَّةِ  
حَاكِي لَهَا أَحْوَالِ رُوحَانِيَّةِ  
كَمَا يُرَى إِدْرَاكُ مَسْمُوعٍ وَمَا  
صُورَةٌ أُذُنِهِ وَمَا عَيْنٌ رَأَتْ  
تِلْكَ الْقُوسِ الْإِنْسِيَّةِ الدَّرَاكَةَ  
قَدْ خَلَقَ اللَّهُ عَلَيَّ صُورَتِهِ  
مَا شَبَّحَ إِلَّا وَظَلُّ النُّورِ مِنْ

مُحْيِيَّةً لِيَالِي الدَّاجِرَةِ  
هَآوِيَّةِ الْأَبْدَانِ حَتَّى ازْتَفَت  
إِلَى الْمَعَالِي سِدْرَةَ الْفَوْقِيَّةِ  
تَفَوُّزُ بِالْعِرْفَانِ قَدْ تَلَقَّتْ  
فِي الْأَنْفُسِ الْعُلُويَّةِ الرُّكِّيَّةِ  
فِي عَالَمِ الْفَسَادِ وَالْكُونِيَّةِ  
فِي نَوْمِهَا أَوْ ائْتَجَلْتُ فِي الْيَقْظَةِ  
فِيهَا ذُؤُوبُ التُّقُوشِ مِنْ قَابِلَةِ  
وَازْتَسَحَّتْ مِنْ صُورٍ فُؤِبِلَتْ  
أُمُورَهَا عَقْلِيَّةً تَحَاكَّتْ  
مِنْ صُورٍ تَنَاسَبَتْ بِالنَّسْبَةِ  
أَيَّ حَسِّهَا الْمُسْتَرْكِ الْحَاوِيَّةِ  
مِنْ صُورٍ مُخْتَلِفِ الْكَيْفِيَّةِ  
أَشْبَاحَهَا فِي صُورٍ عَجِيْبَةِ  
جَبْرِيْلُهُ فِي صُورَةِ الدَّجِيَّةِ  
كَمَا أَتَى النَّبِيُّ مِنْ صَلَاطَةِ  
تَرَاهُ فِي مِرَاتِهَا النَّفْسِيَّةِ  
يَصْعَدُ أَوْ يَنْزِلُ مِنْ ذِي صُورَةٍ  
عَلَيْهِ أَنْ يَصْعَدُ أَوْ فِي نُزُلَةٍ  
بَلْ شَبَّحَ ظِلُّ لِحْجَمَانِيَّةِ  
مُخْتَفِيّاً إِلَّا عَلَى الرَّاسِخَةِ  
بِمُبْصَرٍ حَاكَاهُمَا مَا وَعَت  
بَلِ الصِّفَاتِ السَّبْعِ مِمَّا حَاكَتْ  
وَتِلْكَ حِكْمَةٌ مِنَ الْبَالِغَةِ  
أَدَمٍ مِنْ لَطَائِفِ الْإِشَارَةِ  
مُجَرِّداً كَذَا جَمِيعُ الصِّفَةِ

<sup>١٣٧</sup> . ن: - ما.

<sup>١٣٨</sup> . ن: حتى (- أو أن).

<sup>١٣٩</sup> . ن: شبح.



فيه ظلالٌ من صفاته التي      في ذلك النور لروحانيّة  
وجُمْلَةُ الأجسامِ والصفاتِ من      ظلالٍ أربابٍ لها نورية  
فكانت الأنوارُ أينما تضيءُ      ظلالٌ نورِ الله من عينيّة  
ثمّ الصفاتُ استهلكت في ذاته      في كثرة المظاهر الكونيّة  
فاستتجت<sup>١٤٠</sup> من هذه العوالمِ      ظلالٌ نورِ الله بالكليّة

### فصلٌ في المنامات والطرب

أما المناماتُ التي قد صدقتُ      أيضاً محاكاةً<sup>١٤١</sup> من الخائنة  
يُشاهدُ النفوسُ في فراغها      عن سُغْلِها معانيّاً قد خالت  
ثمّ تلقّاها<sup>١٤٢</sup> حوتَ مرئيّةً      بالصُّورِ المحسوسة الظاهرة  
وغيرها أضغاثُ أحلامٍ فمن      وسأوس الشيطان والدّابة<sup>١٤٣</sup>  
وما لها نفعٌ يرى ما اشتملتُ      على هنيئاً فإئدةً فكريّة  
قد طربتُ أنفُسُ من تألّوها      طرباً أتى من جنّةٍ عالية  
قدسيّةً لا من أمورٍ سفلتُ      لآوازم الأبدان والصيصيّة<sup>١٤٤</sup>  
فيسرقُ الحَقُّ عليها النورَ من      ما ليس من ذي صورةٍ عقليّة  
بل من شعاعِ القدس في أنفُسِ من      تألّوها فشاهدوا في جلوة  
أتمّ في ظهورها من مبصرٍ      يرى من المحسوسِ بالظهيّة<sup>١٤٥</sup>  
وقد جلى في جسده المشتبكِ      نورٌ سنا أنورٍ من شمسيّة  
ذلك نورٌ فأبصُرُ يكونُ من      إكسبيرِ علمه كفيلِ القُدرة  
أفاد من علومه ما يعجزُ<sup>١٤٦</sup>      عنها البيان واضح العبارة  
فقام قادراً به في قُدرة      خارجة عن طاقّة النوعيّة  
خاضعةً لهُ العناصرِ ربيّةً      مُدعنةً لأمره بالجملّة

<sup>١٤٠</sup> . ن: فاستتجت.

<sup>١٤١</sup> . ن: محاكات.

<sup>١٤٢</sup> . ن: تلقّاها.

<sup>١٤٣</sup> . (ح): أي مزاجه.

<sup>١٤٤</sup> . اصل، ن: الصّبيضة.

<sup>١٤٥</sup> . ن: وقت الضحوة.

<sup>١٤٦</sup> . ن: يفجر (٤).

### تمثيل

لَمَّا رَأَيْتُمْ قَطْعَةَ الْحَدِيدِ فِي  
تَفَعَّلُ مِثْلَ مَا يُرَى قَدْ فَعَلْتُ  
فَلَا تَعَجَبَنَّ مِنْ نَفْسِ زَكَّاتٍ  
تُجَلَّى بِنُورِ اللَّهِ أَنْ أَطَاعَهَا  
لِزُمْرَةِ الْقُدْسِيَّةِ الْعَالِيَةِ  
مِنْ جُمْلَةِ الْمُسْتَشْرِقِينَ النَّوْرَ إِذْ<sup>١٤٧</sup>  
قَوْمٌ تَأَلَّهُوا وَجُوهَهُمْ إِلَى  
مُلْتَمِسُوا النَّوْرَ تَجَلَّى لَهُمُوا  
هِدَايَةَ اللَّهِ لِأَدْرَكَتْ ذَوِي  
أَيْدِيَهُمْ مُنْتَظِرِي<sup>١٤٨</sup> الْأَرْزَاقِ مِنْ  
فَانْفَتَحَتْ أَبْصَارُهُمْ قَدْ وَجَدُوا  
مُرْتَدِيًا بِالْكَبْرِيَاءِ الْقَاهِرِ  
تَحْتَ شُعَاعِهِ قُورِيمَ<sup>١٤٩</sup> قَدْ صَفَّوْا<sup>١٥٠</sup>

أَنْ جَاوَزَتْ نَارًا بِهَا تَلَطَّطَتْ  
تَشَبُّهًا بِالنَّارِ ذَاتِ الْحَرَقَةِ  
وَأَسْتَشْرِقَتْ فَاعِلَةَ الْإِنَارَةِ  
مَجْمُوعَةُ الْأَكْوَانِ مِثْلَ الطَّاعَةِ  
طَوْعًا لَهَا لِقُدْرَةِ جَارِيَةِ  
مِنْ مَلَأَ الْأَعْلَى قَدْ اسْتَمْتَصَتْ  
أَبْيَهُمُ الْمُقَدَّسِ اسْتَمْتَصَتْ  
سَنَا جَلَايَا الْقُدْسِ مِنْ عَالِيَةِ  
فَضْلًا تَلَّ صَّافِيَةً بِاسِطَّةِ  
نَحْوِ السَّمَاءِ رَازِقِ التَّوْرِيَةِ  
مَوْلَاهُمْ اللَّهُ جَلِيلِ الْمِنَّةِ  
بِاسْمِ عَلَى الدَّائِرَةِ الْعَقْلِيَّةِ  
إِنْتَظَرُوا إِلَيْهِ مِنْ نَاصِرَةِ

### فصل في النبوات والتأويل والبيان

تَبَصَّرُوا وَأَعْتَمِدُوا صِحَّةَ مَا  
تِلْكَ كَمَالٌ بَارِعٌ مُطَّلِعٌ  
بِالْأَنْفُسِ الْإِنْسَانِيَّةِ الْكَامِلَةِ  
تَأَيَّدَتْ مِنْ عَالَمِ النَّوْرِ بِمَا  
مَأْمُورَةٌ مِنْ مَلَأَ الْأَعْلَى لِأَنَّ  
مُمْكِنَةٌ تِلْكَ وَمَا وَاجِبَةٌ  
أَمْثَالُهُمْ مِمَّا أَتَتْ وَارِدَةٌ  
إِلَى حَقَائِقِ كَمَا فِي الْمُصْحَفِ  
أَيْضًا كَمَا أَنْذَرَ بَعْضُ مُخْبِرًا

أَتَى مِنَ اللَّهِ مِنَ النَّبُوءَةِ  
عَلَى حَقَائِقِ مِنَ الْخَصِيصَةِ  
بِالْمَلَكَاتِ الْخُلَّةِ الْفَاضِلَةِ  
يُعْجِزُ عَنْهَا الْإِنْسَانُ مِنْ خَارِقَةِ  
يُكَمِّلُوا سِيَاسَةَ النَّوْعِيَّةِ  
بَلْ جُودٌ جَوَادٍ وَسَيِّعُ الرَّحْمَةِ  
عَلَى لِسَانِهِمْ لَفِي إِشَارَةِ  
نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ مِنْ عَاقِلَةٍ<sup>١٥١</sup>  
مِنْ النَّبُوءَاتِ فَإِنْ أُرِيدَتْ

<sup>١٤٧</sup>. ن: - إذ.

<sup>١٤٨</sup>. ن: منتظروا.

<sup>١٤٩</sup>. (ج): أي العقول والنفوس الفلكية (شرحه).

<sup>١٥٠</sup>. ن: - قد صفوا.

أَفْتَحْ فَاهِي ذَاكِرَ الْأَمْثَالِ مِنْ  
أَقُولُ فَالْتَّنْزِيلُ مَوْكُولٌ إِلَى  
مِنْ صُورَةٍ<sup>١٥٢</sup> كَانَتْ أَوْ الْمَعْنِيَّةِ  
أَمَّا الْبَيَانُ مُوضِحاً مَوْكُولٌ مَنْ  
عَنْ حُجُبِ صُورِيَّةٍ بَادِيَّةٍ  
أَي رُوحَهُ الْأَقْدَسُ وَالْفَارِ قُلُطَا  
فَأَظْهَرَ الْوِلَايَةَ الَّتِي جَلَّتْ  
قَدْ أَنْذَرَ الْمَسِيحُ إِنِّي ذَاهِبٌ  
لَسْتُ عَلَيْكُمْ أُمَّتِي فَارْقُلُطَا  
قَدْ أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيَّ وَأَسْمُهُ  
مُرَادُ عَيْسَى أَنَّهُ سَيِّدُنَا<sup>١٥٤</sup>  
نَشَأْتُهُ أَنْهَى مَرَاتِبَ بِهَا  
فِي كَشْفِ اسْتَارِ عَنِ الْحَقَائِقِ  
عَلَى ضِيَا النَّبُوءَةِ الْعَلِيَّةِ  
مَحْمُولَةً مَرغُوبَةً فِي صُورِ<sup>١٥٦</sup>  
فَقَدْ رُويَ أَتَيْتُكُمْ بِالسَّهْلَةِ  
مِنْ ثَمَّ حَتَمُ<sup>١٥٧</sup> اللَّهُ لِلنَّبُوءَةِ  
وَمَا بَقِيَ مِنْ بَعْدِهِ نُبُوءَةٌ  
لَكِنْ تَمَامُ الْكَشْفِ عَنِ حَقَائِقِ  
تَأَخَّرَتْ عَنْ عَصْرِهِ مَصْلِحَةٌ  
سَيُرْفَعُ النَّقَابُ عَنْ جَمَالِهَا

حَقَائِقِ فِي كِسْوَةِ الْأَمْثَالَةِ  
جُمْلَةً أَنْبِيَاءَ فِي مَصْلِحَةِ  
لَيْسَتْ تَفِيدُ الْكُلَّ حَسَبَ الْقُوَّةِ  
مُظْهِرُ أَسْرَارِ خَبِثَتْ تَعَرَّتْ  
سُهُولَةَ الْمَأْخُذِ لِلْبَرِّيَّةِ  
أَعْظَمُهُمْ فِي خُلَّةِ الْخَاتِمَةِ  
بِشَارَةً مِنْ بَاطِنِ النَّبُوءَةِ  
إِلَى أَبِي أَيُّكُمُ<sup>١٥٣</sup> بِالْجُمْلَةِ  
مَنْ أَظْهَرَ التَّأْوِيلَ لِلْخَلِيقَةِ  
إِسْمِي يُعَلِّمُ الْوَرَى ذَا الْأُمَّةِ  
خَاتَمُ رُسُلِ اللَّهِ وَ النَّبُوءَةِ  
قَدْ كَمَلْتُ سَعَادَةَ الرِّسَالَةِ  
قَدْ غَلَبْتُ مِنْهُ سَنَا الْوِلَايَةِ  
فَجَاءَ أَوْضَاعُ هُدَى<sup>١٥٥</sup> الشَّرِيعَةِ  
تَسَاهَلَتْ فِي غَايَةِ مِنْ رِقَّةِ  
السَّمْحَةِ الْبَيْضَاءِ فِي اللَّطَافَةِ  
جَلِيلَةَ النَّشْأَةِ عَلَيْهَا الْبِعْثَةِ  
أَصْلًا سَوَى كَرَامَةِ الْوِلَايَةِ  
أَوْضَاعِهِ النَّازِلَةِ<sup>١٥٨</sup> الْخَاتِمَةِ  
قَدْ إِقْتَضَى تِلْكَ كَمَالَ الْحِكْمَةِ  
فِي نَشْأَةِ الْفَارِ قُلُطَا النَّهَائَةِ

<sup>١٥١</sup> . ن: العاقلة.

<sup>١٥٢</sup> . ن: صورية (- من صورة).

<sup>١٥٣</sup> . اصل: أيكمو.

<sup>١٥٤</sup> . ن: نبينا.

<sup>١٥٥</sup> . ن: من.

<sup>١٥٦</sup> . ن: - في صور.

<sup>١٥٧</sup> . ن: حتم.

<sup>١٥٨</sup> . ن: النازلة.

لا شَكَ أَنْوَارُ الْعُلَى نازِلَةٌ  
أَكْرَمُ شُعَاعِ الْقُدْسِ قَدْ يَنْبَسِطُ  
أَعَزُّ طَرِيقِ الْحَقِّ قَدْ يَنْفَتِحُ  
بَابَ كَرِيمِ رُؤْفٍ<sup>١٥٩</sup> لَيْسَ عَلَيَّ  
إِغَاثَةَ الضَّارِعَةِ الْمَلْهُوفَةِ  
عَلَى نُفُوسٍ مِنْ ذَوِي الرُّغُوبَةِ  
لِلدَّائِمِ الْمُقْرَاعِ عَالِي الْهَمَّةِ  
فِي وَضْعِهِ بِمُسْكَ الْكِرَامَةِ

### خاتمة الهياكل السبعة في بيان التناسخ

دَعَى الْمِرْزَاجُ الْبَرَزَخِيَّ الْمُقْتَضِي  
نُوراً كَمَالِ الْإِنْسَانِ أَيْ حَيَاتِهِ  
لِأَنَّهُ اقْتَضَى لَهُ وُجُودَهُ  
أَيْضاً لَهُ مِنْ نَظَرٍ فِي فَوْقِهِ  
صِيصِيَّةً<sup>١٦١</sup> لِنُورِهِ<sup>١٦٢</sup> الْمُدَبَّرِ  
مُبَيِّنٍ أَنْوَارَهُ عَارِضَةً  
وِعَاوُهُ قَدْ اِحْتَوَى آثَارَهُ  
مُعَسَّكراً مَجْلَى قُورِهِ جَامِعٍ  
ثُمَّ الْقُوَى الْمُظْلِمَةَ الْجِسْمِيَّةَ  
قَدْ عَشَقَتْ وَشَبَّتْ أَذْيَالَهُ  
مِنْ عَالَمِ التَّوْرِ إِلَى عَالَمِهَا  
فَأَسْتَوَطَنَ الْبَرَزَخَ قَدْ صَارَتْ لَهُ  
صِيصِيَّةً<sup>١٦٥</sup> الْإِنْسَانِ مِمَّا خُلِقَتْ  
تَجَلُّو بِهَا الْأَفْعَالُ مِنْ فُنُونِهَا  
لِذَا أَتَتْ أَوَّلَ مَنْزِلٍ بِيَدِي  
وَبَابِ أَبْوَابِ الْحَيَاةِ وَالْتَمِي  
مِنْهَا انْتِقَالُهُ إِلَى صِيصِي<sup>١٦٦</sup>

بِمَا لَهُ اسْتِعْدَادُ بَرَزَخِيَّةٍ  
لَهُ إِلَى صِيصِيهِ<sup>١٦٠</sup> مِنَ الْفَعْلِ  
مُؤَاوِلاً مِنْهُ إِلَى اسْتِرَاحَةٍ  
لِيَكُونَ لَهُ نُوراً مِنَ الْفَوْقِيَّةِ  
مُظَهَّرُ أفعالٍ لَهُ صَادِرَةٌ  
مِنْ رُوحِي الْحَيَوَانِ وَالنَّفْسِيَّةِ  
رُوحِيَّةً كَانَتْ مَعَ الْجِسْمِيَّةِ  
تِلْكَ الْقُوَى كُلاًَّ بِهَا<sup>١٦٣</sup> قَدْ حَلَّتْ  
لَمَّا أَحْبَبَتْ نُورَهَا وَالتَّفَّتِ<sup>١٦٤</sup>  
فَجَذَبَتْ إِيَّاهُ حَقَّ الْجَذْبَةِ  
مُنْقَطِعاً عَنِ عَالَمِ التَّوْرِ  
مَنْزِلُ الْأَجْسَامِ دَارَ الْهَجْرَةِ  
فِي أَحْسَنِ التَّمْوِيمِ تَامَ الْخَلْقَةِ  
مِزَاجُهَا مِنْ أَعْدَلِ الْأَمْرِجَةِ  
لِلتَّوْرِ فِي عَالَمِ عُنْصُرِيَّةِ  
حَيْثُ بِهَا أَبْدَانُ بَرَزَخِيَّةِ  
مِنْ كُلِّ حَيَوَانٍ مِنَ الْقَابِلَةِ

<sup>١٥٩</sup> . (ح): بلا إشباع كما في بعض القرائات.

<sup>١٦٠</sup> . اصل، ن: صِيصِيهِ.

<sup>١٦١</sup> . اصل، ن: صِيصِيَّهُ.

<sup>١٦٢</sup> . ن: لِنُورِ.

<sup>١٦٣</sup> . ن: به.

<sup>١٦٤</sup> . ن: والتفت.

<sup>١٦٥</sup> . اصل، ن: صِيصِيَّة.

<sup>١٦٦</sup> . اصل، ن: صِيصِيَّة.

لِذَلِكَ النُّورِ<sup>١٦٧</sup> الْمُدَبِّرِ الْمُنَاسِبِ  
فَكُلُّ حَيَوَانٍ لَقِيَ حَيَاتَهُ  
حَيَاتُهَا قَاطِبَةً لَيْسَتْ سِوَى  
أَوْتٍ إِلَى أُبْدَانِهَا حَيَّتْ بِهَا  
فَأَسْتَتَجَّتْ أَنْ لَيْسَ حَيَوَانٌ سِوَى  
وَاسْتَتَجَّتْ أَيْضاً مُدَبِّرَاتُهَا  
فِي خُلُقِهِ وَخَلْقِهِ مِنْ هَيْئَةٍ  
فَمِنْ حَيَاةِ الصَّيْصِيَةِ<sup>١٦٨</sup> الْإِنْسِيَّةِ  
نُفُوسِ إِنْسَانِيَّةٍ نَاسِخَةٌ  
قَامَتْ بِهَا عَازِمَةً لِلنَّقْلَةِ  
نُفُوسِ إِنْسَانٍ مِنَ النَّاطِقَةِ  
نَاطِقَةُ الْإِنْسَانِ مِنْ مَسْوُوحَةٍ

### فصل في كيفية التناسخ وسببه

فَأَيُّ خُلُقٍ غَلَبَ النَّورَ الَّذِي  
وَأَيُّ هَيْئَةٍ تَمَكَّنَتْ بِهِ  
يُوجِبُ أَنْ يَنْتَقِلَ التَّوْرُ لَدِي  
تَنَاسَبَتْ يَنْزِلُهَا وَفُتِقَ التَّي  
مِنْ كُلِّ حَيَوَانٍ يُرَى يُخَالِقُ  
حَرِيصُهُمْ فِي هَيْكَلِ الْخَنْزِيرِ أَوْ  
أَصْبَحَ مُظْلَمًا فَبَاشَتْ تِياقِهِ  
قَدْ جَذَبَتْ إِيَّاهُ سَرْعَانُ إِلَى  
إِذْ لَمْ يَكُنْ أَهْلًا خَلَى عَنْ بَدَنِ  
وَلَا بِقَابِلٍ لِتَرْقَى عِنْدَ مَا  
فَلَمْ يَكُنْ يَبْقَى لَهُ شَيْءٌ سِوَى  
مُدَبِّرِ الْإِنْسَانِ مِنْ رَدِيَّةٍ  
تُرْدِي مِنَ الْغَاشِيَةِ الْمُظْلِمَةِ  
فَسَادَ جِسْمِهِ إِلَى صَيْصِيَّةٍ<sup>١٦٩</sup>  
هَيْئَتُهُ فِي شَيْمَةٍ<sup>١٧٠</sup> الرَّدَاءَةِ  
إِيَّاهُ فِي أَخْلَاقِهِ الْوَاهِيَّةِ  
سَارِقُهُمْ فِي الْهَيْئَةِ الْفَارِيَّةِ  
إِلَى دَوَاعِي عَالَمِ الْغَيْبَةِ  
بِهَائِمٍ مِنْهَا عَلَى جِهَالَةٍ  
فَيُسْتَرِيحُ عَنْ بِلَا عَلاَقَةٍ  
فَارَقَ جِسْمَهُ إِلَى الْعَالِيَةِ  
بُطُونِ حَيَوَانَاتِهِ النَّكَسَةِ

### فصل في بيان أن لا ينتقل التَّوْرُ من الحيوان إلى الإنسان

أَعْلَى مِزَاجِ الْكُلِّ مِنْ ذِي شَرَفٍ  
فَهِيَ الْجَدِيدَةُ الَّتِي<sup>١٧٢</sup> أَوْلَى بِأَنْ  
إِسْفَهَبْدِيًّا مِنْ ضِيَاءِ الْقَاهِرِ  
لَيْسَ سِوَى الصَّيْصِيَّةِ<sup>١٧١</sup> الْإِنْسِيَّةِ  
تَقْبَلُ مِنْ فُيُوضِنِهِ الْجَدِيدَةَ  
مِنْ الْعَتِيْقِ حَقِّ حَيَوَانِيَّةِ

<sup>١٦٦</sup> . اصل، ن: ضياضيء.

<sup>١٦٧</sup> . اصل: - النور.

<sup>١٦٨</sup> . اصل: الضيضةء؛ ن: الضيضة.

<sup>١٦٩</sup> . اصل، ن: ضَيْصَنَّة.

<sup>١٧٠</sup> . ن: شَيْم.

<sup>١٧١</sup> . اصل، ن: الضَيْصَنَّة.

فَلَيْسَ مِنْ مُنْتَقِلِ شَيْءٍ إِلَى  
لِأَنَّهَا اسْتَدَعَتْ مِنَ الْوَاهِبِ مِنْ  
إِنْ قَارَنَ الْمُسْتَسْخِخَ الْمَنْقُولَ مِنْ  
إِجْتَمَعَتْ فِي وَاحِدِ الْإِنْسَانِ مِنْ  
وَهُوَ مَحَالٌ لَمْ يَقَعْ تَقْرِيرُهُ  
مِنْ صَامِتٍ إِلَى ذَوِي نُطْقٍ يُرَى  
وَالْتَالِ<sup>١٧٦</sup> بِاطِّلَ كَذَا الْمُقَدَّمُ  
مَا لَزِمَتْ مِنْ طَلَبِ الصِّيغَةِ<sup>١٧٧</sup>  
مَدْبَرًا مَا دُونَهَا الصَّامِتَةُ  
فَبَانَ لِلْأَشْرَفِ نَوْرَ الْفَارِقِ

ضَيْضُئِهِ مِنْ جُمْلَةِ الصَّامِتَةِ  
نَوْرٍ مُدْبِرٍ مِنْ<sup>١٧٣</sup> الْأَصِيلَةِ  
بَعْضِ صَوَامِتٍ مِنَ الْبَهِيمَةِ  
نَفْسِينَ كَانَ الْكُلُّ مِنْ دَرَاكَةِ  
لَوْ كَانَ لِلْإِسْفَهْدِ<sup>١٧٤</sup> مِنْ نُقْلَةٍ  
نَفْسَانِ فِي صِيغَةِ<sup>١٧٥</sup> وَاحِدَةٍ  
وَلَيْسَ نَظْمِي مَنَهَلِ الْإِطَالَةِ  
لِلْإِنْسِ مِنْ نَوْرِ مِنَ الْقَاهِرَةِ  
أَيْضًا لَهَا خَصَائِصُ النَّاطِقَةِ  
وَلِلَّسْوَى أَنْوَارُ إِنْسَانِيَّةِ

#### فصل في بيان التناسخ بنوع من التفصيل وما تعلق به

لِكُلِّ هَيْئَةٍ بَدَتْ زَدِيَّةً  
مِنْ هَيْكَلِ أَيْ بَدَنٍ خُصَّ بِهِ  
فَنَاسَبُوا<sup>١٧٨</sup> أَبْدَانَ أَسَدٍ مِنْ خَشُوا  
كَذَا مُحَاكَاةَ مَعَ السُّخْرِيَّةِ  
وَالْقَتْلُ فِي سَلْبٍ مَعَ اللَّصُوصِ مِنْ  
وَالْعُجْبُ لِلطَّاءِ وَالْحَرِيصُ فِي  
لِكُلِّ بَابٍ جُزْؤُهُ الْمَقْسُومُ مِنْ  
فَكُلُّ خُلُقٍ شَدَّ مِنْ مَذْمُومَةٍ

لِكُلِّ خُلُقٍ حَلَّ مِنْ مَذْمُومَةٍ  
كَمَنْ تَكَبَّرُوا مَعَ الشَّجَاعَةِ  
قَدْ<sup>١٧٩</sup> نَاسَبُوا الْأَبْدَانَ مِنْ تَعَلُّبَةٍ  
تُنَاسِبُ الْأَبْدَانَ زِيَّ الْقِرْدَةِ  
مُشَاكِلِ الصِّيَاصِي<sup>١٨٠</sup> الذَّنِيَّةِ  
شَهْوَتِهِ أَبْدَانَ خِنْزِيرِيَّةِ  
صِيَاصِي<sup>١٨١</sup> مَقْسُومَةٍ مَدْخُولَةٍ  
أَوْ مِنْ ضَعِيفَةٍ إِلَيْهِ أَنْضَمَّتْ

<sup>١٧٢</sup> . ن: التي اجدها (- الجديرة التي).

<sup>١٧٣</sup> . ن: لها.

<sup>١٧٤</sup> . ن: للإسْفَهْدِي.

<sup>١٧٥</sup> . اصل: ضَيْضُئَةٍ؛ ن: ضيفته.

<sup>١٧٦</sup> . ن: والتالي؛ به ضرورت شعري به صورت «والتال» نوشته شده است (م).

<sup>١٧٧</sup> . اصل، ن: الضَّيْضُئَةُ.

<sup>١٧٨</sup> . ن: قد ناسبوا.

<sup>١٧٩</sup> . ن: هم.

<sup>١٨٠</sup> . اصل، ن: الصِّيَاصِيء.

<sup>١٨١</sup> . اصل، ن: صِيَاصِيء.

باقية الأخلاق من محمودية  
اختلفت تعلق النفوس من  
كالحرص مخصوصاً بحيوان يرى  
دون سواه أو من الأفراد من  
فاستخرجوا بهذه القانون من  
أو ضدها قوية ضعيفة  
موصوفة بخلقها المخصوصة  
مؤافقاً في خلقه الدائمة  
نوع توافقاً عدا الباقية  
تناسخ النفوس بالكائية

### فصل في الرد علي المشائين

#### القائلين بعدم الموافقة بين الكائنات والفسادات

ما قيل ليست عدد الكائنة  
إظنبت للعدد الفاسدة  
فباطل لأن أنواراً ذوي  
طويلة كثيرة تدرجت  
تعلقت بأعظم الأبدان من  
تنزلت عن الذي أعظمها  
حتى تزول عنه تلك الهيئة  
صيصية<sup>١٨٥</sup> توافق في شأنها<sup>١٨٦</sup>  
في قوة تدرجاً حتى فننت  
إذا زككت فاتصلت بعالم  
صواجب الحرص القوي ما لحقت<sup>١٨٨</sup>  
حتى تفارق الكثير من ذوي  
أبدانها من كل حيوانية  
من عدد الصياصي<sup>١٨٢</sup> الإنسية  
تدبيرها تصرف في مدة  
نازلة<sup>١٨٣</sup> فيها على كيفية  
فرد من الحيوان قد وافقت  
إلى أوسط مع السفلة<sup>١٨٤</sup>  
وبعد تعلقت بهيئة  
تكون<sup>١٨٧</sup> من تالية ثانية  
عنها جميع الهيئة الرديئة  
من العوالي عالم العقلية  
بعالم الصياصي<sup>١٨٩</sup> النملية  
هيئات حرص قبلها شديدة

<sup>١٨٢</sup> . اصل، ن: الضباضيء.

<sup>١٨٣</sup> . اصل: ناذلة؛ ن: نارلة.

<sup>١٨٤</sup> . ابن بيت در حاشيه ذكر شده است و در متن رساله، بيت زير درج شده است و روى آن خط خورده است:

تنزلت من أعظم إلى الذي أوسطها ثم إلى السفلية.

<sup>١٨٥</sup> . اصل: صه يضة؛ ن: بضضيء.

<sup>١٨٦</sup> . ن: توافقاً رداءة (- توافق في شأنها).

<sup>١٨٧</sup> . ن: يكون.

<sup>١٨٨</sup> . اصل: ما لحقوا.

<sup>١٨٩</sup> . اصل، ن: الضباضيء.

تِلْكَ لَهَا مِنْ طَبَقَاتِ النَّارِ قَدْ تَفَاوَتَتْ خِزْيِرُهَا عَنِ نَمْلَةٍ  
تَزَّرَلَتْ فِيهَا بِتَدْرِيجٍ إِلَى أَنْ دَخَلَتْ فِي نَمْلَةٍ أَوْ ذَرَّةٍ  
تُمْ إِلَى أَصْغَرَ حَتَّى أَنْ أَتَى إِلَى مَنْازِلِ الْجِنَانِ فَارْقَتْ  
عَنِ عَالَمِ الْفَسَادِ بِالْكُلِّيَّةِ

### فصل في دفع صعوبة الانطباق بين الفاسدات والكائنات

لَا يَرْتَقِي مِنْهَا إِلَى الْإِنْسَانِ مَنْ مِنْ إِنْطِبَاقِ الْعَدَدِ الْقَلِيلَةِ  
شَيْءٍ فَيَقْتَضِي مِنَ الصُّعُوبَةِ عَلَى صَيَاصٍ<sup>١٩١</sup> عُمُرُهَا قَلِيلَةٌ  
مِنْ الصِّيَاصِيِّ<sup>١٩٠</sup> عُمُرُهَا قَدْ طَالَتْ أَعْدَادُهَا جِدًّا مِنْ الْكَثِيرَةِ  
مِثْلَ الذُّبَابِ وَالْبَعُوضِ وَالَّتِي لَوْ جَارَ تَقْلُهَا إِلَى الْإِنْسَانِ قَدْ  
أَكْثَرَ أَعْدَادًا مِنْ الْمَوْجُودَةِ<sup>١٩٣</sup> قَدْ يَنْقُصُ الْعَلَائِقُ النَّفْسِيَّةُ  
مِنْ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْبَلِيَّةِ

### فصل لكل مرتبة ولكل قوم من الإنسان

#### أمة من الصوامت نُقِلَتْ إِلَيْهَا بَعْدَ الْمَوْتِ

لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْمَرَاتِبِ أَكْبَرَ أَوْ أَصْغَرَ أَوْ وَسَطَهَا  
نُلْقَاهُ فِي الْإِنْسَانِ مِنْ صِفَةِ وَاحِدَةِ الْحَيَوَانِ قَدْ تَسَاوَتْ  
إِيَّاهُ فِي أَخْلَاقِهِ وَالْهَيْئَةِ تَشَاكُلًا فِي هَذِهِ الْمَرْتَبَةِ  
لِكُلِّ قَوْمٍ مِنْ ذَوِي صِنَاعَةٍ مِنْ أُمَّةٍ نَوْعٍ مِنَ الصَّامِتَةِ  
تُشَبِّهُهَا خُلُقًا وَفِي مَعِيشَةٍ فَبَعْدَ مَوْتِهِمْ إِلَيْهَا آوَتْ  
حَلَّوْا<sup>١٩٤</sup> عَلَى أَكْبَرِهَا تُمْ الَّتِي أَوْسَطَهَا تُمْ الَّتِي قَدْ قَفَّتْ  
دَامَتْ عَلَى أَرْوَمِنَةٍ تَطَاوَلَتْ حَتَّى رَكَتْ<sup>١٩٥</sup> عَنِ شِقْوَةِ حَابِسَةِ

<sup>١٩٠</sup> . اصل، ن: الضباضي.

<sup>١٩١</sup> . اصل، ن: ضياض.

<sup>١٩٢</sup> . اصل: الفاسدة.

<sup>١٩٣</sup> . اصل: الكائنة.

<sup>١٩٤</sup> . ن: حلت.



## فصلٌ في الردِّ علي القائلين

### بعدم موافقة وقت الفاسدات بوقت كون الكائنات

قِيلَ فَلَا<sup>١٩٦</sup> يَلْزَمُ أَنْ يَتَّصِلَا      وَقَتُ فَسَادِ الصَّيْصِيِّ<sup>١٩٧</sup> الْإِنْسِيَّةِ  
بِوَقْتِ كَوْنِ الصَّيْصِيِّ<sup>١٩٨</sup> الصَّامِتَةِ      لَيْسَ مُوجَّهًا وَمَا بِالصَّحَّةِ  
إِذِ الْأُمُورِ انْضَبَطَتْ<sup>١٩٩</sup> بِهَيْئَةٍ      مَضْبُوتَةٍ<sup>٢٠٠</sup> الْأَفْلَاكِ فِي غِيَابَةِ  
عَمَّا لَعَلَّهَا تَطَابَقَتْ بِمَا      أَوْجَبَ قَانُونُ مِنَ الْعِنَايَةِ  
لَمْ تَطَّلِعْ عَلَيْهِ سِرًّا قَدْ أَبَى      أَنْ حَلَّ فِي أَفْهَامِ تَرْبِيئَةٍ  
كَمَا يُرَى مِنْ ذَلِكَ الْقَانُونِ مِنْ      خَسَارَةٍ لِلْبَعْضِ فِي تَجَارَةِ  
وَرُبِحَ بَعْضٌ لَمْ يُعْطَلْ مَا لَهُمْ      كَذَلِكَ فِي مَوْتِ بَعْضٍ مَا تَت  
حَيَاةً بَعْضٌ لَمْ تَكُنْ تَعَطَّلَتْ      نُفُوسُهُمْ مِنْ بَعْدِ أَنْ فَارَقَتْ  
مِنْ بَيْنِ كَلْتَا الْبُنْيَيْنِ عُلِّقَتْ      وَانْدَفَعَتْ وَعَنْهُمَا ذُبُذِبَتْ

### فصلٌ في جواز النقل من حيوان إلى آخر من نوعه

وَرُبَّمَا هُمْ جَوْرُوا انْتِقَالَهَا      فِي غَيْرِ إِنْسَانٍ مِنَ الشَّخْصِيَّةِ  
إِلَى سِوَاهُ نَوْعِهِ مِثَالُهُ      مِنْ فَرَسٍ نَقْلًا إِلَى شَاكِلَةٍ  
مِنْ فَرَسٍ مَا لَمْ يَكُنْ تَنَازِحُ      كَمَا يَكُونُ ذَلِكَ فِي الْإِنْسِيَّةِ  
لَوْ كَانَ ذَا اسْتِعْدَادِ قَيْضِ الْفَارِقِ      كَمَا يَكُونُ الْإِنْسُ مِنْ قَابِلَةِ  
لَمَا يَجُوزُ النَّقْلُ إِذْ مِنْ فَرَسٍ      إِلَى سِوَاهُ لِلتَّزَامِ دَعَتْ  
إِلَى مُحَالٍ قَدْ يُرَى نَفْسَانِ فِي      بُنْيَةِ حَيَوَانٍ مَعًا وَاحِدَةٍ

### فصلٌ في مذهب الحكماء في التناسخ والانتقال

قَدْ أَجْمَعَتْ طَائِفَةُ الدَّرَايَةِ      عَلَى نَجَاةِ الْأَنْفُسِ الْكَامِلَةِ

<sup>١٩٥</sup> . ن: ذكت.

<sup>١٩٦</sup> . ن: ولا.

<sup>١٩٧</sup> . اصل: الضيضة؛ ن: الضيضة.

<sup>١٩٨</sup> . اصل: الضيضة؛ ن: الضيضة.

<sup>١٩٩</sup> . اصل: انظبطت.

<sup>٢٠٠</sup> . اصل: مضبوطة.

مِنْ بَعْدِ أَنْ فَارَقَتْ أَبْدَانَهَا  
تَنَالُ مِنْ يَهْجَتِهَا مَا لَا رَأَتْ  
وَعَيْرُهُمْ مِنْ مُتَوَسِّطِيهِمْ  
إِخْتَلَفُوا فِيهِمْ عَلَى مَذَاهِبِ  
شِرْذِمَةٍ قَلِيلَةٍ قَدْ ذَهَبُوا  
إِلَى امْتِنَاعِ الصَّرْفِ قَدْ قَالُوا فَلَا  
لِأَنَّهَا جَرْمِيَّةٌ دَامَتْ لَهَا  
أَوْ غَيْرِ حَيَوَانِيَّةٍ تَأْوَاهُ مِنْ  
رَدِّهَا بِأَنَّ النَّفْسَ إِنْ جَرْمِيَّةٌ  
عَنِ الْمَحَلِّ أَوْ أَرَادُوا أَنَّهَا  
بِلا خَلَاصٍ عَنِ بَطُونِ الْجُثْثِ  
قَدْ تَقْتَضِي إِيْصَالَ كُلِّهِمْ إِلَى  
جَرْمَانِهِمْ عَنِ فَيْضِ فَيَاضِهِمْ  
وَفَرْقَةٍ<sup>٢٠٦</sup> قَدْ جَوَّزُوا انْتِقَالَهَا  
مِنْ بَدَنِ الْإِنْسَانِ نَقْلًا إِلَى  
لَا غَيْرِهَا بِاقِيَّةِ التَّكَاسُفِ  
إِلَى حِمَارٍ نَوْعِهِ مِنْهُمْ عَلَى  
لِكِنْ بِشَرِطٍ لَمْ تَكُنْ خَارِجَةً  
مِنْهُمْ عَلَى جَوَازِهِ مِنْ بُنْيَانِ  
وَجَوَّزَتْ قَوْمًا إِلَى الْجَمَادِ هُمْ  
نَسَخًا وَمِنْ إِنْسٍ إِلَى الصَّوَامِ  
فَسَخًا وَفِي الْجَمَادِ رَسَخًا دَاوَلَتْ

فَاتَّصَلَتْ بِالْعَالَمِ التَّوْرِيَّةِ  
عَيْنٌ وَلَا أُذُنٌ صَعَتْ<sup>٢٠١</sup> مَا دَعَتْ<sup>٢٠٢</sup>  
أَوْ نَاقِصِيهِمْ كَاسِبِي سَعَادَةِ  
نَذَرُهُمْ<sup>٢٠٣</sup> فِي فَتْرَةِ الْقَرِيحَةِ  
مِنْ قُدَمَائِهِمْ مِنَ الرَّاعِمَةِ  
تَجَرَّدُ النَّفْسُ بَعْدَ الْمَوْتِ  
نُقُلَتْهَا فِي جِسْمِ حَيَوَانِيَّةِ  
جُمْلَةٍ أَجْسَامٍ وَجِسْمَانِيَّةِ  
انْطَبَعَتْ، فَأَمْتَعَتْ عَنِ نَقْلَةٍ<sup>٢٠٤</sup>  
تَجَرَّدَتْ فِي نَقْلَةٍ دَائِمَةٍ<sup>٢٠٥</sup>  
فَبَاطِلٌ إِذْ سَبَقَتْهُ الْعِنَايَةُ  
كَمَا لَهُمْ فَالْقَوْلُ بِالْدَائِمَةِ  
وَجُودِهِ جَمِيلَةَ السَّابِقَةِ  
كَمَا ذَكَرْنَا أَوْجُهَ الْكَيْفِيَّةِ  
ذِي بَدَنِ لِكِنْ مِنَ الْإِنْسِيَّةِ  
أَوْ مِنْ حِمَارٍ مَثَلًا نَاقِلَةَ  
جَوَازِهِ إِلَى سِوَى النَّوْعِيَّةِ  
عَنْ جُمْلَةِ الصَّامِتَةِ النَّكَسَةِ  
إِنْسِيَّةٍ نَقْلًا إِلَى النَّبِيَّةِ  
سَمُّوا مِنَ الْإِنْسَانِ فِي الْإِنْسِيَّةِ  
سَمَّوْهُ بِالْمَسْخِ وَفِي النَّبِيَّةِ  
تَعَارَفَتْ تِلْكَ مِنَ التَّسْمِيَةِ

<sup>٢٠١</sup> . ن: أي سمعت.

<sup>٢٠٢</sup> . ن: قد وَعَت.

<sup>٢٠٣</sup> . ن: تذكرها.

<sup>٢٠٤</sup> . اصل: ردوا بأن ذا الجرم مُنطبعاً إمتنع انتقاله بالمرّة (- ردوا بأن النفس ... عن نقلة).

<sup>٢٠٥</sup> . اصل: دائمة في النقلة (- في نقلة دائمة).

<sup>٢٠٦</sup> . ن: ففرقة.

صاحبُ إخوانِ الصِّفا مالٌ إلى  
 من هذه الأجسامِ فيها انتقلتُ  
 طويلاً أو قصُرتَ حتى فنتُ  
 فانتقلتُ إلى عوالمٍ<sup>٢٠٨</sup> العلى  
 ومذهبُ المشاءةِ امتناعُهُ  
 إذ اقتضتُ أمرجةَ الحيوانِ من  
 كما ذكرتمُ مثلهُ في الإنسِ لو  
 لكانَ نفسانِ على واحدةٍ  
 كلامُهُم ما وجبتُ صحتهُ  
 مقصورةً استعدادها بالمرّةِ  
 من هيكلِ الإنسانِ قد تصرّفتُ  
 قد أنكرَ المعلّمُ الأوّلُ في  
 قالوا وإن تجرّدتُ نفوسُهُم  
 في ظلمةِ الجهلِ على دهرٍ يرى  
 ما لهم نجاتُهُم إن لم يكن<sup>٢١٠</sup>  
 أو أبداً إن كان من شقوتهم  
 وقال أفلاطونُ فيمن قبله  
 كذلك أنبا ذقلسٍ وشيخهم  
 قد ذهبَ الكلُّ<sup>٢١١</sup> إلى التناسخِ  
 فقط أو الحيوانِ والنباتِ أو  
 على خلافٍ بينهم في رأيهم  
 تمسكتُ جماعَةً مُسلمةً

جَوازِ نَقْلِها<sup>٢٠٧</sup> إلى المَجْموعَةِ  
 في طبقاتِها على أزمِنَةِ  
 عنها بهارِ ذيلَةِ الجَريمَةِ  
 جناتِ عدنٍ منزِلِ الخالِدةِ  
 من بدنِ الإنسانِ في الصّامِتَةِ  
 نفوسٍ ما تصرّفتُ فارقةِ  
 إنتقلتُ إليه من أنسيّةِ  
 وهو محالٌ ليس من جائزةِ  
 إذ ممكِنٌ صياصي<sup>٢٠٩</sup> التاكِسةِ  
 على قبُولِ الأنفُسِ الفارقةِ  
 واستقلّتُ فيها فكالتقاهرةِ  
 أتباعه تناسخَ الجماعَةِ  
 تبقى لفي عذابها المكتوبةِ  
 وافقتُ رذائلَ الرديّةِ  
 أخلاقُهُم في غايَةِ الرِداءَةِ  
 ما أوجبَ الخلودَ بالشقاوةِ  
 سُقراطُ فيثاغورسَ بالنقلَةِ  
 إدريسَ والدا لهم في الحكمةِ  
 من بُنيّةِ الإنسِ لحيوانيّةِ  
 إليهم ما مع المعاديّةِ  
 وكلُّ واحدٍ مُولّي وجهه  
 في صحّةِ التناسخِ المرويّةِ

<sup>٢٠٧</sup> . اصل: نقله.

<sup>٢٠٨</sup> . ن: العوالم.

<sup>٢٠٩</sup> . اصل، ن: ضياضيء.

<sup>٢١٠</sup> . ن: لم تكن.

<sup>٢١١</sup> . اصل: ذهبت كل (- ذهب الكل).

بِالْوَحْيِ آيَاتٍ مِنَ الْكِتَابِ فِي صَارِيحَةِ الْأَخْبَارِ مِنْ وَارِدَةٍ  
آيَاتٍ مَسْخُوحَةٍ مِنْ نُصُوصٍ تَزَلَّتْ كَذَلِكَ الْأَخْبَارُ مِنْ أُدْلَةٍ

### فصل في أن الكائنات السفليات كلها منقوشة في الأفلاك

إِعْلَمْ جَمِيعَ الْكَوْنِ عُنْصُرِيَّةً مُصَوَّرًا فِي الْفَلَكِ الدَّوَّارَةِ  
كَمَا يُرَى مِنْ هُنَا أَشْكَالَهَا<sup>٢١٢</sup> فَكُلُّ إِنْسَانٍ بِكُلِّ الْهَيْئَةِ  
بَلْ كُلُّ حَيَوَانٍ كَذَا مَنقُوشَةٌ فِي الْفَلَكِ الْمُحْصِي عَلَى الْكَائِنَةِ  
مَا وَجِدُوا أَوْ يَوْجِدُونَ<sup>٢١٣</sup> انْتَشِسُوا قَدْ أُبْدِعَ الْأَفْلَاقُ مِنْ مَنقُوشَةٍ  
بِالْكَائِنَاتِ السَّافِلَاتِ قَدْ حَوَتْ فَلَمْ تُعَادِرْ نَحْوَ وَزْنِ الذَّرَّةِ  
وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الرُّبْرِ فَتِلْكَ الْأَوْحَاءُ لِمَنْ مُحْصِيَةٌ  
كُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَظَرٌّ فِي صُحُفِ الْوَاوِحَاءِ<sup>٢١٤</sup> الْمُحْفُوظَةِ<sup>٢١٥</sup>

### تكملة في ذكر رجال توجَّهوا إلى الله تعالى وما من الله عليهم به

فَمِنْ جَمِيلَةِ الْعِنَايَةِ الَّتِي قَدْ نُصِرَتْ بِهَا عَالِي الْهَيْئَةِ  
السَّابِقُونَ الْمُخْلِصُونَ اصْطَبَرُوا قَارِعَةً أَبْوَابَ عَلِيَا الْعُرْفَةِ  
أَنْ تَتَلَقَّاهُمْ<sup>٢١٦</sup> مُبَشِّرَاتُهُمْ مُشْرِقَةً أَمْلَاكَ رَبِّ الْعِزَّةِ  
حَيَّاهُمْ<sup>٢١٧</sup> التَّحِيَّةَ الْقُدْسِيَّةَ إِشْرَاقَهَا فَيَضَاءُ مِنَ الْعَقْلِيَّةِ  
صَبُّوا عَلَيْهِمْ مِنْ مِيَاهِ عَذْبَتِ مُفَجِّرُوا<sup>٢١٨</sup> عِيُونَهَا النَّصَّاحَةَ  
مِنْ عَالَمِ النَّوْرِ الَّذِي تَلَأَلَأَ مَطْلَعِ أَنْوَارِهِمُ الْفَائِضَةَ  
مِنْ مَنَبَعِ الْبَهَاءِ وَالْجَمَالِ مِنْ فُنُونِ عِرْفَانٍ لَهُمْ مُفَاضَةٌ  
لِيَطْهَرُوا فَإِنَّ رَبَّ الطُّولِ قَدْ يُحِبُّ طَاهِرًا مِنْ الْوَاوِدَةِ  
وَهُمْ ذَوُّوا بَصِيرَةَ تَعَرُّفُوا مُسَبِّحِي<sup>٢١٩</sup> الْفَيَّاضِ بِالْكَلِّيَّةِ

<sup>٢١٢</sup> . ن: أشكالها من ههنا (- من ههنا أشكالها).

<sup>٢١٣</sup> . اصل: توجدون.

<sup>٢١٤</sup> . اصل، ن: الواحهما.

<sup>٢١٥</sup> . ن: الحافظة.

<sup>٢١٦</sup> . ن: أن تتلقَّيهم.

<sup>٢١٧</sup> . اصل، ن: حَيَّيهم.

<sup>٢١٨</sup> . ن: مفجِّرِي.

أَلْسِنَةً أَفْنِدَةً فَدَاوُمُوا  
قَائِمَةً قَائِنَةً لِلَّهِ هُمْ  
نَاطِمٌ سَمِعٌ مِنْ شِدَادٍ أَيْنَ هُمْ  
عَنَاصِرٌ أَفْلَاكِهِمْ مِثَالِهِمْ  
لَمْ يُلْهِهِمْ عَنْ رَبِّهِمْ مُلْهِمَةٌ  
قَدْ أَكْتَسَوْا هَيَاكِلَ الْقُرْبَاتِ مِنْ  
نَاجُوا عَلَى اشْتِيَاقِهِمْ قَدْ صَاحَبُوا  
مُلْتَمَسِينَ الْفَكَ عَنْ أَسِيرِهِمْ  
مِنْ مُظْهِرٍ لُهُمْ وَمَوْجِدٍ بِهِمْ  
أُولِيكَ الْعَتِيقَةَ التَّاجِيَةَ  
قَدْ أَقْتَدُوا مُقَرَّبِي مَوْجِدِهِمْ  
قَدْ سَبَّحُوا جَاعِلَ شَمْسِ الْأَوَّلِ  
حَتَّى أَفَاضَ خَلْعَةَ الْوُجُودِ فِي  
وَالْتَيَّرِينَ الشَّمْسِ فَوْقَ الْقَمَرِ  
ثُمَّ الْحَوَارِي الْبَاقِيَاتِ الْخَمْسَةَ  
فِي ذَاتِهِمْ مُنْعَمَةً بِفَيْضِهِمْ  
مُفَيْضَةَ الْأَنْوَارِ طُرّاً فِي عُلَى<sup>٢٢١</sup>  
أَتْتَمَعُوا مِنْوَرَاتِ الْقُرْصِ  
وَرَبُّنَا الْقَى ضِيَا التَّقْدِيسِ مِنْ  
إِلَى مَحَارِيبٍ لِتَتَلَّسُوا ذِكْرَهُ  
غِيَاهِبَ الْجَهَالَةِ أَطْمَسَ نَكْرَهُ  
إِلَهِنَا تَوَلَّعَتْ نُفُوسُنَا  
مُشِيرَةً أَرَوَّحُنَا إِلَيْكَ مِنْ

عَاكِفَةً لِلَّهِ عَالِي الْعُتْبَةِ  
قَدْ ذَكَرُوا خَاشِعَةً فِي الذَّلَّةِ  
فِي عَالَمِهِمْ مَنَزِلِ الثَّلَاثَةِ  
فَأَيْنَمَا حَطَّوْا عَلَى مَرَحَلَةٍ  
مُجْتَبِي أُنْبَاءِ أُمِّ الظُّلْمَةِ  
أَبْدَانِهِمْ مِنْهَا كَمَالِ الْقُرْبَةِ  
أَصْحَابِ حُجْرَاتِ الْعُلَى فِي الْعِزَّةِ  
مُقْتَبِسِينَ التَّوَرَّخِ الْبَغِيَّةِ  
مِنْ الْمَبَادِي مَرِجِعِ الْعِلْيَةِ  
عَنْ رَقَّةِ الْأَغْيَارِ<sup>٢٢٠</sup> بِالصَّافِيَةِ  
أَمْلَاكِهِ سَاكِنَةِ الْعَالِيَةِ  
أَيَّ عَقْلِهِ الْأَوَّلِ مِنْ وَسِيلَةٍ  
عَوَالِمِ الْإِمْكَانِ بِالإِشَاعَةِ  
فِي فَيْضِهِمْ فِي الْأَرْضِ كَالْخَلِيفَةِ  
فِي قُرْبَةِ اللَّهِ لِمَنْ مُنْعَمَةٌ  
مِنْ بَعْدِهَا أَشْخَاصُهَا التَّائِبَةِ  
مَدَارِجِ الْحَرَكَ فِي الْفَوْقِيَّةِ<sup>٢٢٢</sup>  
قَدْ نَفَعُوا عَوَالِمَ النَّازِلَةِ  
نَوَالِيهِ عَلَى قُلُوبِ أَوْتِ  
قَاتِلِيهِ إِلَهِنَا بِالرَّحْمَةِ  
عَنَّا فَذَا دَثَارُ ذِي الْجَهَالَةِ  
إِلَيْكَ طَوْعاً مُذْعِنِي الإِطَاعَةِ  
مُقَدَّسِيكَ عَنْ صَدَى النَّاقِصَةِ<sup>٢٢٣</sup>

٢١٩ . ن: مستنجدى (٤).

٢٢٠ . اصل: الأغمار.

٢٢١ . ن: العلى.

٢٢٢ . ن: القوفية.

طالِبَةَ الرُّقْبِي فِي<sup>٢٢٤</sup> تَصَاعُدِ  
 مِنْ مُسْتَوَى كُرْسِيِّكَ الْفَسِيحِ مِنْ  
 فَقَدْسِ اللَّهِمْ إِذَا<sup>٢٢٥</sup> تَوَاصَلْتُ  
 قَدْ رَكَصْتُ فِي طَلَبِ الْأَنْوَارِ مُدْ  
 فِي جَوْلِهَا قَدْ رُفِعَتْ إِذْ رَمَقْتُ  
 فَإِنَّ ضُرُوءَكَ مِنْ غِيَاثِ مَنْ  
 لَوْ لَا أَوْلُو عَزِيمَةٍ فِي الْأَرْضِ مِنْ  
 عَنِ دَنْسِ الْأَبْدَانِ حَتَّى صَلَّحُوا  
 أَحْبَابِ وَالْيَهُمْ وَمِنْ بَاغِضَةٍ  
 نَلْقَى السَّمَوَاتِ الْعُلَى قَادِفَةً<sup>٢٢٧</sup>  
 فَيَطْحَنُ<sup>٢٢٨</sup> الظُّلَامَ طَحْنَ الْحَبَّةِ  
 مِنْ أَجْلِ هَذَا يُعْتَبَرُ وَأُنزِلَتْ  
 مِنْهُمْ فَرِيْقٌ عَبَدُوا فِي نُسُكِ  
 وَفَرِيقَةٌ زَاغُوا عَنِ الْحَقِّ وَمَا<sup>٢٢٩</sup>  
 أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا تَعَبَّدُوا  
 فَسَوْفَ تَلْقَى رَفْعَةً إِلَى سَنَا  
 دَاخِلَةً صُفُوفَ أَهْلِ الْعِزَّةِ  
 هُمْ فِي نَعِيمٍ دَائِمًا فَافْتَحَرُوا  
 أَمَّا الَّذِينَ انْحَرَفُوا فِي زَيْغِهِمْ  
 مُنْكَبَّةً عَلَى الْأَنْوْفِ احْتَجَبَتْ  
 سُبْحَانَ مَنْ لَهُ ذَوَاتٌ صَلَّحَتْ

إِلَى عَلَى مَقَاعِدِ الْجَلَالَةِ  
 مَطْرَحِ نَوْرِكَ الرَّشِيدِ الْغُرَّةِ  
 بِأَيْدِكَ الْمَتَمِّينَ عَنْ كُدُورَةِ  
 رَكَتِ نَفْسٍ مِنْ أُولَى الْبَصِيرَةِ  
 أَضْوَاءَ مِنْ عُلُويَّةٍ كَرِيمَةِ  
 قَدْ أَقْبَلُوا<sup>٢٢٦</sup> إِلَيْكَ وَاسْتَجَارَتْ  
 كَامِلَةً طَهْرَةَ الْبَاقِيَةِ  
 مَعزُومَةَ الْجِوَارِ زُلْفَى الْحَضْرَةِ  
 مَفَاعِلِ الْعِصْيَانِ وَالسَّيِّئَةِ  
 وَبِالْهَذَا صَبَّأَ عَلَى الْأَرْضِيَّةِ  
 تَحْتِ جِجَارَةِ مَنْ الطَّاحُونَةِ  
 رُشَلٌ وَكُتُبٌ مَشْأُ الْهَدْيَةِ  
 تَقَرَّبُوا مِنْ تَحْتِ حُجْبِ الْحَمِيَّةِ  
 نَالُوا إِلَى خَيْرِ سِوَى الضَّلَالَةِ  
 خَاضِعَةً لِلَّهِ حَسَبِ الطَّاقَةِ  
 مَشْهُدٍ فِيضِ الْعَالَمِ الْعَقْلِيَّةِ  
 مُقَرَّبِي الْأَمَلِكِ فِي الْقُدْسِيَّةِ  
 سَكَانُ سِدْرَةِ الْعُلَى فِي رَاحَةِ  
 تَلْقَى عَلَيْهِمْ ذَلَّةُ الْمَسْكَنَةِ  
 نَاكِسَةً مِنْ تَحْتِ حُجْبِ الظُّلْمَةِ  
 تَبَرَّرَتْ رَاجِيَةَ الْبَسِيْطَةِ

٢٢٣ . ن: الفاقصة.

٢٢٤ . ن: من.

٢٢٥ . اصل: إذ.

٢٢٦ . ن: أقبلت.

٢٢٧ . ن: قاذفة.

٢٢٨ . اصل: فتطحن.

٢٢٩ . ن: فما.

أَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ مُكْرَمَةً<sup>٢٣٠</sup> مَسْرُورَةً فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ  
 قَدْ ضَمِنَ الرَّحْمَانُ فِي آزَالِنَا إِنَّ خِيَاراً تَأْتِيهِ الْجَلَالَةُ  
 فِي شَوْقٍ مَرْتَعِ التَّوَاصُلِ الَّذِي مَأْوَى حَيَاةِ السَّرْمَدِ الْقَدِيمَةِ  
 كَانُوا حَوَالِي قُبَّةِ الدُّهُورِ هُمْ مِنْ حَوْلِهَا تَفَكَّهُوا بِالْوُصْلَةِ  
 يَقْبِضُ هُمْ ضَمَانَهُ إِلَى سَنَا عَوَالِمِ الْعُقُولِ مِنْ مُنْصَمَّةٍ  
 فَهُمْ لَنَسِي عَيْنِ حَيَاةٍ<sup>٢٣١</sup> سَبَّحُوا عَلَى أَحَانِينَ فَقَسِي نَظَافَةَ  
 قَدْ عَظُمَتْ قَوْمٌ صَفَى مَوْفِقَهُمْ عَلَى مَحَارِيبِ مِنَ الرَّاكَعَةِ  
 جُنَحِ الدُّجَى قَدْ أَمْطَرَتْ عَيْونُهُمْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ جَلِيلِ الرَّهْبَةِ<sup>٢٣٢</sup>  
 تَالِيَةَ الْكُتُبِ بِهَا عَامِلَةٌ قَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَيِ ذِي الْهَيْبَةِ<sup>٢٣٣</sup>  
 هُمْ فِي رَبُورِ رَحْمَةٍ أَنْ لَا تُرَى عَلَى وُجُوهِهِمْ رُيُونَ الْعُبْرَةِ  
 حِينَ أَتَوْا يَلْقَوْنَهُ يُحَلُّهُمْ تَلْقَائُهُ فِي خَلْعَةِ السَّعَادَةِ  
 مُطِيعَةً لِلَّهِ قَدْ يَغْشَاهُمَا<sup>٢٣٥</sup> بَارِقَةٌ بِحَسَبِ قَابِلِيَّةٍ  
 فَإِنَّ نَجْمَ اللَّهِ سَانِحٌ مُضِي<sup>٢٣٦</sup> مِنْ خَيْرِ بَارِقِ أَتَى بِالرَّحْمَةِ

### فصل في ذكر الأنوار السانحة على الأذكىاء والأولياء مع مقدمة قبلها

إِشْرَاقِهَا النُّورِيَّةِ<sup>٢٣٧</sup> إِعْلَمَ إِذَا دَامَتْ عَلَى النَّفُوسِ مِنْ  
 جَمِيعِهَا تُطِيعُهُ فَقَدْ تُرَى مِثْلَ حَدِيدَةٍ حَمَّتْ مَكْسُورَةً  
 قَدْ جَاوَزَتْ نَاراً كَذَاكَ النَّفْسُ إِنْ تَأَلَّفَتْ فِيهَا سَنَا الْمَجْدِيَّةِ  
 إِنْفَعَلَتْ<sup>٢٣٨</sup> عَنْهَا نَفُوسُ الْعَالَمِ تَأَثَّرَتْ عَنْهَا جَمِيعُ الْمَادَةِ  
 دُعَاؤُهَا يُسْمَعُ فِي الْعَالِيَةِ مَقْدَرًا فِي سَابِقِ الْقَضِيَّةِ

٢٣٠ . ن: فاتهبوا فراجعوا لقومهم (- أبوا إلى أهيلهم مكرمة).

٢٣١ . ن: الحيواة.

٢٣٢ . ن: الهيبة.

٢٣٣ . ن: الرهبة.

٢٣٤ . ن: يرى.

٢٣٥ . اصل، ن: يغشاهمو.

٢٣٦ . ن: سانحاً يضي (- سانح مضي).

٢٣٧ . اصل: جانت عن (- النورية).

٢٣٨ . ن: فانفعلت.

فَالنُّورُ مِنْ سَانِحِ عَالَمِ الْعُلَى  
بِالْعِلْمِ قَدْ يُطِيعُهُ عَالَمُهُ  
وَالْأَنْفُسُ النَّقِيَّةُ الْكَامِلَةُ  
بَقِي ٢٣٩ بِهَا نُورٌ بِهِ خَلَاقَةٌ  
وَعَيْنٌ سَوْءٌ تِلْكَ مِنْ نُورِيَّةٍ  
بِهَيْئَةِ نَفْسِيَّةٍ مُعْجَبَةٍ  
لَكِنَّ لَهُ خَاصِيَّةً فِي نَفْسِهِ  
سِوَى خَوَارِقِ النَّبُوَّةِ وَالْوِلَايَةِ  
وَالسِّحْرِ مِنْ تَأْثِيرِ نَفْسِ الْإِنْسِ  
ثَانِيَةً الْأَقْسَامِ مِنْ خَوَاصِّ مَا  
كَجَلْبِ مِغْنَاطِيسِهَا ٢٤٣ حَديْدَةً  
مَمْرُوجَةً بِهَا سَمَاوِيَّتِهَا  
وَكُلُّ خَارِقٍ لِعَادَةٍ فَلَكُم  
فَالنُّورُ أَقْسَامٌ أَتَتْ خَمْسَ عَشْرَ  
نُورٌ الْبِدَايَا لِمَعُ فَيَنْطَوِي  
نُورٌ كِبَارِقِ شَبِيهِ الْأَوَّلِ  
فِي قُوَّةِ اللَّمَعَانِ فِي بُرُوقِهِ  
وَرُبَّمَا قَدْ ٢٤٤ صَاتَ صَوْتُ الرَّعْدِ قَدْ ٢٤٥

إِكْسِيرُ قُدْرَةِ عَلَى الْإِحَاطَةِ  
لِمَالَهُ أَصْلُ الْقُوَى الْخَارِقَةِ  
حَلَّ بِهَا مِثَالُ نُورِ الْقُدْرَةِ  
شَيْءٌ أَرَادَتْ ذَلِكَ مِنْ مَقْدُورَةٍ  
قَاهِرَةٍ تَأْثِيرُهَا أَفْسَدَتْ  
قَدْ أَثَرَتْ فِيهَا أَعْجَبَتْ  
وَتِلْكَ مِنْ خَاصِيَّةِ الْقَاهِرَةِ ٢٤٠  
أَقْسَامُهَا ثَلَاثَةٌ فِي الْقِسْمَةِ ٢٤١  
قَدْ اسْتَعْمَلَتْ شَرًّا [مِنْ] الشَّرِيَّةِ ٢٤٢  
فِي بَعْضِ أَجْرَامِ لِعَنْصُرِيَّةٍ  
ثَالِثُهَا كَمِثْلِ تَأْثِيرِ مِنَ الْأَرْضِيَّةِ  
مِثْلَ طِلْسِمَاتِ لِذِي عَزِيْمَةِ  
يَخْرُجُ عَنِ الثَّلَاثَةِ الْمَذْكُورَةِ  
لِلْمُبْتَدِي وَالْمُنْتَهِي وَالْوَسْطَةِ  
كَلِمَةً بَارِقَةً لَذِيذَةِ  
لِكِنَّهُ فَاقَ مَعَ الزِّيَادَةِ  
لِكِنَّهُ فِي الْهَوْلِ مِنْ هَائِلَةِ  
يَعْلُو إِلَى الدِّمَاغِ فِي دَوِيَّةِ

٢٣٩ . ن: كذا.

٢٤٠ . (ح): بيتي نوشته شده است که خوانا نیست و در شرح نیز ذکر نشده است.

٢٤١ . اصل: - سوی خوارق ... في القسمة.

٢٤٢ . این بیت در حاشیه ذکر شده است و در متن سه بیت زیر آمده است که روی آنها خط خورده است:

سوی الخوارق التي قد ظهرت من أنبياء الله والكرامة

من اوليائه على ثلاثة قسم من النفسية الإنسانية

وهو إصابة العيون كالتى مرّت وكالسحر من الوهميّة.

٢٤٣ . اصل، ن: مقناطيسها.



نُورٌ لَذِيذٌ شَبَهُ مَاءٍ سَخَّنُوا  
 نُورٌ قَوِيٌّ عَزَّ فِي دِمَاغِهِ  
 نُورٌ لَذِيذٌ جَدَّ فِي النَّهَائَةِ  
 مُبْهِجَةٌ لَطِيفَةٌ حُلُوَّةٌ  
 نُورٌ لَمُحَرِّقٌ<sup>٢٤٦</sup> تَحَرَّكَتْ بِهِ  
 وَرُبَّمَا يَحْصُلُ مِنْ سَمَاعِهِ  
 لِكِنْ لِمُبْتَدٍ وَذِي تَفَكُّرٍ  
 نُورٌ بَدَى بِلَامِعٍ فِي خَطْفَةٍ  
 مِنْ شَمْسٍ صَاحُوَّةٍ مُعَرِّقٌ لَهُ  
 نُورٌ يُبْرِقُ لَذِيذُ الْغَايَةِ  
 مُعَلَّقٌ فِي مُدَّةٍ طَوِيلَةٍ  
 نُورٌ تَلَالِي سَانِحٍ فِي قَبْضَةٍ  
 مُخَوَّلًا إِيَّاهُ بَعْضَ الْأَلَمِ  
 نُورٌ يُرَى فِي قَبْضَةٍ<sup>٢٤٧</sup> كَانَتْهُ  
 نُورٌ مِنْ النَّفْسِ أَنْجَلَى فَمُشْرِقٌ  
 بَدَى كَأَنْ يَدْرَعُ فِي صِيصِيَّةٍ<sup>٢٥٠</sup>  
 أَنْ يَقْبَلَ الصُّورَةَ مِنْ نُورِيَّةٍ<sup>٢٥١</sup>  
 نُورٌ أَتَى فِي صَوْلَةٍ قَدْ خَالَهُ<sup>٢٥٢</sup>  
 صُبَّ عَلَى الرَّأْسِ كَمِثْلِ الْجَمْرَةِ  
 يَبْقَى بِهِ فِي مُدَّةٍ طَوِيلَةٍ  
 لَا يُشْبِهُ الْبَرْقَ أَتَى فِي صُحْبَةٍ  
 حَرَّكَهُ بِقُوَّةِ الْمَحَبَّةِ  
 قُوَّتُهُ الَّتِي دَعَتْ لِلْعِزَّةِ  
 لِنَحْوِ طَبْلِ مِنْ أُمُورٍ هَالَتْ  
 وَمَنْ تَخَيَّلَ عِزًّا نَالَهُ بِالْهَمَّةِ  
 عَظِيمَةٍ أَظْهَرَ عِنْدَ الرُّؤْيَةِ  
 فِي لَذَّةٍ مُطْرَبَةٍ مُسْكِرَةٍ  
 خَالَ كَأَنَّهُ بِشَعْرِ الْجَبْهَةِ  
 وَيَعْلَمُ اللَّهْ خَفَا الْكَيْفِيَّةِ  
 كَأَنَّهُ قَدْ جَرَّ بِالنَّاصِيَةِ  
 مُعْتَرِضَ اللَّذَاتِ بِالْمَحَبَّةِ  
 مَكَّنَهُ<sup>٢٤٨</sup> الدِّمَاغَ كَالْمَخْرَزَةِ<sup>٢٤٩</sup>  
 عَلَى جَمِيعِ الرُّوحِ نَفْسَانِيَّةِ  
 شَيْئًا يَكَادُ الرُّوحُ بِالْكَلِيَّةِ  
 يَلْقَاهُ فِي لَذَّتِهِ الْغَالِيَةِ  
 مِنْهُدِمٌ<sup>٢٥٣</sup> شَيْءٌ مِنْ السَّقِيفَةِ

٢٤٤ . ن: - قد.

٢٤٥ . ن: - قد.

٢٤٦ . ن: بمحرق.

٢٤٧ . اصل: نُورٌ فُفِي قَبْضِيَّةِ.

٢٤٨ . ن: تمكَّن.

٢٤٩ . ن: كالمخزونة.

٢٥٠ . اصل: ضيضة؛ ن: بالجسم له (- في صيصية).

٢٥١ . ن: النورية (- من نورية).

نورٌ بَدَى سَالِبٌ<sup>٢٥٤</sup> نَفْسِهِ يُرَى  
وَلَمْ يَكُنْ ذُو النُّورِ عَالِمًا بِهِ  
نورٌ مُحَيَّلٌ كَأَن فِي ثِقَلٍ  
نورٌ شَدِيدُ القُوَّةِ الحَرَآكَةِ  
إِنقَطَعَتْ وَانفَصَلَتْ<sup>٢٥٥</sup> مَمزُوقَةً  
وَأَعظَمُ المَلَكَاتِ المَوْتُ قَد يَنْسَلِخُ  
أذْرَجَتْ أَنواراً سَنَتْ مِنْ حِكْمٍ  
صَبَّتْ يَدَا عِنَايَةٍ فأنْسَكَبَتْ  
لَكِن عَصَاها الدَّهْرُ عَن أَهْلِها  
وَغابَ عَن آفاقٍ مَجْدٍ أَفَلَتْ  
بِسُوقِها كاسِدةٌ لَن تُشْتَرَى  
تَعَيَّمَتْ سَمَائِها تَسَكَّرَتْ  
فأنقَطَعَتْ سَحابُها عَن وَرَقٍ  
مُعَلَّقاً مُجَرِّداً عَن جِهَةٍ  
مِن قَبْلِ هَذَا غَائِبٌ فِي غَفَلَةٍ  
فَلَمَّ يُطَلِّقُ تحامُلاً بِالطَّاقَةِ  
لِحِجْسِمِهِ يَكادُ لِلفاصِلَةِ  
قَد تَمَّتِ الأنوارُ مِنْ سائِحَةٍ  
عَنهُ المُدَبِّرُ يُنجِيهِ عَن عِلاقَةٍ<sup>٢٥٦</sup>  
فِي هذِهِ الألفِيَّةِ الأنيقَةِ  
جاءَتْ بِفَضْلِ اللّهِ كَالسَّيِّكَةِ  
فَمابَقَتْ باعِ إِلِها مُدَّتْ  
شَمْسُ جَمالِها عَنِ الإضاءَةِ  
بِإِدْرِهِمِ تَقاعَدَتْ عَن رَغَبَةٍ  
نُجومُها تَحْتِ رُكامِ الظُّلْمَةِ  
يَخْرِجُ مِنْ خِلالِها بِالرَّحْمَةِ<sup>٢٥٧</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

٢٥٢ . ن: خال أن.

٢٥٣ . ن: منهدماً.

٢٥٤ . ن: يسلب.

٢٥٥ . ن: - وانفصلت.

٢٥٦ . اصل، ن: العلاقة.

٢٥٧ . ن: - بالرحمة.